

کتابخانه مجلس شورای ملی
خطی «فهرست شده»
۵۲۰۰


بازرسی شد
بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
۵۳۰۰


کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب ادعیه با ترجمه فارسی
مؤلف
موضوع ۵۳۰۰
شمارهٔ قفسه
شماره ثبت کتاب ۶۶۶۸۴
خطی ، فهرست شده
۵۳۰۰
بازرسی شد
بازدید شد ۱۳۸۲



بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون

لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین

له الدین ولو کره المشرکون لا اله

الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین



لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده

ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده

فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو

حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل

شیء قدیر استغفر الله الذی لا اله

الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم

اهدنی من عندک وافض علی من

فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل

علی من برکاتک سبحانک لا اله



إلا أنت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فإنه

مگر تو بیامرز برای من گناهان مرا تمام آنها را همه بدرستیکه

لا يغفر الذنوب كلها جميعا إلا أنت

نمی بخشد گناهها را تمام آنها را مگر تو

اللهم إني أسئلك من كل خير أحاط

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از هر خیری که فرو گرفته است

به علمك وأعوذ بك من كل شر أحاط به

آنرا علم تو و پناه می آورم بتو از هر شری که فرو گرفته است آنرا

علمك اللهم إني أسئلك عافيتك في

علم تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا عافیت تو در

أموري كلها وأعوذ بك من خزي الدنيا

کارهای من تمام آنها و پناه می آورم بتو از رسوائی دنیا

وعذاب الآخرة وأعوذ بوجهك الكريم

و عذاب آخرت و پناه می آورم بذات کریم و

وعزتك التي لا ترام وقدرتك التي لا

و عزت تو که طلب کرده نمیشود و قدرت تو که ابا

يمتنع منها شيء من شر الدنيا والآخرة و

ابا نمیکند از آن چیزی از شر دنیا و آخرت و

من



من شر الأوجاع كلها ولا حول ولا قوة

از شر دردها تمام آنها و نیست قدرتی و نه قوتی

إلا بالله العلي العظيم توكلت على الحي الذي

مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ توکل کردم بر همیشه زنده

لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا

نمی میرد و سپاس از برای خدائیست که فرو نگرفته است فرزندی

ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن

و نیست از برای او شریکی در پادشاهی و نمیباشد

له ولي من الذل وكبره تكبيرا پس تسبیح فاطمه

از برای او دوستی از خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

زهرا علیها السلام را بخوان ده مرتبه لا إله إلا الله وحده

نیست خدائی مگر خدا یگانه است

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي و

نیست انبازی از برای او و از برای اوست پادشاهی و از برای اوست سپاس زنده میکند

يميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت

و میمیراند و میمیراند و زنده میگرداند و اوست زنده که نمیمیرد

بيده الخير وهو على كل شيء قدير ده مرتبه

بدست او است خیر و او است بر هر چیز توانا



سبحان الله العظيم وبحمده ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم ده مرتبه ما شاء
الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم ده مرتبه استغفر الله ربي واتوب
اليه ده مرتبه استجير بالله من النار و
اسئله الجنة ده مرتبه اللهم صل على محمد
وآل محمد وعجل فرجهم ده مرتبه اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها
واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة



ولا ولدا ده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر پس میگوئی اعید نفسی ودینی
واهلی ومالی وولدی واخوانی وما رزقنی
ربی وجمیع ما یعنینی امره بالله الاحد الصمد
الی اخر التوحید وبرب الفلق الی اخره وبرب
الناس الی اخره ثم اقرا الفاتحة الی اخره وایة
الکرسی الی هم فیها خالدون ثم ایة الشهادة
الی بغیر حساب پس بخوان این سه ایه را ان ربکم
الله الذی خلق السموات والارض فی

سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي

شش روز پس مستولی شد بر عرش می‌پوشاند

اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَ

شب را بروز طلب آن [illegible] شتابان آفریده است

الْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ

ماه را و ستاره‌ها را در حالیکه رام کرده شده‌اند بفرمان آن آگاه باشید مر او راست آفریدن

وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا

و امر مقدس است خدا پروردگار عالمیان بخوانید

رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

پروردگار خود را فروتنی کننده و نهانی کننده بدرستیکه خدا دوست نمیدارد

الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

از حد گذرندگان را و فساد مکنید در زمین بعد از

إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ

اصلاح آن و بخوانید خدا را خوف آرنده و طمع کننده بدرستیکه رحمت

اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ

خدا نزدیک است به نیکوکاران بگو اگر بوده باشد دریا

مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ

مداد برای کلمات پروردگار هر آینه تمام شود دریا پیش از آنکه

تنفد

تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

تمام شود کلمات پروردگار و هر چند بیاوریم مثل آن را مدد آن

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ

بگو ای محمد بدرستیکه منم بشری مثل شما فرستاده شده است وحی بسوی من بدرستیکه

خدای شما

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ

یگانه است پس هر که داشته باشد امید ملاقات پروردگار خود

پس عمل کند

عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

عمل نیکو و شریک نگرداند بعبادت پروردگار خود کسی را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا

بنام خدای بخشاینده مهربان قسم میخورم بگروههای صف

صف زده

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّ

پس راننده راندنی پس خواننده ذکر کردنی بدرستیکه

إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

پروردگار شما هر آینه یکیست پروردگار آسمانها و زمین و

مَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ

آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقهاست بدرستیکه ما آرایش دادیم

آسمان نزدیک را

الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ

نزدیک شما را بزینتی که آن ستاره‌هاست و حفظی از هر



شيطان مارد لا يسمعون الى الملأ
الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا
ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة
فاتبعه شهاب سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين و
الحمد لله رب العالمين يا معشر الجن و
الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات والارض فانفذوا لا تنفذون
الا بسلطان فباي آلاء ربكما تكذبان



يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس
فلا تنتصران لو انزلنا هذا القرآن على
جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم
يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم
الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله
الذي لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو

نشان



الله الخالق البارئ المصور له الاسماء

خدای تقدیر کننده آفریننده صورت کشنده برای اوست نامهای

الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض

نیکو تسبیح میکنند برای او آنچه در آسمانها و زمین است

وهو العزیز الحکیم پس دوازده تسبیح سوم

و اوست عزیز حکیم

توحید بخوان و تشهد بدانکه اللهم انی اسئلک

خداوندا درستیکه سؤال میکنم از تو

باسمک المکنون المخزون الطهر الطاهر

بحق نام تو که پنهان کرده شده خزانه کرده شده پاکیزه پاک

المبارک واسئلک باسمک العظیم وسلطانک

مبارکه تو و سؤال میکنم ترا بحق نام بزرگ و پادشاهی تو

القدیم یا واهب العطایا یا مطلق الاساری

قدیم تو ای بخشنده عطاها ای رها کننده اسیران

یا فکاک الرقاب من النار اسئلک ان

ای خلاص کننده گردنها از آتش سؤال میکنم ترا که

تصلی علی محمد وآل محمد وان تعتق

بفرستی رحمت بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی

رقبتی

رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا

گردن مرا از آتش و اینکه بیرون بری مرا از دنیا

امنا وتدخلنی الجنة سالما وان تجعل

ایمن و داخل کنی مرا بهشت سالم و اینکه گردانی

دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره

دعای مرا اول آنرا رستگاری و میان آنرا فیروزی و آخر آن

صلاحا انک انت علام الغیوب پس بگو

صلاحی درستیکه تو دانای غیبهائی

اللهم انی اصبحت اشهدک وکفی بک

خداوندا بدرستیکه من اصبح کردم در حالتیکه گواه میگیرم ترا و بس است تو

شهیدا واشهد ملائکتک وحملة

گواهی و گواه میگیرم فرشتگان ترا و بردارندگان

عرشک وسکان سمواتک وارضک و

عرش ترا و ساکنان آسمان ترا و زمین ترا

انبیائک ورسلک والصالحین من عبادک

پیغمبران ترا و رسولان ترا و صالحان از بندگان ترا

وجمیع خلقک فاشهد لی وکفی بک شهیدا

و همه آفریدگان ترا پس گواه شو برای من و بس است تو برای گواهی

تو برای

الٰهی اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

بدرستیکه من گواهی میدهم که توئی تو خدا یگانه نیست انباز

لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

از برای تو و آنکه محمد صلعم رحمت کناد خدا برا و و آل او

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا

بنده تو و رسول تست و آنکه هر عبادت کرده شده از

دُونَ عَرْشِكَ اِلٰى قَرَارِ اَرْضِكَ السَّابِعَةِ

زمین و عرش تو تا زمین زمین هفتمین

السُّفْلٰى بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ مَا عَدَا وَجْهَكَ

زمین تو باطل و مضمحل است غیر ذات

الْكَرِيمَ فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَاَكْرَمُ وَاَجَلُّ وَ

کریم تو پس بدرستیکه او عزیز است و کریمتر است و جلیل تر و

اَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ

بزرگتر از اینکه وصف کنند وصف کنندگان نهایت

جَلَالِهِ اَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ اِلٰى كُنْهِ

بزرگی او را یا راه یابند دلها بسوی کنه

عَظَمَتِهِ يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ فَخْرُ

عظمت او ای آنکه بالاتر است از مدح مدح کنندگان فخر



مَدْحِهِ وَعَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ مَاٰثِرُ حَمْدِهِ

مدح او و تجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان طریقهای حمد او

وَجَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَاْنِهِ

و بلند است از گفتگوی حرف زنندگان تعظیم شان او

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِنَا مَا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با ما آنچه

اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزگاری و سزاوار آمرزش

سُبْحَانَ اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ

تسبیح میکنم تسبیح خدا هر گاه تسبیح کند خدا را چیزی

وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَ

و چنانچه دوست میدارد خدا که تسبیح کرده شود و چنانچه او سزاوار است و

كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَ

همچنانکه سزاوار باشد از برای کرم ذات او و غلبه بزرگی او و

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ

سپاس مر خدا را هر گاه حمد کند خدا را چیزی و همچنانکه دوست دارد خدا

اَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

که حمد کرده شود و همچنانکه او سزاوار است و چنانکه سزاوار است مر کرم

كرمی او



وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله كلما
هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء
وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله و
كما ينبغي لكرم وجهه سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اكبر على كل نعمة
انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه
ممن كان او يكون الى يوم القيمة اللهم



اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد و
اسئلك خير ما ارجو وخير ما لا ارجو و
اعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما
لا احذر الهي ان
ذنوبي وكثرتها قد غبرت وجهي عندك
وجنتني عن استاهلها لرحمتك وباعدتني
عن استنجاز مغفرتك ولولا تعلقي
بالائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي
من المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك

يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا
ای بندگان من آنانیکه اسراف کرده اید بر نفسهای خود نومید مشوید
من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا
از رحمت خدا بدرستیکه خدا می آمرزد گناهان را بالتمام
انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين
بدرستیکه خدا اوست بسیار آمرزنده مهربان و ترسانیده ای ناامیدان را
من رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة
از رحمت تو پس گفته تو و هرکه نومید میشود از رحمت
ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك الى
پروردگار خود مگر گمراهان پس خوانده ای ما را بسبب رحمت مهربانی خود بسوی
دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان
خواندن تو پس فرموده که بخوانید مرا اجابت میکنم مر شما را بدرستیکه
الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون
آنانیکه تکبر میورزند از عبادت من زود بود داخل میشوند
جهنم داخرين الهي لقد كان ذل الاياس
جهنم را خوار شدگان الهی بتحقیق بود ذل نومیدی
علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي
بر من مشتمل و نومیدی از رحمت تو بمن

ملتجئا

ملتجئا الهي قد وعدت المحسن ظنه بك
لاحق الهی خدای من بتحقیق که وعده کرده کسیرا که نیکو کرده است گمان خود را بتو
ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك عقابا
ثواب را و وعده فرموده کسیرا که بد کرده است گمان خود را عقاب
اللهم وقد اسبل دمعي حسن الظن
خداوندا و بتحقیق که روان کرده است اشک مرا نیکویی گمان
بك في عتق رقبتي من النار وتغمد زللي
بتو در آزاد کردن گردن من از آتش و در پوشاندن گناه من
واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي
و در گذشتن از لغزش گناه من و گفته و گفته تو حق است که
لا خلف فيه ولا تبديل يوم ندعو كل اناس
نیست خلافی در آن و نه تغییری روزیکه میخوانیم هر طایفه
بامامهم اللهم اني اقر واشهد واعترف
بامام و پیشوای ایشان خداوندا بدرستیکه من اقرار میکنم و گواهی میدهم و اعتراف میکنم
ولا اجحد واسر واظهر واعلن وابطن
و انکار نمیکنم و پنهان و آشکارا و ظاهر و باطن
بانك انت الذي لا اله الا انت وحدك
بآنکه توئی تو خدائی که نیست خدائی مگر تو تنها

لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك

نیست شریکی مر ترا و آنکه محمد بنده تو و فرستاده تو

وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين

و آنکه علی امیر و سرکرده مؤمنانست و بزرگ جانشینان پیغمبران

ووارث علم النبيين وقاتل المشركين و

و وارث علم پیغمبران و کشنده مشرکان و

امام المتقين ومجاهد الناكثين و

پیشوای پرهیزکاران و جهاد کننده است با جمعیکه بیعت شکنند و

القاسطين والمارقين امامي وحجتي وصراطي

جمعیکه جور کننده اند و جمعیکه بیرون رونده اند پیشوای از دین

ودليلي وحجتي ومن لا اثق بالاعمال و

و طاعت آن کارها را کسیست که اعتماد ندارم بکارها و

ان زكت ولا اراها منجية وان صلحت الا

اگرچه پاکیزه باشند و نمی بینم کردار را نجات دهنده و هرچند نیکو شوند مگر

بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله

بدوستی او و پیروی او و اقرار کردن بفضیلتهای او

والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم

و قبول کردن فضیلتها از نقل کنندگان آنها و باور کردن آنها از روایت کنندگان

خداوندا

واقر

واقر باوصيائه من ابنائه ائمة وحججا وادلة

و اقرار میکنم بجانشینان او از پسران او که امامانند و براهینند و

راهنمایانند

وسرجا واعلاما ومنارا وسادة ابرارا و

و چراغهای روشن اند و علامتهای آشکارند و بزرگان نیکوکارانند و

ادين بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم

و اعتقاد دارم به پنهانهای ایشان و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و باطن ایشان

وحيهم وميتهم وشاهدهم وغائبهم لا

و زنده ایشان و مرده ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان نیست

شك في ذلك ولا ارتياب ولا تحول عنه

شکی در این و نه ارتیابی و نه برگردیدنی از آن

ولا انقلاب اللهم فادعني يوم حشري

و نه برگشتنی خداوندا پس بخوان مرا روز حشر من

وحين نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم

و هنگام برانگیختن من از خاک بامامت ایشان و محشور فرما در طایفه ایشان

نشان

واكتبني في اصحابهم وانقذني بهم يا مولاي

و بنویس مرا در شمار اصحاب ایشان و رهائی ده مرا بسبب ایشان ای مولای من

من حر النيران فانك ان اعفيتني منها

از گرمی آتش جهنم پس بدرستی که تو اگر نجات دادی مرا از آن

آتش

كنتُ من الفائزين اللّهمّ وقد أصبحتُ في

هستم از ظفر یافتگان خداوندا و همچنین بصباح کرده ام در

يومي هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجأ

این روز خود اینکه نیست اعتمادی مرا و نه کسیکه بسوی او گریزم و نه کسیکه

غير من توسّلتُ بهم إليك من آل رسولك

غیر ایشانکه توسل جسته ام بایشان بسوی تو از آل رسول تو

عليٍّ وفاطمة والحسن والحسين وعليٍّ و

علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و

محمّدٍ وجعفرٍ وموسى وعليٍّ ومحمّدٍ وعليٍّ

محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی

والحسن ومحمّدٍ صلواتك عليهم أجمعين

و حسن و محمد رحمتهای تو بر ایشان همگی

اللّهمّ فاجعلهم حصني من المكاره ومعقلي

خداوندا پس گردان ایشانرا حصار من از مکروهها و پناه من

من المخاوف ونجّني بهم من كلّ عدوٍّ

از آنچه خوف از آنست و نجات ده مرا بسبب ایشان از هر دشمنی

طاغٍ وفاسقٍ باغٍ ومن شرّ ما أعرف وما

از حد تجاوز کننده و هر فاسق ستمکار و از شر آنچه می شناسم و آنچه نه

انكر

أنكر وما استتر عليّ وما أبصر ومن شرّ

می شناسم و آنچه پوشیده گشته برمن و آنچه می بینم و از شر

كلّ دابّةٍ ربّي آخذٌ بناصيتها إنّ ربّي على

هر جانوری که پروردگار من گیرنده است ناصیه او را بدرستیکه پروردگار من بر

صراطٍ مستقيم اللّهمّ بتوسّلي إليك بهم

راه راست است خداوندا بحق توسل جستن من بسوی تو بسبب ایشان

وتقرّبي بمحبّتهم افتح عليّ أبواب رحمتك

و نزدیکی جستن من بدوستی ایشان بگشای برمن درهای رحمت خود را

ومغفرتك وحبّبني إلى خلقك وجنّبني

و درهای آمرزش خود را و دوست دار گردان مرا بسوی خلق خود و دور گردان

عداوتهم وبغضهم إنّك على كلّ شيءٍ

از دشمنی ایشان و کینه ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز

قدير اللّهمّ ولكلّ متوسّلٍ ثوابٌ ولكلّ

توانائی خداوندا از برای هر وسیله جوینده ثوابی است و برای هر

ذي شفاعةٍ حقٌّ فأسألك بمن جعلتهم

صاحب شفاعتی حقی است پس سؤال میکنم ترا بحق کسیکه گردانیده ای ایشانرا

إليك سببي وقدّمتهم أمام طلبتي أن تعرّفني

بسوی تو سبب خود و مقدم داشته ام ایشانرا پیش حاجت خود اینکه بشناسانی

بركة يومي هذا وشهري هذا وعامي
برکت امروز من و اینماه من و این سال من
هذا اللهم فهم معوّلي في شدّتي ورخائي
خداوندا پس ایشانند محل اعتماد من در سختی حال من و در فراخی
وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني
و عافیت من و بلای من و خواب من و بیداری من و سفر من
واقامتي وعسري وصباحي ومسائي و
و اقامت من و دشواری من و صباح من و شام من و
منقلبي ومثواي اللهم فلا تخلني بهم
در مکان من و مقام من خداوندا پس خالی مگردان به ایشان
من نعمتك ولا تخيّبني بهم من تأميلك ولا
از نعمت خود و نومید مگردان مرا بسبب ایشان از عطای خود و
تقطع رجائي من رحمتك ولا تبتليني باغلاق
قطع مکن امید مرا از رحمت خود و گرفتار مکن مرا به بستن
ابواب الارزاق وانسداد مسالكها و
درهای روزیها و بند کردن راههای آن و
ارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا
بستن طریقهای آن و بگشای برای من از نزد خود گشایشی

يسيرا

يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا والى
آسان و بگردان برای من از هر تنگی بدر روی و بسوی
كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين
هر گشایشی راهی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اللهم واجعل الليل والنهار مختلفين
خداوندا و بگردان شب و روز را در گردانیده
على برحمتك ومعافاتك ومنّك وفضلك
بر من برحمت خود و عافیت دادن تو و نعمت تو و فضل تو
ولا تفقرني الى احد من خلقك برحمتك
و محتاج مگردان مرا بسوی کسی از خلق خود برحمت خود
يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بدرستیکه تو بر هر چیز توانا
وبكل شيء محيط
و بهر چیز احاطه کننده

دعاء صباح امير عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلّجه و
ای آنکه بیرون آورد زبان صباح را بگفتار روشن خود و

وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ تَلَجْلُجِهِ

و فرستاده پارهای شب تاریک را در حال تحریک و زوال

وَأَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ

و آفرید آسمان نیک گرداننده را در مقدار

تَبَرُّجِهِ وَشَعْشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ

خود آرایی خود و برافروخت روشنی آفتاب را بروشنی زبانه کشیدن

يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ

ای آنکه راه نمود مردم را بذات خود بذات خود و منزه است از جنسیت

مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنْ مُلَائَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ

آفریدهای خود و بزرگست از فراهم آمدن چگونگیهای خود ای آنکه

قَرُبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّنُونِ وَبَعُدَ عَنْ مُلَاحَظَةِ

نزدیکست باندیشهای گمانها و دورست از نگریستن

الْعُيُونِ وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا

دیدها و دانست بآنچه موجود شده پیش از آنکه موجود شود ای

مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيْقَظَنِي

آنکه خوابانیده مرا در گهوارهٔ امنیت و امان خود و بیدار کرد

إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَإِحْسَانِهِ وَكَفَّ

بسوی آنچه عطا کرده مرا از منتها و احسان خود و بازداشت

اكف

أَكُفَّ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُمَّ

دستهای بدی را از من بقوة خود و پادشاهی خود رحمت فرست

خداوندا

عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ وَ

بر رهنما بنده بسوی خود در شب تاریک و

الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ

و چنگ زننده از سببهای تو بریسمان بزرگی درازتر

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ

و پاکیزه و خالص نسبت در بالا در مرتبه که بسیار رفیع است

وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ

و استوار از حیثیت قدم بر جاهای لغزیدن در زمان

الْأَوَّلِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارِ الْمُصْطَفَيْنَ

خلقت اول و بر آل او که پاکانند و نیکوکار برگزیدگان

الْأَخْيَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ

خوبان و بگشا خداوندا از برای ما بستگیهای صباح

بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَأَلْبِسْنَا اللَّهُمَّ

بکلیدهای رحمت و رستگاری و بپوشان ما را خداوندا

مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَاغْرِسْ

از بهترین خلعتهای راهنمائی و شایستگی و بنشان

اللهم لعظمتك في شرب جناني بنابيع
خداوندا به بزرگواری خود در آب خوردن دل من در چشمهای
الخشوع واجر اللهم لهيبتك من اماقي
فروتنی را و جاری کن خداوندا از ترس خود از گوشه های
زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق
دیده من قطره های اشک را و اصلاح کن خداوندا بد خویی را
مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتديني الرحمة
از من بمهار قناعت خدایا اگر ابتدا نکنی مرا رحمت
منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك
از نزد خود به نیکویی توفیق پس کیست رونده مرا بسوی تو
في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد
در روشن ترین راهی و اگر باز گذارد مرا مدارای تو برای کشنده
پیشرو
الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات
آرزو و امید پس کیست در گذرنده از لغزشهای من از سر
الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة
هوای نفس و اگر خوار کند مرا یاری تو در نزد جنگ کردن با
النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك
نفس خود و شیطان پس بتحقیق باز گذاشته مرا وا گذاشتن تو

الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما
بسوی جایگاه رنج تعب و نومیدی خدایا آیا گمان میکنی که
اتيتك الا من حيث الامال ام علقت باطراف
نیامدم تو را مگر از جای آرزوها آیا بستم بکنارهای
حبالك الا حين باعدتني ذنوبي عن دار
ریسمان تو مگر هنگامیکه دور کرد مرا گناهان من از خانه
الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي
وصال و مرحمت پس بدست آن مرکبی که مرکب ساخته نفس من
من هواها فواها لما سولت لها ظنونها و
از خواهشهای خود پس وای مرا از آنچه آراسته مرا ورا گمانهای خود و
مناها وتبا لجرأتها على سيدها ومولاها
آرزوهای خود و هلاکت بود از جرأت بر آقای خود و صاحب خود
الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي و
خدایا کوبیدم در رحمت تو را بدست امید خود و
هربت اليك لاجئا من فرط اهوائي و
گریختم بسوی تو پناه برنده از بسیاری هواهای نفس خود و
علقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح
در آویختم بکنارهای ریسمان تو دوستی خود را
در گذر

اللهم فما كان اجرمته من زللي و
خداوندا از آنچه بود که بجا آوردم اورا از لغزشهای خود
خطائي واقلني اللهم من صرعة ردائي
وخطاهای خود و درگذر خداوندا از افتادن در هلاکت خود
فانك سيدي ومولاي ومعتمدي و
پس بدرستیکه تو آقای منی و بزرگ منی و تکیه گاه منی و
رجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي
امید منی و نهایت آرزوی منی در بازگشت من و در آرامگاه من
الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك من
خدایا چگونه منع کنی بیچاره را که پناه آورد بسوی تو از
الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا
گناهان گریزنده یا چگونه نومید کنی راه یابنده را
قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا
که قصد کرد بسوی آستانه تو شتابنده یا چگونه منع کنی تشنه را
ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك
که وارد شود بسوی حوض تو آب آشامنده حاشا و حال آنکه حوضهای تو
مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح
پر است در اوقات تنگی خشکسالها و در رحمت تو گشوده است

للطلب

للطلب والوغول وانت غاية المسؤول ونهاية
از برای طلب بار و در آمدن و تو نهایت سؤالها و نهایت
المأمول الهي هذه ازمة نفسي قد عقلتها
آرزوها خدایا این است نفس من تحقیق بستم اورا
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها
بریسمان اراده تو و این است بارهای گناهان من کردم دفع
برحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها
برحمت تو و این است خواهشهای گمراه کننده واگذاشتم
الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي
بسوی آستانه مهربانی تو پس بگردان خداوندا صباح مرا
هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة
این را فرود آینده بر من بروشنی هدایت و سلامت
في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد
در دین و دنیا و شام مرا سپری از مکر
العدى ووقاية من مرديات الهوى انك
دشمنان و نگهداری از مهلکات هوای نفس بدرستیکه تو
قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء و
توانایی بر آنچه خواهی میدهی پادشاهی را بهرکه خواهی

کردم اورا

اورا



تنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء و
تذل من تشاء بيدك الخير انك على كل
شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار
في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج
الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك
جل ثناؤك من ذا يعرف قدرتك فلا يخافك
ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت
بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك



الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق و
انهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا
واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا
وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا
من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا و
لا علاجا يا من توحد بالعز والبقاء و
قهر عباده بالموت والفناء صل على محمد
وآله الاتقياء واستمع ندائي واستجب
دعائي وحقق بفضلك املي ورجائي يا



خير من دعى لكشف الضر والمأمول

بهتر کسیکه خوانده شود از برای برطرف کردن هر بلا و آرزو

لكل عسر ويسر لك انزلت حاجتي فلا

از برای هر دشواری و آسانی بتو فرود آوردم حاجت خود را پس

تردني من سني مواهبك خائبا يا كريم يا

باز مگردان مرا از بزرگ بخششهای خود نومید ای بزرگوار ای

كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين

بزرگوار ای بزرگوار برحمت خود ای رحیم‌ترین رحم کنندگان

وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

و رحمت فرستد خدا بر آقای ما محمد و آل او که پاکانند

پس سجده رو الهي قلبي محجوب ونفسي معيوب

وعقلي مغلوب وهوائي غالب وطاعتي

قليل ومعصيتي كثير ولساني مقر بالذنوب

ومعترف بالعيوب فما حيلتي يا علام الغيوب

یا ستار



يا ستار العيوب يا غفار الذنوب اغفر لي

ذنوبي كلها يا غفار واستر علي يا ستار

بمحمد وآله الاطهار برحمتك يا ارحم الراحمين

تعقیب نماز يا من اظهر الجميل و ظهر اینست

ای کسیکه ظاهر گردانید نیکو را

ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم

و پوشید زشت را ای کسیکه نگیرد بسبب معصیت و نگا

يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز

درد پرده را ای بزرگ بخشش ای نیکو گذر

يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل

ای گشاینده دستها برحمت ای صاحب هر

حاجة يا واسع المغفرة يا مفرج كل كربة

حاجت ای واسع مغفرت ای فرج دهنده از هر اندوه

يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم

ای ای گرامی در گذشتن ای بزرگ

الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ

نعمت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از مستحق بودن آن ای پروردگار

يَا سَيِّدَاهُ يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ أَسْئَلُكَ بِكَ

ای سید ای نهایت آرزو سؤال میکنم ترا بحق ذات

وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

و بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ

و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر

بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی

وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ

و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن

بْنِ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيَةِ

پسر علی و قایم مهدی ائمه هدایت کننده

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بر ایشان باد سلام اینکه رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَ أَسْئَلُكَ يَا اللهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي

و سؤال میکنم ترا ای خدا اینکه زشت نکنی اندام مرا

بالنار



بِالنَّارِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بسبب آتش و اینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

تعقیب نماز عصر اینست

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ

طلب آمرزش میکنم از خدا اینکه نیست خدا

إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ

مگر او که همیشه زنده بخود بر پا صاحب بزرگی و گرامی داشتن و

أَسْئَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ

سؤال میکنم او را اینکه قبول کند توبه مرا بنده خوار

خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ

فروتنی کننده فقیر سخت محتاج محتاج بسیار محتاج

مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ لَا

زینهار خواهنده که مالک نیست از برای خود نفعی و نه ضرری و نه

مَوْتاً وَ لَا حَيَوةً وَ لَا نُشُوراً

تعقیب نماز مغرب اینست

نه مردن را و نه زندگی را و نه برانگیخته شدن را

اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ

وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ

وَالغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ وَمِنْ

كُلِّ بَلِيَّةٍ وَالفَوْزَ بِالجَنَّةِ وَالرِّضْوانَ

فِي دارِ السَّلامِ وَجِوارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

عَلَيْهِمُ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ

تعقیب نماز عشا این است اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خداوندا بحق محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تُؤْمِنّا

محمد رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ایمن مگردان ما را

مَكْرَكَ وَلا تُنْسِنا ذِكْرَكَ وَلا تَكْشِفْ عَنّا

از مکر خود و فراموش گردان ما را از یاد خود و در مدار از ما

سِتْرَكَ وَلا تَحْرِمْنا فَضْلَكَ وَلا تُحِلَّ عَلَيْنا

پرده خود را و محروم گردان ما را از فضل خود و فرود میاور بر ما

غضبك

غَضَبَكَ وَلا تُباعِدْنا مِنْ جِوارِكَ وَلا تَنْقُصْنا

غضب خود را و دور مگردان ما را از همسایگی خود و کم مکن ما را

مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تَنْزِعْ مِنّا بَرَكاتِكَ وَلا تَمْنَعْنا

از رحمت خود و وا مگیر از ما برکتهای خود را و منع مکن از ما

عافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنا ما اَعْطَيْتَنا وَزِدْنا

عافیت خود را و باصلاح آور از برای ما آنچه عطا کرده ما را و زیاده کن ما را

مِنْ فَضْلِكَ المُبارَكِ الطَّيِّبِ الحَسَنِ الجَمِيلِ

از فضل خود که بارکت و خوش و نیکو و خوب است

وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلا تُؤْيِسْنا مِنْ

و تغییر مده آنچه را که با ماست از نعمت خود و نومید مگردان ما را از

رَوْحِكَ وَلا تُهِنّا بَعْدَ كَرامَتِكَ وَلا تُضِلَّنا

رحمت خود و خوار مگردان ما را بعد از کرامت خود و گمراه مگردان ما را

بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی

اِنَّكَ اَنْتَ الوَهّابُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنا سالِمَةً

بدرستی که توئی بسیار بخشنده خداوندا گردان دلهای ما را سلامت

وَاَرْواحَنا طَيِّبَةً وَاَزْواجَنا مُطَهَّرَةً وَاَلْسِنَتَنا

و ارواح ما را خوش و ازواج ما را پاکیزه و زبانهای ما را



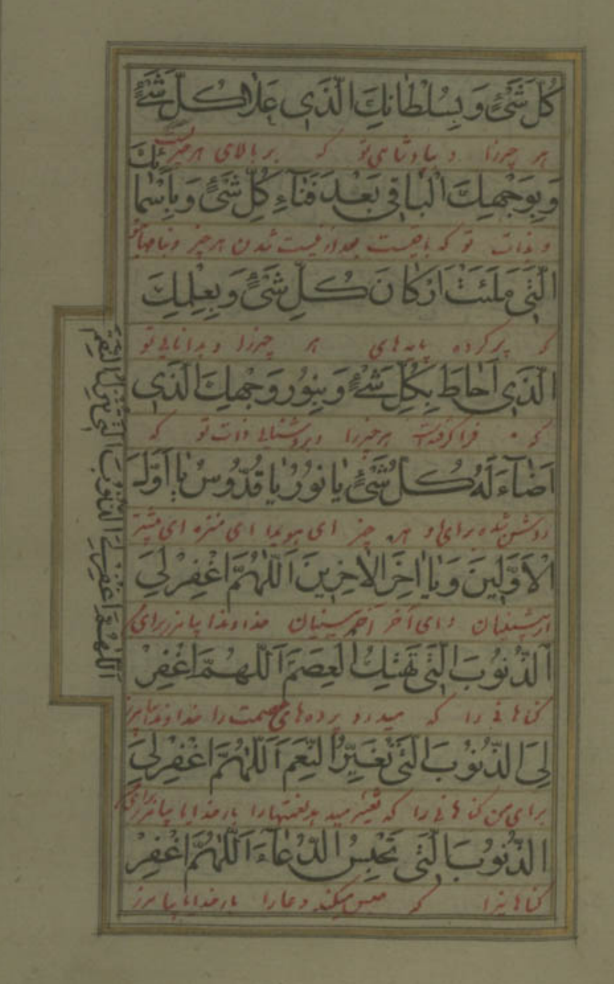
صادقة وايماناً دائماً ويقيناً صادقاً و
تجارتنا لا تبور وآتنا في الدنيا حسنة وقنا
برحمتك عذاب النار

دعاي خضر مشهور بكميل ابن

بسم الله الرحمن الرحيم

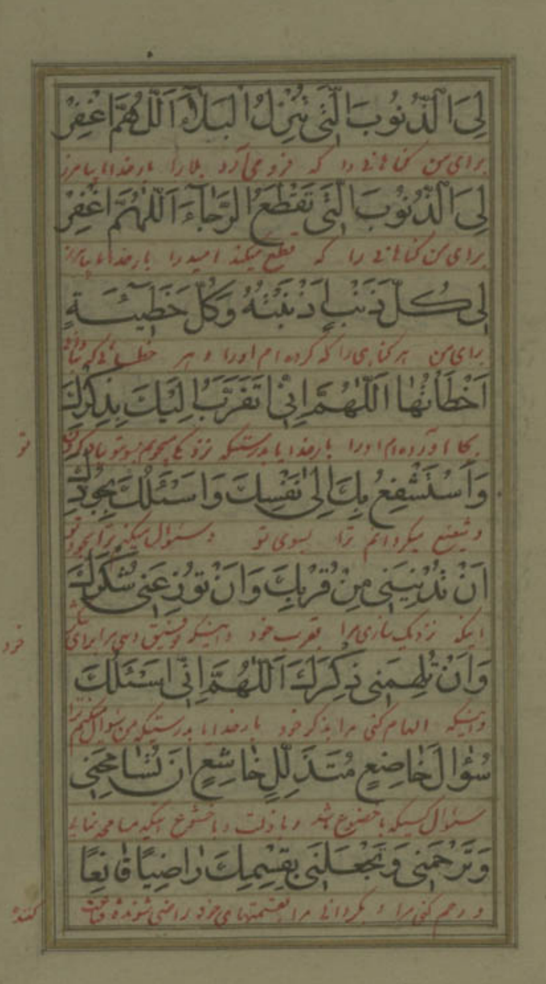
اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت
كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء
وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء
وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك
التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت

كل



كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء
وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وباسمائك
التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك
الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي
اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول
الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر
لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي
الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر

اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم



لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر
لي الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم اغفر
لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة
اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك
واستشفع بك الى نفسك واسئلك بجودك
ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك
وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسئلك
سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني
وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا



وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك
سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك
عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك
رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك
وخفي مكرك وظهر امرك وغلب
قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار
من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا
ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح
بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك

وبجهلك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي و

وبجهل تو مشغولم ظلم کردم نفس خود را وبسیار جرأت کردم بنادانی خود

سكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي

واعتماد کردم بسوی پیوسته یاد کردن تو از من و نعمت که بخشش

اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من

بار خدایا ای آقای من چه بسیار از قبایح که پوشانیدی او را و چه بسیار از

فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته

عارضه‌ها از بلاها که زایل کردی او را وبسیار از لغزشها که نگاه داشتی

وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء

وبسیار از دردها که دفع کردی او را وبسیار از ثنای

جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم

نیکو که نبودم سزاوار او پهن کردی او را خداوندا بزرگست

بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي

بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا ساخت مرا

اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني

کردارهای من و عاجز کردست مرا غلهای من و منع کرده مرا

عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا

از نفع خود دوری آرزوهای من و فریب داد مرا دنیا

بغرورها

بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي

بفریب خود و نفس من بجنایت خود و دیر کردن من ای آقای من

فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي

پس سؤال میکنم ترا بعزت تو اینکه مانع نشود از تو دعای مرا

سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت

بدی عمل من و کردارهای من و رسوا مساز مرا به نهانی آنچه مطلع شدی

عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على

بر آن از اسرار من و تعجیل مکن مرا بپاداش بر

ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي

آنچه بعمل آورده‌ام او را در خلوتهای خود از بدی کردارهای من و بدیهای من

ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي

و دوام بودن تقصیر من و نادانی من و بسیاری شهوتهای من

وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في

و غفلت من و باش بار خدایا بعزت خود مرا در

الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الامور

احوالها بهمه حالات مهربان بر من و در همه امرها

عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله

عطوفت ورزنده خدایا پروردگارا کیست برای من غیر از تو که سؤال

آقای من

کنم اناد

كشف ضري والنظر في أمري إلهي ومولاي
برداشتن بدی حال مرا و نظر کردن در امر من بارخدایا و آقای من
أجريت علي حكماً اتبعت فيه هوى
جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش
نفسي ولم أحترس فيه من تزيين عدوي
نفس خود را و نگهداری کردم در آن حکم از زینت دادن دشمن خود
فغرني بما أهوى وأسعده على ذلك القضاء
پس فریب داد مرا بآنچه یاری کرد و مساعدت کرد بر آن امر قضا
فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض
پس درگذشتم بآنچه جاری شد بر من از این قضا بعضی
حدودك وخالفت بعض أوامرك فلك
از حدهای ترا و مخالفت کردم پاره امرهای ترا پس مر ترا
الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما
ستایش بر من از همه این و نیست حجتی مرا در آنچه
جرى علي فيه قضاؤك وألزمني حكمك
جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم گردانید حکم تو
وبلاؤك وقد أتيتك يا إلهي بعد تقصيري
و امتحان تو و بتحقیق آمدم ترا ای خدای من بعد از تقصیر من

واسرافی

وإسرافي على نفسي معتذراً نادماً منكسراً
و اسراف من بر نفس خود عذر جوینده پشیمان شونده شکسته گردنده
مستقيلاً مستغفراً منيباً مقراً مذعناً
طلب عفو کننده طلب آمرزش نماینده توبه کننده اقرار نماینده قبول کننده
معترفاً لا أجد مفراً مما كان مني ولا
اعتراف کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه
مفزعاً أتوجه إليه في أمري غير قبولك
پناهی که رو کنم بسوی او در امر خود غیر از قبول کردن تو
عذري وإدخالك إياي في سعة من رحمتك
عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود
اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري
خداوندا پس قبول کن عذر مرا و ببخشا سختی بدحالی مرا
وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم
و وا کن مرا از سختی بند من ای پروردگار من رحم کن
ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي
سستی بدن مرا و تنگی پوست مرا و باریکی استخوان مرا
يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي و
ای کسیکه ابتدا کرد آفریدن مرا و یاد مرا و تربیت مرا و

بِرّی وَتَغذِیَتی هَبنی لِابتِداءِ کَرَمِکَ وَ

و نیکوئی مرا و غذا دادن مرا بخش مرا بابتدا کردن کرم خود و

سالِفِ بِرِّکَ بی یا اِلهی وَسَیِّدی وَرَبّی

و پیشی گرفتن نیکی تو مرا ای خدای من و آقای من و پروردگار من

اَتُراکَ مُعَذِّبی بِنارِکَ بَعدَ تَوحیدِکَ وَ

آیا می بینی بر خود که عذاب کنی مرا بآتش جهنم خود بعد از یگانه شناختن تو

بَعدَ مَا انطَوی عَلَیهِ قَلبی مِن مَعرِفَتِکَ

و بعد آنچه پیچیده شده براو دل من از شناختن تو

وَلَهِجَ بِهِ لِسانی مِن ذِکرِکَ وَاعتَقَدَهُ ضَمیری

و گویا شده باو زبان من از یاد تو و محکم کرده او را دل من

مِن حُبِّکَ وَبَعدَ صِدقِ اعتِرافی وَدُعائی

از دوستی تو و بعد از راستی اعتراف من و دعای من

خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ هَیهاتَ اَنتَ اَکرَمُ مِن

پست شونده برای پروردگاری تو دور است تو کریمتری از

اَن تُضَیِّعَ مَن رَبَّیتَهُ اَو تُبعِدَ مَن اَدنَیتَهُ

آنکه ضایع سازی کسی را که تربیت کنی او را یا دور سازی کسی را که نزدیک کنی او را

اَو تُشَرِّدَ مَن آوَیتَهُ اَو تُسَلِّمَ اِلَی البَلاءِ مَن

یا منع کنی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را

کفیته

کَفَیتَهُ وَرَحِمتَهُ وَلَیتَ شِعری یا سَیِّدی

کفایت کرده او را و رحم کنی او را و کاش میدانستم ای آقای من

وَاِلهی وَمَولایَ اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلی وُجُوهٍ

و خدای من و صاحب اختیار من آیا مسلط سازی آتش را بر روهائی که

خَرَّت لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً وَعَلی اَلسُنٍ

گردیده برای بزرگی تو سجده کننده و بر زبانهائی که

نَطَقَت بِتَوحیدِکَ صادِقَةً وَبِشُکرِکَ

گویا شده به یگانگی تو راست گوینده و بشکر گذاری تو

مادِحَةً وَعَلی قُلُوبٍ اعتَرَفَت بِاِلهِیَّتِکَ

مدح گوینده و بر دلهائیکه اعتراف کرده بخدائی تو

مُحَقِّقَةً وَعَلی ضَمائِرَ حَوَت مِنَ العِلمِ بِکَ

از روی یقین و بر خاطرهائیکه احاطه کرده از دانائی تو

حَتّی صارَت خاشِعَةً وَعَلی جَوارِحَ سَعَت

تا اینکه گردیده با خشوع و بر اعضائیکه سعی کرده

اِلی اَوطانِ تَعَبُّدِکَ طائِعَةً وَاَشارَت

بسوی محلهای عبادت بطوع و رغبت و اشاره کرده

بِاستِغفارِکَ مُذعِنَةً ما هکَذَا الظَّنُّ بِکَ

بطلب آمرزش تو از روی اذعان نیست این گمان بتو

وَلا اُخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يا كَريمُ يا رَبِّ وَ

و چنین خبر نداده اند ما را بفضل تو از تو ای بزرگوار ای پروردگار

اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي عَنْ قَليلٍ مِنْ بَلاۤءِ الدُّنْيا

و حال اینکه تو میدانی ناتوانی مرا از کمی از بلاء دنیا

وَعُقُوباتِها وَما يَجْري فيها مِنَ الْمَكارِهِ

و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن از بدیها

عَلى اَهْلِها عَلى اَنَّ ذلِكَ بَلاۤءٌ وَمَكْرُوهٌ

بر اهل آن برینکه این بلائیست و ناخوشی

قَليلٌ مَكْثُهُ يَسيرٌ بَقاۤؤُهُ قَصيرٌ مُدَّتُهُ

که کم است کمث آن بسیار است بقای آن کوتاه است مدت آن

فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلاۤءِ الْاخِرَةِ وَجَليلِ وُقُوعِ

پس چگونه است آوردن من از بلای آنجهان و بزرگی وقوع شدن

الْمَكارِهِ فيها وَهُوَ بَلاۤءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ

بدیها در آن و حال آنکه او بلائیست بطول می انجامد مدت او و دوام

مَقامُهُ وَلا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لا يَكُونُ

مقام او و سبک نمیشود از اهلش زیرا که نیست آن

اِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ وَ

مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و سخط تو و

هذا

هذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمواتُ وَالْاَرْضُ يا

این امر است که نمیتوانند مقاومت نمایند مر او را آسمانها و زمین ای

سَيِّدي فَكَيْفَ بي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ

آقای من پس چگونه باشم من بنده توام که ناتوانم

الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ يا

ذلیل بیمقدار مسکین کننده بیچیز و شکسته ای

اِلهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ لِاَيِّ

خدای من و پروردگار من و آقای من و صاحب اختیار من برای

الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْكي

کدام یک از امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک ناله کنم و گریه

لِاَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلاۤءِ

برای درد عذاب و شدت او یا برای درازی بلا

وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَني فِي الْعُقُوباتِ مَعَ

و مدت او پس اگر گردانی مرا در عقوبتها با

اَعْداۤئِكَ وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَهْلِ بَلاۤئِكَ

دشمنان خود و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود

وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ اَحِبّاۤئِكَ وَاَوْلِياۤئِكَ

و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي

پس ببخش مرا ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و

صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك

صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر فراق تو

وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر

و گرفتم من که صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم

عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في

از محرومی از نظر کردن بسوی کرامت تو یا چگونه ساکن شوم در

النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي

آتش و حال آنکه امید من بخشش تو است پس بعزت خود ای آقای من

ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا

و صاحب اختیار من سوگند یاد میکنم براستی اگر واگذاری مرا گویا

لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الآملين

هر آینه ناله برکشم بسوی تو میان اهل آن ناله آرزومندان

ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين و

و هر آینه خروش برکشم بسوی تو خروش استغاثه کنندگان و

لابكين عليك بكاء الفاقدين و

هر آینه گریه کنم بر تو گریه آنانکه دوست گم کرده‌اند و

لانادينك

لانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية

هر آینه ندا کنم ترا که کجایی تو ای دوست مؤمنین ای نهایت

آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا

آرزوهای عارفان ای فریادرس فریاد کنندگان ای

حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين

دوست دلهای راست گویان و ای خداوند عالمیان

افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع

آیا پس گمان میبری تو منزهی تو ای خدا و بحمد تو مشغولم که بشنوی

فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته

در جهنم صدای بنده مسلمانی که در زندان شد بمخالفت کردن

وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين

و چشیده شد مزه عذاب را بسبب نافرمانی خود و حبس شد

اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك

طبقهای جهنم بسبب جرم خود و خیانت و حال آنکه او خروش میکند

ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان

خروش آرزومند رحمت تو و ندا میکند ترا بزبان

اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك

اهل یگانه پرستان و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری

او

میان

بسوی تو

يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو

ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب در حالیکه او

يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك

امید دارد آنچه را که گذشته از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو

ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك و

آیا چگونه بسوزاند او را آتش و او امید داشته باشد فضل ترا و

رحمتك ام كيف يحرقه لهبها وانت تسمع

رحمت ترا آیا چگونه بسوزاند او را زبانه آتش و حال آنکه تو میشنوی

صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل

صدای او را و می‌بینی جای او را یا چگونه مشتمل شود

عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف

بر او زبانه آتش و تو دانسته باشی ناتوانی او را یا چگونه

يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام

مضطرب باشد میانه طبقات جهنم و حال آنکه تو دانا باشی براستی او را

كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه

یا چگونه زجر کند او را زبانه آتش و حال آنکه او ندا کند ترا ای پروردگار

ام كيف تنزله فيها وهو يرجو فضلك في

یا چگونه نازل سازی او را در آتش و حال آنکه او امید دارد بفضل ترا در

عتقه



عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما

آزاد ساختن گردن او را از آتش پس ترک کنی او را در آن دور است

ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك

این گمان بتو و نه شناخته شده از فضل تو

ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك

و نه شبیه است بآنچه معامله کنی تو بآن به یگانه پرستان از نیکی تو

واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت

و احسان تو پس بیقین قطع دارم اگر نه آن بود که حکم کردی

به من تعذيب جاحديك وقضيت به من

بآن از عذاب کردن منکران خود و حکم کرده بآن از

اخلاد معانديك لجعلت النار كلها

مخلد بودن دشمنان خود هر آینه قرار میدادی آتش را تمام آن را

بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا

سرد و سلامت و نه بود مر کسی را در آن جایگاه

ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت

و نه محل اقامت لیکن تو که منزه است نامهای تو قسم یاد کردی

ان تملأها من الكافرين من الجنة والناس

که پر سازی جهنم را از کافران از جنی و آدمیان

أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت

همگی و اینکه مخلد سازی در آتش دشمنان را و تو که

جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالإنعام

بزرگست ثنای تو فرموده ابتدا کننده ام و تطول نموده ام بخشش نعمت دادن

متكرما أفمن كان مؤمنا كمن كان

کرم کننده بازگشته آیا کسیکه بود مؤمن مانند کسیکه بوده

فاسقا لا يستوون إلهي وسيدي فأسألك

فاسق مساوی نیستند خداوندا و آقای من پس سؤال میکنم ترا

بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي

بحق قدرت خود که تقدیر کرده در آن و بحق حکم تو که

حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها

حتم کرده آنرا و حکم آنرا کرده و غالب شده بر آن کسیکه جاری کردی

أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه

اینکه ببخشی برای من در این شب و در این

الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب

ساعت هر جرمیکه کرده ام اورا و هر گناهی را

أذنبته وكل قبيح أسررته وكل جهل عملته

که کرده ام اورا و هر قبیحی که پنهان کردم اورا و هر نادانی که عمل کرده ام اورا

كتمته

كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل

پنهان کرده ام آنرا یا آشکارا کرده ام در خفیه کرده ام یا ظاهر کرده ام اورا و هر

سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين

بدی که امر کرده ثبت کردن آن بزرگواران نویسندگان را

الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

که موکل کرده ایشانرا نگهداشتن آنچه باشد از من و قرار دادم ایشانرا

شهودا علي مع جوارحي وكنت أنت الرقيب

گواهان بر من با اعضای من و بودی تو مطلع

علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم

بر من از غیر ایشان و گواه بر آنچه پنهان است از ایشان

وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته وأن

و برحمت خود پنهان کرده آنرا و بفضل خود پوشیده آنرا و اینکه

توفر حظي من كل خير تنزله أو إحسان

بسیار کنی نصیب مرا از هر خیری که نازل کنی اورا یا احسانی که

تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

تفضل کرده اورا یا خوبی که پهن کنی اورا یا روزی که گشاده گردانی اورا یا گناهی که

تغفره أو خطاء تستره يا رب يا رب يا رب

بیامرزی اورا یا خطائیکه بپوشی آنرا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي
ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من
يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي
ای کسیکه بدست اوست موی پیشانی من ای دانا بحال من و بیچارگی
يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب
ای مطلع احتیاج من و فقیری من ای پروردگار ای پروردگار
اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك
سؤال میکنم از تو بحق تو و بحق پاکی تو و بزرگی صفات تو
واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل و
و نامهای تو اینکه قرار دهی اوقات مرا در شب و
النهار بذكرك معمورة وبخدمتك
روز بیاد کردن خود آباد و بخدمت خود
موصولة واعمالي عندك مقبولة حتى
پیوند شده و عملهای من در نزد تو مقبول شده تا
تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا
باشد عملهای من و وردهای مرا همه وردی واحد
وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي
و حال من در خدمت تو پیوسته ای آقای من

من

بکن

يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي
ای کسیکه بر او دست اعتماد من ای کسیکه بسوی او شکایت کردم احوال
يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار قوت ده بر خدمت خود اعضای مرا
واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي
و سخت کن بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش برای من
الجد في خشيتك والدوام في الاتصال
سعی در ترس خود را و مداومت کردن در متصل بودن
بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين
بخدمت خود تا روان شوم بسوی تو در میدان پیشینیان
واسرع اليك في البادرين واشتاق الى
و شتاب روی بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق شوم بسوی
قربك في المشتاقين وادنو منك دنو
قرب تو در مشتاق دارندگان و نزدیک شوم ترا نزدیکی
المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع
مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحب یقینان و گرد آیم
في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني
در جوار تو با مؤمنان خداوندا و هرکه اراده کند

مرا

بِسُوءٍ فَارْدُدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي

بندی پس اراده اورا و هر که مکر کند مرا پس برگردان او را و

مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ

از نیکان بندگان خود در بهره نزد خود و نزدیکترشان

مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ

از منزلت از جانب تو و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو پس بدرستیکه

لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ

نمیرسد این مرتبه مگر بفضل تو و بخش مرا بجود خود

وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مهربانی کن بر من ببزرگواری خود و نگهدار مرا برحمت خود

وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهِجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ

و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود

مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقِلْنِي

بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود و درگذر

عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى

از لغزش من و بیامرز مرا گناهان مرا پس بدرستیکه تو حکم کرده بر

عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَ

بندگان خود را به بندگی خود و امر کرده ایشانرا بدعا کردن و

ضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ

ضامن شده برای ایشان اجابت را پس بسوی تو ای پروردگار نصب کرده ام

وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ

روی خود را و بسوی تو ای پروردگار کشیده ام دست خود را پس بعزت

اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ

مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان مرا بآرزوی من و قطع مکن

مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ

از فضل خود امید مرا و کفایت کن مرا از شر جن و

الْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ

و انس از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز برای

لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ

کسیکه مالک نیست مگر دعا را پس بدرستیکه تو کننده ای هر چه میخواهی

يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ

ای کسیکه اسم اوست دوا و یاد اوست شفا و فرمانبرداری

غِنًى ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ

بی نیازی رحم کن کسیرا که سرمایه او امید واریست و حربه اش

الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ

گریه است ای صاحب نعمت ای دفع کننده بلاها

يا نورَ المستوحشين في الظُّلَم يا عالماً لا

ای روشنایی وحشت زدگان در تاریکیها ای داناییکه

يُعلَّم صلِّ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وافعل بي ما

نیاموخته رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن برای من آنچه

انت اهلُه وصلّى اللهُ على رسوله والائمّة

تو سزاوار آنی و درود خدا بر رسول او و پیشوایان

الميامين من آله وسلّم تسليماً كثيراً

صاحب میمنت از آل او و سلام فرست سلام فراوان

دعای علوی مصری از موسی بن جعفر علیه السلام

بسم الله الرّحمن الرّحيم

بنام خدای بسیار بخشنده مهربان

شَهِدَ اللهُ انّه لا اله الّا هو والملائكة

گواهی داد خدا بر یگانگی خدا که او و فرشتگان

واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الّا هو العزيز

و صاحبان دانش ایستاده اند براستی که نیست خدایی مگر او که غالب

الحكيم انّ الدّين عند الله الاسلام و

استوار در ستکار دین در نزد خدا مسلمانیست و

الستاده اند

انا العبدُ الضّعيفُ المذنبُ العاصي الحقيرُ

و منم بنده ناتوان گنه کار معصیت کار کوچک

المحتاجُ الفقيرُ اشهد لمُنعمي وخالقي و

و محتاج و بیمقدار گواهی میدهم برای نعمت دهنده و آفریننده و

رازقي ومكرمي كما شهد لذاته وشهد

روزی دهنده و گرامی دارنده خود چنانکه گواهی داده برای ذات خود

له الملائكة واولوا العلم من عباده بانّه

برای ذات او ملائکه و صاحبان دانش از بندگانش بآنکه

لا اله الّا هو ذو النِّعم والاحسان والكرم

نیست خدایی مگر او که صاحب نعمتهاست و نیکویی و جوانمردی

والامتنان قادرٌ ازليٌّ عالمٌ ابديٌّ حيٌّ احديٌّ

و امتنان است و توانا است و همیشه و عالم و دانا همیشه زنده یکتا

موجودٌ سرمديٌّ سميعٌ بصيرٌ مريدٌ كارهٌ

موجود است اول و آخر و شنوا است و بینا است اینده و ناخواهنده

مدركٌ صمديٌّ يستحقّ هذه الصّفات و

و دریابنده است بی نیاز است سزاوار این صفات است و

هو على ما هو عليه في عزّ صفاته كان قويّاً

او هست بر آنچه او است در ارجمند بودن صفات او توانا

و گواهی داد بر

بسیار توانا

قبل وجود القدرة والقوة وكان عليما

پیش از وجود توانایی و قوت و میباشد دانا

قبل ایجاد العلم والعلة لم یزل سلطانا

پیش از ایجاد دانش و سبب همیشه بوده است پادشاه

اذ لا مملكة ولا مال ولم یزل سبحانا

زمانی که نبوده مملکتی و نه پادشاهی و نه مال و همیشه بوده است پاک

على جمیع الاحوال وجوده قبل القبل فی ازل

در همه احوال و هستی او پیش از پیش است در ازل

الآزال وبقاؤه بعد البعد من غیر انتقال

ازلیان و بودن او بعد از بعد است بدون انتقال

ولا زوال غنی فی الاول والآخر مستغن

و نه برطرف شدنی بی‌نیاز است در اول و آخر و بی‌نیاز است

فی الباطن والظاهر لا جور فی قضیته ولا

در پنهان و آشکار نیست ستمی در حکم او و نیست

میل فی مشیته ولا ظلم فی تقدیره ولا

میلی در خواستن او و نیست ظلمی در اندازه او و نیست

مهرب من حكومته ولا ملجا من سطواته

پناهی از پادشاهی او و نیست پناهی از غضب او

ولا منجی

ولا منجی من نقماته سبقت رحمته غضبه

و نیست پناهی از قهرهای او پیشی گرفته رحمت او غضب او را

ولا یفوته احد اذا طلبه ازاح العلل فی

و گم نمیکند او را کسی هرگاه طلب کند او را کسی برداشته عذرها را در

التكلیف وسوى التوفیق بین الضعیف و

تکلیف و مساوی قرار داده کوشش را میانه ناتوان و

الشریف مكن اداء المامور وسهل

شریف و ممکن گردانیده ادای مأمور را و آسان گردانیده

سبیل اجتناب المحظور لم یكلف الطاعة

راه دوری کردن حرام را تکلیف نکرده بندگان را

الا دون الوسع والطاقة سبحانه ما ابین

مگر دون وسعت و طاقت پاک است ذات او چه چیز

كرمه واعلى شانه سبحانه ما اجل

کرم او را و بلند کرده است مرتبه او را منزه است او چه چیز

نیله واعظم احسانه بعث الانبیاء لیبین

رسیدن او را و بزرگ کرده احسان او را برانگیخته پیغمبران را که ظاهر

عدله ونصب الاوصیاء لیظهر فضله و

عدل او را و نصب کرده اوصیا را تا ظاهر گردانند فضل او را

ظاهر کرد

بیان ظاهر کند

طوله وجعلنا من امة سيد الانبياء و

وبخشش او را وقرار داد ما را از امة سيد وبزرگ انبيا و

خير الاولياء وافضل الاصفياء واعلى

وبهتر اوليا وفاضلتر برگزيدگان وبلندترين

الازكياء محمد صلى الله عليه واله و

ازكيا محمد درود خدا بر او وآل او و

سلم امنا به وبما دعانا اليه وبالقرآن

سلامتي بر او باد ايمان آورديم باو وبانچه خواند ما را بسوي او وبقرآن

العظيم الذي انزله عليه وبوصيه الذي

بزرگ مرتبه كه فرستاده بر او وبوصي او كه

نصبه يوم الغدير واشار بقوله هذا

نصب كرد او را روز غدير خم واشاره كرد بقولش كه اين

علي لبيه واشهد ان الائمة الابرار و

علي است بسوي او وگواهي ميدهم در اينكه امامان نيك و

الخلفاء الاخيار بعد الرسول المختار

خلفاي برگزيده بعد از رسول برگزيده

علي قامع الكفار ومن بعده سيد

علي است كه دفع كننده كفار است واز بعد او آقاي

اولاده الحسن بن علي ثم اخوه السبط

اولاد او حسن پسر علي پس برادر او سبط

التابع لمرضات الله الحسين ثم العابد علي

متابعت كننده خوشنودي خدا حسين پس عابدين علي

ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم

پس باقر محمد پس صادق جعفر پس كاظم

موسى ثم الرضا علي ثم التقي محمد ثم

موسى پس رضا علي پس تقي محمد پس

النقي علي ثم الزكي العسكري الحسن

نقي علي پس زكي عسكري حسن

ثم الخلف الحجة القائم المنتظر المرجى الذي

پس جانشين حجة قائم انتظار برده شده اميد داشته شده كه

ببقائه بقيت الدنيا وبيمنه رزق الورى

بسبب بقاي او باقيست دنيا وبيمن او روزي داده ميشوند خلايق

وبوجوده ثبتت الارض والسماء وبه يملأ

وبسبب وجود او ثابت است زمين وآسمان وبوجود او پر كند

الله الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت

خدا زمين را از راستي وعدالت بعد از آنكه پر شده است

ظُلْماً وَجَوْراً وَاَشْهَدُ اَنَّ اَقْوالَهُمْ حُجَّةٌ وَ

از ظلم و جور و گواهی میدهم بدرستیکه گفتهای ایشان حجت است و

امْتِثالَهُمْ فَريضَةٌ وَطاعَتَهُمْ مَفْرُوضَةٌ وَ

فرمانبرداری ایشان واجبست و طاعت ایشان لازم است و

مَوَدَّتَهُمْ لازِمَةٌ مَقْضِيَّةٌ وَالاِقْتِداءَ بِهِمْ

محبت ایشان از لوازم حکمیه است و اقتدا کردن بایشان

مُنْجِيَةٌ وَمُخالَفَتَهُمْ مُرْدِيَةٌ وَهُمْ ساداتُ

باعث نجات است و نافرمانی ایشان مردود است ایشانند بزرگان

اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعينَ وَشُفَعاءُ يَوْمِ الدّينِ

اهل بهشت همگی ایشان و شفیعان روز قیامت اند

وَاَئِمَّةُ اَهْلِ الاَرْضِ عَلَى الْيَقينِ وَاَفْضَلُ

و امامان اهل زمین اند از روی یقین و فاضلترین

الاَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْمَوْتَ

اوصیا اند از راه خشنودی و گواهی میدهم بدرستیکه مرگ

حَقٌّ وَسُؤالَ مُنْكَرٍ وَنَكيرٍ فِى الْقَبْرِ حَقٌّ

راست است و سؤال کردن منکر و نکیر در قبر راست است

وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّراطَ حَقٌّ

و بعث حق است و نشور حق است و صراط راست است

والميزان



وَالْميزانَ حَقٌّ وَالْحِسابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَ

و میزان راست است و حساب حق است و بهشت حق است و

النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فيها

آتش جهنم حق است و بدرستیکه قیامت می آمدنیست بیشک در او

وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ اَللّٰهُمَّ فَضْلُكَ

و بدرستیکه خدا برمی انگیزاند کسانیرا که در قبرهااند خداوندا فضل تو

رَجآئى وَكَرَمُكَ وَرَحْمَتُكَ اَمَلى لا عَمَلَ لى

امید من است و کرم تو و رحمت تو آرزوی منست نه عملی که مرا

اَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ وَلا طاعَةَ لى اَسْتَوْجِبُ

که سزاوار شوم باو بهشت را و نیست طاعتی از برای من که سزاوار

بِهَا الرِّضْوانَ اِلّا اَنّى اعْتَقَدْتُ تَوْحيدَكَ

باو خشنودی را مگر آنکه من اعتقاد دارم وحدانیت ترا

وَعَدْلَكَ وَارْتَجَيْتُ اِحْسانَكَ وَفَضْلَكَ

و عدالت ترا و امیدوارم احسان ترا و فضل ترا

وَتَشَفَّعْتُ اِلَيْكَ بِالنَّبِىِّ وَآلِهِ صَلَّى اللهُ

و چنگ زده ام بسوی شفاعت تو به پیغمبر و آل او رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَوْصِيائِهِ مِنْ اَحِبَّتِكَ وَاَنْتَ

بر او و آل او و جانشینان او از دوستان تو و تو

اَکْرَمُ الْاَکْرَمِینَ وَاَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی

کریمترین کرم کنندگان و رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت

اللّٰهُ عَلٰی نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ الطَّیِّبِینَ

خدا بر پیغمبر ما محمد و آل او همگی که پاکیزگانند

الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا کَثِیرًا کَثِیرًا اَللّٰهُمَّ

پاکانند و رحمت ذات رحمت بسیار بسیار خداوندا

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اِنِّی اَوْدَعْتُکَ یَقِینِی هٰذَا

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بدرستیکه امانت دادم بتو یقین خود را

وَثَبَاتَ دِینِی وَاَنْتَ خَیْرُ مُسْتَوْدَعٍ وَقَدْ

و ثابت بودن دینم را و تو بهترین امانت نگهدارندگانی و بتحقیق

اَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ وَرَدِّهَا فَرُدَّهُ عَلَیَّ

امر کرده ما را بنگهداشتن امانتها و رد کردن آن پس رد کن او را

وَقْتَ حُضُورِ مَوْتِی وَعِنْدَ مَسْاَلَةِ مُنْکَرٍ

وقت حاضر شدن مرگ من و نزد سؤال کردن منکر و

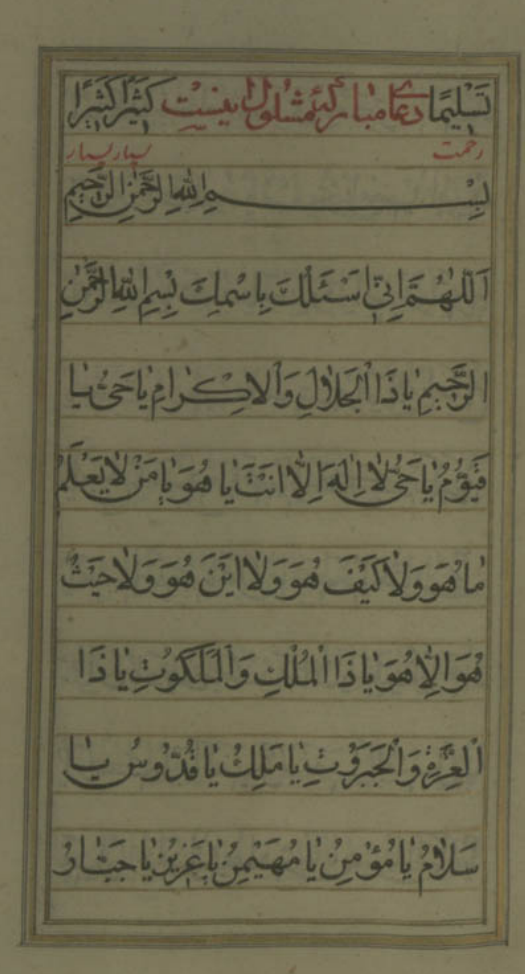
وَنَکِیرٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ

نکیر برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت کند خدا

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ

بر محمد و آل او که پاکانند و پاکیزگانند و رحمت

تسلیما



تَسْلِیمًا کَثِیرًا کَثِیرًا دعاء مبارکه مشلول است

رحمت بسیار بسیار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِیمِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا حَیُّ یَا

قَیُّومُ یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ یَا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ

مَا هُوَ وَلَا کَیْفَ هُوَ وَلَا اَیْنَ هُوَ وَلَا حَیْثُ

هُوَ اِلَّا هُوَ یَا ذَا الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ یَا ذَا

الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ یَا مَلِکُ یَا قُدُّوسُ یَا

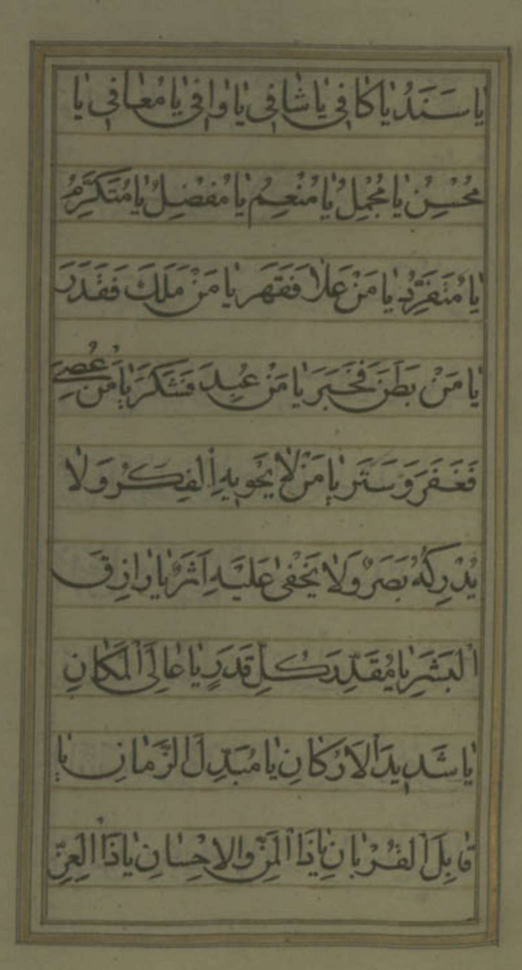
سَلَامُ یَا مُؤْمِنُ یَا مُهَیْمِنُ یَا عَزِیزُ یَا جَبَّارُ

يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا مفيد
يا مدبر يا شديد يا مبدئ يا معيد يا مبيد
يا ودود يا محمود يا معبود يا بعيد يا قريب
يا مجيب يا رقيب يا حسيب يا بديع يا رفيع
يا منيع يا سميع يا عليم يا حكيم يا كريم
يا حليم يا قديم يا علي يا عظيم يا حنان يا
منان يا ديان يا مستعان يا جليل يا جميل
يا وكيل يا كفيل يا مقيل يا منيل يا
نبيل يا دليل يا هادي يا بادي يا اول يا

اخر

اخر يا ظاهر يا باطن يا قائم يا دائم يا عالم يا
حاكم يا قاضي يا عادل يا فاصل يا واصل يا
طاهر يا مطهر يا قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر
يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد ولم يكن له صاحبة
ولا كان معه وزير ولا اتخذ معه مشير
ولا احتاج الى ظهير ولا كان معه من اله
لا اله الا انت فتعاليت عما يقول الظالمون
علوا كبيرا يا علي يا عالم يا شامخ يا باذخ

يا فتّاح يا نفّاح يا مرتاح يا مفرّج يا ناصر يا
منتصر يا مدرك يا مهلك يا منتقم يا باعث
يا وارث يا طالب يا غالب يا من لا يفوته
هارب يا توّاب يا أوّاب يا وهّاب يا مسبّب
الأسباب يا مفتّح الأبواب يا من حيث
ما دعي أجاب يا طهور يا شكور يا عفوّ يا
غفور يا نور النور يا مدبّر الأمور يا
لطيف يا خبير يا مجير يا منير يا بصير يا
ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا أبد يا صمد



يا سند يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا
محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا متكرّم
يا متفرّد يا من علا فقهر يا من ملك فقدر
يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي
فغفر وستر يا من لا يحويه الفكر ولا
يدركه بصر ولا يخفى عليه أثر يا رازق
البشر يا مقدّر كلّ قدر يا عالي المكان
يا شديد الأركان يا مبدّل الزمان يا
قابل القربان يا ذا المنّ والإحسان يا ذا العزّ

والسلطان يا رحمن يا رحيم يا من هو كل
يوم في شأن يا من لا يشغله شأن عن شأن
يا عظيم الشأن يا من هو بكل مكان
يا سامع الأصوات يا مجيب الدعوات يا
منجح الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل
البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات
يا كاشف الكربات يا ولي الحسنات يا رفيع
الدرجات يا مؤتي السؤلات يا محيي
الأموات يا جامع الشتات يا مطلع على

النيات

النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه
الأصوات يا من لا تضجره المسألات ولا تغشاه
الظلمات يا نور الأرض والسموات يا سابغ
النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع
الأمم يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا
ذا الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه قدم
يا أجود الأجودين يا أكرم الأكرمين يا
أسمع السامعين يا أبصر الناظرين يا جار
المستجيرين يا أمان الخائفين يا ظهر اللاجين

يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين يا غاية
الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس
كل وحيد يا ملجا كل طريد يا ماوى كل
شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ
الكبير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم
الكسير يا فاك كل اسير يا مغني البائس
الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له
التدبير والتقدير يا من العسير عليه
سهل يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا

من

من هو على كل شيء قدير يا من هو بكل
شيء خبير يا من هو بكل شيء بصير يا
مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث
الارواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده
كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق
كل فوت يا محيي كل نفس بعد الموت
يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي
يا مونسي في وحدتي يا وليي في نعمتي
يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني

الأقارب ويخذلني كل صاحب يا
عماد من لا عماد له يا سند من لا سند
له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز
له يا كهف من لا كهف له يا كنز من لا كنز
له يا ركن من لا ركن له يا غياث من
لا غياث له يا جار من لا جار له يا جاري
اللصيق يا ركني الوثيق يا الهي بالتحقيق
يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق
فكني من حلق المضيق واصرف عني كل

هم وغم وضيق واكفني شر ما لا اطيق
واعني على ما اطيق يا راد يوسف على يعقوب
يا كاشف ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا
رافع عيسى بن مريم ومنجيه من ايدي اليهود
يا مجيب نداء يونس في الظلمات يا مصطفى
موسى بالكلمات يا من غفر لآدم خطيئته
ورفع ادريس مكانا عليا برحمته يا من
نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا
الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من

قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والموتفكة
اهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم
على قوم شعيب يا من اتخذ ابرهيم خليلا
يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا
صلى الله عليه واله وعليهم اجمعين حبيبا
يا موتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان
ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر ذا
القرنين على الملوك الجبابرة يا من اعطى
الخضر الحيوة ورد ليوشع بن نون الشمس

بعد

بعد غروبها يا من ربط على قلب ام موسى
واحصن فرج مريم ابنت عمران يا من حصن
يحيى بن زكريا من الذنب وسكن
عن موسى الغضب يا من بشر زكريا بيحيى
يا من فدا اسمعيل من الذبح بذبح عظيم
يا من قبل قربان هابيل وجعل اللعنة
على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صلى
الله عليه واله صل على محمد وال محمد
وعلى جميع الانبياء والمرسلين وملئكتك

المقربين واهل طاعتك اجمعين واسئلك
بكل مسئلة سئلك بها احد ممن
رضيت عنه فحتمت له على الاجابة يا
الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا
رحيم يا رحيم يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام
يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال و
الاكرام به به به به به به به اسئلك بكل
اسم سميت به نفسك او انزلته في شيء
من كتبك او استاثرت به في علم الغيب

عندك

عندك وبمعاقد العز من عرشك وبمنتهى
الرحمة من كتابك وبما لو ان ما
في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من
بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله
ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك
الحسنى التي نعتها في كتابك فقلت ولله
الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني
استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي
فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان

فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون

وقلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم

لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب

جميعا انه هو الغفور الرحيم وانا اسئلك

يا الهي وادعوك يا رب وارجوك يا سيدي

واطمع في اجابتي يا مولاي كما وعدتني

وقد دعوتك كما امرتني فافعل بي ما انت

اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين و

صلى الله على محمد واله اجمعين ثم اسئل حاجتك بقضي

دعای بسم الله الرحمن الرحيم عشرات

بسم الله وبالله وسبحان الله والحمد لله ولا

اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا

قوة الا بالله العلي العظيم سبحان الله اناء

الليل واطراف النهار سبحان الله بالغدو

والاصال سبحان الله حين تمسون وحين

تصبحون وله الحمد في السموات والارض

وعشيا وحين تظهرون يخرج الحي من

الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض

بعد موتها وكذلك تخرجون سبحان

ربك رب العزة عما يصفون وسلام على

المرسلين والحمد لله رب العالمين ولا

حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم سبحان

الذي له العزة والكرم سبحان الذي لا

ينبغي التسبيح إلا له سبحان من أحصى

كل يوم علمه سبحان ذي الطول و

الفضل سبحان ذي المن والنعم سبحان

ذي القدرة والكرم سبحان ذي الملك

والملكوت سبحان ذي الكبرياء والعظمة

والجبروت سبحان الملك الحي الذي لا

يموت سبحان الملك الحي المهيمن القدوس

سبحان القائم الدائم سبحان الله الحي

القيوم سبحان ربي العظيم سبحان ربي

الأعلى سبحانه وتعالى سبوح قدوس

ربنا ورب الملائكة والروح سبحان

الدائم غير الغافل سبحان العالم بغير تعليم

سبحان خالق ما يرى وما لا يرى سبحان

الذی یدرک الابصار ولا تدرکه
الابصار وهو اللطیف الخبیر اللهم انی
اصبحت وامسیت منک فی نعمة وخیر
وبرکة وعافیة فصل علی محمد واله و
اتمم علی نعمتک وخیرک وبرکاتک و
عافیتک بنجاة من النار وارزقنی شکرک
وعافیتک وفضلک وکرامتک ابدا ما
ابقیتنی اللهم بنورک اهتدیت و
بفضلک استغنیت وبنعمتک اصبحت

وامسیت

وامسیت اللهم انی اصبحت اشهدک و
کفی بک شهیدا واشهد ملائکتک و
حملة عرشک وسکان سمواتک وارضک
وانبیاءک ورسلک وورثة انبیائک و
الصالحین من عبادک وجمیع خلقک انی
اشهد انک انت الله لا اله الا انت وحدک
لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک
صلواتک علیه واله وانک علی کل
شیء قدیر تحیی وتمیت وتمیت وتحیی و

اشهد ان الجنة حق وان النار حق و
ان النشور حق وان القبور حق وان
الساعة اتية لا ريب فيها وانك تبعث
من في القبور واشهد ان علي بن ابي
طالب والحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر وعلي بن موسى و
محمد بن علي وعلي بن محمد والحسن
بن علي والخلف الصالح الحجة القائم

المنتظر

المنتظر صلواتك يا رب عليه وعليهم
السلام اجمعين هم الائمة الهداة المهديون
غير الضالين ولا المضلين وانهم اولياؤك
المصطفون وحزبك الغالبون وصفوتك
من خلقك وخيرتك من بريتك و
نجباؤك الذين انتجبتهم لولايتك و
اختصصتهم من خلقك واصطفيتهم
على عبادك وجعلتهم حجة على العالمين
صلواتك عليهم والسلام ورحمة الله

وبركاته اللهم صل على محمد واله و

اكتب لي هذه الشهادة عندك حتى

تلقينيها يوم القيمة وانت عني راض انك

على كل شئ قدير اللهم لك الحمد حمدا

كما انت اهله حمدا تضع له السماء كنفيها

وتسبح لك الارض ومن عليها اللهم

لك الحمد حمدا يصعد اوله ولا ينفد

اخره اللهم لك الحمد حمدا يزيد ولا يبيد

اللهم لك الحمد حمدا سرمدا دائما ابدا

لا انقطاع له ولا نفاد ولك ينبغي واليك

ينتهي حمدا يصعد اوله ولا ينفد اخره و

لك الحمد علي ومعي وفي وقبلي وبعدي

وامامي وفوقي وتحتي ولدي واذا امت

وقبرت وبقيت فردا وحيدا ثم فنيت و

لك الحمد اذا نشرت وبعثت يا مولاي

اللهم لك الحمد ولك الشكر بجميع

محامدك كلها على جميع نعمائك كلها

حتى ينتهي الحمد الى ما تحب وترضى

اللهم لك الحمد على كل عرق ساكن و
لك الحمد على كل عرق متحرك ولك الحمد
على كل نوم ويقظة ولك الحمد على كل
اكلة وشربة ونفس وبطشة وقبضة
وبسطة وعلى كل موضع شعرة وعلى
كل حال اللهم لك الحمد كله ولك الشكر
كله ولك المجد كله ولك الملك
كله ولك الجود كله وبيدك الخير
كله واليك يرجع الامر كله علانيته

وسره

وسره وانت منتهى الشأن كله اللهم لك
الحمد حمدا خالدا مع خلودك ولك الحمد حمدا
لا منتهى له دون علمك ولك الحمد حمدا
لا امد له دون مشيئتك ولك الحمد حمدا
لا اجر لقائله الا رضاك اللهم لك
الحمد على حلمك بعد علمك ولك الحمد
على عفوك بعد قدرتك اللهم لك الحمد
باعث الحمد ولك الحمد وارث الحمد ولك
الحمد بديع الحمد ولك الحمد مبتدع الحمد و

لك الحمد منتهى الحمد ولك الحمد مبتدى
الحمد ولك الحمد ولي الحمد ولك الحمد
صادق الوعد وفي العهد عزيز الجند
قديم المجد ولك الحمد رفيع الدرجات
مجيب الدعوات منزل الآيات من فوق
سبع سموات عظيم البركات مخرج النور
من الظلمات ومخرج من في الظلمات الى
النور مبدل السيئات حسنات وجاعل
الحسنات درجات اللهم لك الحمد غافر

الذنب



الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذا
الطول لا اله الا انت اليك المصير اللهم
لك الحمد في الليل اذا يغشى ولك الحمد في
النهار اذا تجلى ولك الحمد في الآخرة و
الاولى اللهم لك الحمد عدد كل نجم
في السماء ولك الحمد عدد كل ملك
في السماء ولك الحمد عدد كل قطرة نزلت
من السماء ولك الحمد عدد كل قطرة
في البحار ولك الحمد عدد ما في جوف

الارضين واوزان مياه البحار ولك
الحمد عدد ما على وجه الارض ولك
الحمد عدد ما احصى كتابك ولك
الحمد عدد ما احاط به علمك ولك الحمد
عدد الورق والشجر والحصى والنوى و
الثرى ولك الحمد عدد الانس والجن و
البهائم والسباع والهوام حمداً كثيراً
مباركاً فيه كما تحب ربنا وترضى وكما
ينبغي لكرم وجهك وعز جلالك من

الحمد مباركاً فيه ابداً ده مرتبه لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي
ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده
الخير وهو على كل شيء قدير ده مرتبه الحمد
لله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
وهو اللطيف الخبير ده مرتبه يا الله يا الله ده مرتبه
يا رحمن يا رحمن ده مرتبه يا رحيم يا رحيم ده مرتبه يا
حنان يا منان ده مرتبه يا حي يا قيوم ده مرتبه يا منير
يا منير ده مرتبه يا قدوس يا قدوس ده مرتبه يا بديع

السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ ده مرتبه یا ذَا الْجَلَالِ وَ

الْاِکْرَامِ ده مرتبه یَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ده مرتبه یَا اَللّٰهُ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ده مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ده

مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ اصْنَعْ بِی مَا

اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَصْنَعْ بِی مَا اَنَا اَهْلُهُ فَاِنَّكَ

اَهْلُ التَّقْوٰی وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَاَنَا اَهْلُ

الذُّنُوبِ وَالْخَطَایَا فَارْحَمْنِی یَا مَوْلَایَ وَاَنْتَ

اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ ده مرتبه اٰمِینَ اٰمِینَ ثُمَّ اسْئَلْ حَاجَتَكَ تُقْضٰی اِنْ شَاءَ اللّٰهُ

دعاء مبارکه سمات این است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنام بزرگ بزرگتر گرامی تر

الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ الَّذِی اِذَا دُعِیتَ

عزیزتر بزرگوارتر گرامی تر که هرگاه خوانده شوی

بِهِ عَلٰی مَغَالِقِ اَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ

باین نام بر کلیدهای درهای آسمان برای گشودن برحمت

انْفَتَحَتْ وَاِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلٰی مَضَایِقِ اَبْوَابِ

گشوده میشود و هرگاه خوانده شوی باین نام بر تنگنای درهای

الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَاِذَا دُعِیتَ بِهِ

زمین از برای واشدن واشود و هرگاه خوانده شوی باین

عَلٰی مَعَاقِدِ اَبْوَابِ الْعُسْرِ لِلْیُسْرِ تَیَسَّرَتْ وَ

بر درهای دشواری برای آسان آسان گردد

اِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی الْاَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ

هرگاه خوانده شوی باین نام بر زنده شدن مردگان جهت زنده

وَاِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلٰی کَشْفِ الْبَاْسَاءِ وَ

و هرگاه خوانده شوی باین نام بر زایل شدن بدیها و

الضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم
بزرگ درآینه زائل گردد و بسلطنت بشکوه تو بزرگی روی کرم
اكرم الوجوه واعز الوجوه الذي عنت
ذات قدیم تر رویها و عزیز تر رویهایی که خوار گشت
له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت
نزد او روی جمیع رویها و سر افکنده شد نزد او گردنها و فرو نشست
له الاصوات ووجلت له القلوب من
نزد او آوازها و ترسید نزد او دلها از
مخافتك وبقوتك التي تمسك السماء ان
بیم قدرت تو و بقوت تو که نگاه میدارد آسمان را از آنکه
تقع على الارض الا باذنك وتمسك
افتادن بر زمین مگر باذن تو و نگاه میدارد
السموات والارض ان تزولا وبمشيتك
آسمانها و زمین را که از جای خود بیرون نروند و بمشیت تو
التي دان لها العالمون وبكلمتك التي
که مطیع اند برای آن جمیع عالمیان و بحق کلمات تو که
خلقت بها السموات والارض وبحكمتك
آفریده بان آسمانها و زمین را و بحق حکمت تو

التي

التي صنعت بها العجائب وخلقت بها
که کردی بان عجایبها و خلق کرده بان
الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا
تاریکیها و گردانیده او را شبها و قرار داده شب را
اسود کی
وخلقت بها النور وجعلته نهارا و
و آفریده بان روشنایی را و قرار داده آنرا روز و
جعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها
گردانیده روز را برای برخیزانیدن خلایق از خواب غفلت و آفریدی
بان حکمت
الشمس وجعلت الشمس ضياء وخلقت
آفتاب را و قرار دادی آفتاب را روشن و آفریدی
بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت
بان ماه را و گردانیدی ماه را نورانی در شب و آفریدی
بها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا و
بان حکمت کواکب را و گردانیدی ستارها را و بروج دوازده
کمانه
مصابيح وزينة ورجوما وجعلت لها
و چراغ آسمانها و زینت و رجوم شیاطین و گردانیدی برای
الکواکب
مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع و
مشرقها و مغربها و قرار دادی برای آنها محل طلوع
و

مَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا

و روانه شدن و قرار دادی برای آنها آسمانی و مداری و تعیین

فِي السَّمَآءِ مَنَازِلَ فَاَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَ

در آسمان منزلها پس نیکو کردی تقدیر آن منازل را

صَوَّرْتَهَا فَاَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَاَحْصَيْتَهَا

و صورت بخشیدی پس نیکو تصویر کردی آنها را و شمار در آوردی

بِاَسْمَآئِكَ اِحْصَآءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً

بنامهای خود شمار کردنی و تدبیر کردی بحکمت خود تدبیر کردنی

وَاَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ

و نیکو تدبیر کردی آنها را و مسخر کردی آنها را بسلطان شب

وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ

و سلطان روز و سلطان ساعات و شمار سالها

وَالْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى

و حسابها و گردانیدی دیدن کواکب را برای همه مردمان

وَاحِداً وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي

یکسان و مسئول میکنیم ترا خدایا به بزرگواری تو که

كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

سخن کردی با آن به بنده خود و فرستاده خود موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ

عمران بر او باد سلام در زمره پاک کنندگان او حضرت

اِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَآئِمِ النُّورِ فَوْقَ

ثنایان یا تسبیح کنندگان فرشتگان مقرب بالای پردهای نور

تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ

تابوت شهادت در عمود آتشین و در کوه طور

سَيْنَآءَ وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ

سینا و در کوه حوریث در وادی مقدس

فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ

در بقعه مبارک از جانب کوه طور

الْاَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي اَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ

ایمن از درخت و در زمین مصر با نه آیه

بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي اِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ وَ

ظاهر بوده برای بدست قوم در دیگر کشادی دریا را برای بنی اسرائیل

فِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي

در فرجهای آب که از هم گشودی با آن عجایب کردی در جانب

بَحْرِ سُوفَ وَعَقَدْتَ مَآءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ

دریای سوف که قلزم است و بستی آب دریا را استوار کردی که آب

كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر

مثل سنگ و گذرانیدی از آن آب بنی اسرائیل را از دریا

وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا

و تمام شد کلمه بزرگتر و نیکوتر بر ایشان بآنچه صبر کردند ایشان

واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي

و میراث بایشان دادی مشرقهای زمین و مغربهای زمین را که

باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون و

مبارک گردانیدی در آن زمین برای عالمیان و غرق کردی فرعون و

جنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم

لشکر او را و اسبان او را در دریا و مسئلت میکنم باسم بزرگ تو

الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك

بزرگتر عزیزتر عظیم تر بزرگتر کریم تر نام و بحق بزرگی تو

الذي تجليت به لموسى كليمك عليه

که تجلی کردی بآن نام برای موسی کلیم تو بر او باد

السلام في طور سيناء ولابرهيم خليلك

سلام در طور سینا و تجلی کردی برای ابراهیم دوست خود

عليه السلام من قبل في مسجد الخيف و

بر او باد سلام از پیش از آن در مسجد خیف و

که زمین دمشق و فلسطین باشد

لاسحق صفيك عليه السلام في بئر شيع

بآن نام که تجلی کردی برای اسحق برگزیده خود علیه السلام در چاه شیع

وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل

و برای یعقوب نبی خود بر او باد سلام در خانه ایل

واوفيت لابرهيم عليه السلام بميثاقك

و بآن نام که وفا کردی برای ابراهیم بر او باد سلام و به پیمان خود

ولاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك

و برای حضرت اسحق بقسم خود و برای یعقوب بشهادت خود

وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك

و برای مومنان بوعده خود و برای خوانندگان بنامهای خود

فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن

پس اجابت نمودی دعاهای ایشان و ببزرگواری خود که ظاهر گرده برای موسی بن

عمران عليه السلام على قبة الرمان و

عمران علیه السلام بر قبه رمان بیت المقدس و

باياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد

بحق نشانهای که بسوی تو برداشته میشود در زمین مصر به بزرگواری

العزة والغلبة بايات عزيزة وبسلطان

عزت و غلبه کردن بنشانهای بزرگواری و بحق پادشاهی

در خانه ابراهیم

القوة وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة

قوت و بحق عزت و توانائی و بزرگی کلمهٔ تامه

وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل

و کلمات خود که زیادتی داده بان بر همگی اهل

السموات والارض واهل الدنيا والاخرة

آسمانها و زمین و جمیع اهل دنیا و اخرت

وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك

و بحق رحمت خود که منت نهاده بآن بر جمیع خلق خود

وباستطاعتك التي اقمت بها العالمين

و بحق استطاعت خود که بپا داشته بآن عالمیان را

وبنورك الذي قد خر من فزعه طور

و بحق نور خود که بتحقیق خاشع شد از ترس آن کوه طور

سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك و

سینا و بحق دانایی و بزرگی تو و بزرگواری تو و

عزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض

و عزت تو و جبروت تو که بر نداشت آنرا زمین

وانخفضت لها السموات وانزجر لها

و سر بزیر افکند زمین و بلند شد آسمانها و منزجر شد برای آن

العمق

العمق الاكبر وركدت لها البحار و

بحر عمیق بزرگ و آرام گرفت بسبب آن دریاها و

الانهار وخضعت لها الجبال وسكنت

رودها و خاشع شد بسبب آن کوهها و ساکن شد

لها الارض بمناكبها واستسلمت لها

بسبب آن زمین زمینها تمام از حرکت دریاها و فرمانبردار شد برای آن

الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في

جمیع خلایق همگی و آواز برآمد بسبب آن جمیع بادها در

جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها

وزیدن خود و فرو ماند بسبب آن جمیع آتشها در وطنهای شان

وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة

و بحق سلطنت تو که شناخته شد برای تو و خداوندی و غلبه

دهر الدهور وحمدت به في السموات

همیشه زمانه بود و خواهد بود و ستایش کرده شدی بسبب آن جمیع آسمانها

والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي

و زمینها و بحق کلمه تو که کلمهٔ صدق که

سبقت لابينا ادم وذريته بالرحمة و

سابق شد برای پدر ما آدم علیه السلام و ذریه او همگی برحمت تو و

و مضطر آنکه شد

همگی او برحمت تو



اسئلك بكلماتك التي غلبت كل شيء

وسؤال میکنم از تو بکلمه‌های تو که غالب است آن کلمه بر همه چیزها

وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل

و بحق نور بزرگی تو که تجلی کردی بآن نور بر کوه طور

فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك

پس کردید ها شکافش و کردید بیهوش موسی پیغمبر و بحق بزرگی تو

الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به

که ظاهر شد برکوه طور سینا پس تکلم کردی بآن

عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه

بحضرت موسی بنده خود و فرستاده خود موسی پسر عمران بر او باد

السلام وبطلعتك في ساعير وظهورك

سلام و بحق تجلی کردن نور تو در کوه ساعیر که حضرت عیسی و ظاهر

في جبل فاران بربوات المقدسين و

در کوه فاران نزدیک بمکه معظمه است مقام ایشان و

جنود الملائكة الصافين وخشوع

لشکر ملائکه تسبیح کنندگان که صف کشیدگان و خاشعان از

الملائكة المسبحين وببركاتك التي

فرشتگان تسبیح و تنزیه کنندگان اند و برکت عبادت تو که

باركت

بارکت فيها على ابرهيم خليلك عليه السلم

که مبارک کرده‌ای در آن بر حضرت ابراهیم دوست خود بر او باد سلام

في امة محمد صلى الله عليه واله وباركت

در امت مرحومه حضرت محمد رحمت خدا بر او باد و بر آل او و مبارک کرده

لاسحق صفيك في امة عيسى عليهما السلم

برای اسحق برگزیده خود در امت حضرت عیسی بر هر دوشان سلام

وباركت ليعقوب اسرائيلك عليه السلام

و همچنین مبارک کرده‌ای برای یعقوب اسرائیل خود بر او باد سلام

في امة موسى عليه السلام وباركت

در امت موسی بر او باد سلام و همچنین که برکت دادی

لحبيبك محمد صلى الله عليه واله في عترته

برای دوست خود محمد درود خدا بر او باد و بر آل او و در عترت او

وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك

و ذریه او و امت او خداوندا چنانکه غایب بودیم از حضور

ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقا وعدلا

و حاضر نبودیم آن را و ایمان آوردیم بآن و ندیده تصدیق کردیم

ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك

مسئلت میکنیم اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه مبارک کردانی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بر پیغمبر ما محمد و آل محمد و رحمت فرستی بر محمد و بر آل او

مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ

محمد چنانکه فضل کردی و رحمت فرستادی و مبارک کرده و رحمت کردی

عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَآلِ إِبْرٰهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

بر حضرت ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری

فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس حاجت

وکننده آنچه را اراده کنی و تو بر همه چیزها بسیار توانا

بخواه بگو يَا اَللّٰهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ

ای خدا ای ... ای پدید آرنده آسمانها

وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ

و زمین ای صاحب بزرگواری و کرم ای رحم کننده‌ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ

رحم کنندگان خدایا بحرمت این دعا و بحرمت

هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا

این نامهائیکه نمیداند تفسیر آنها را و نه

يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

میداند باطن آنها را غیر از تو که رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا

و بکن بمن آنچه را تو شایسته آنی و مکن بمن آنچه را که من

أَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يُؤْذِينِي وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

شایسته آنم و انتقام بکش برای من از کسیکه اذیت کند مرا و بیامرز برای من گناهان

مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ

آنچه را پیش کرده ام از گناهان و آنچه را بعد خواهم کرد و وسیع کن بر من از

حَلَالِ رِزْقِكَ وَاكْفِنِي مَؤُنَةَ إِنْسَانِ سَوْءٍ

حلال روزی خود و کفایت کن برای من انسان بد را

وَجَارِ سَوْءٍ وَسُلْطَانِ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ

و همسایه بد را و سلطان بد را بدرستیکه تو بر هرچه خواهی

قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

توانائی و بهر چیز دانائی ای پروردگار جهانیان

وایضا بخوان اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ

خداوندا بحرمت این دعا و بحرمت این

الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا

نامهائیکه نمیداند تفسیر آنها را و نمیداند تأویل آنها را

وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

و نمیداند باطن آنرا و نمیداند ظاهر آنها را کسی غیر تو اینکه رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا

بر محمد و بر آل محمد و اینکه روزی کنی مرا نیکی دنیا

وَالْآخِرَةِ بار حاجت بخواه بگو وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ

و نیکی آخرت و بکن برای من آنچه تو شایسته آنی

وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلَانٍ

و مکن برای من آنچه من شایسته‌ام و انتقام بکش برای من از فلان

نام دشمن بگو وَاغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا

و بیامرز مرا از گناهان من آنچه پیش کرده‌ام آنها را

وَمَا تَأَخَّرَ وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

و آنچه بعد از این خواهم کرد و بیامرز والدین مرا و همه مردان مومن و

الْمُؤْمِنَاتِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَ

زنان مومنه را و وسعت بده بر من از حلال روزی خود و

اكْفِنِي مَؤُونَةَ اِنْسَانِ سُوءٍ وَجَارِ سُوءٍ وَسُلْطَانِ

کفایت کن مرا از انسان بد و همسایه بد و سلطان بد

سُوءٍ وَقَرِينِ سُوءٍ وَيَوْمِ سُوءٍ وَسَاعَةِ سُوءٍ

بد و همسر بد و روز بد و ساعت بد

وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يَكِيدُ بِي وَمِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ وَيُرِيدُ

و انتقام بکش برای من از کسیکه مکر کند مرا و از کسیکه ستم کند بر من و اراده کند

بِي وَبِاَهْلِي وَاَوْلَادِي وَاِخْوَانِي وَجِيرَانِي

بدی مرا و بدی اهل مرا و اولاد مرا و برادران مرا و همسایگان مرا

وَقَرَابَتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا

و خویشان مرا از مومنین و زنان مومنه از روی ظلم

اِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ

بدرستیکه تو بر آنچه خواهی توانایی و بهر چیز دانایی آمین

رَبَّ الْعَالَمِينَ لیس بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ

ای پروردگار عالمیان خداوندا بحرمت این دعا

تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

تفضل کن بر فقرای مردان مومن و زنان مومنه

بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ

به بی‌نیازی و ثروت و بر بیماران مومن و

الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلَى اَحْيَاءِ

بیماران مومنه شفا دادن و سلامتی و بر زندگان

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَ

مردان مومن و زنان مومنه بلطف و کرم و

عَلَى اَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ

بر مردگان مردان مومن و زنان مومنه بآمرزش

والرحمة وعلى مسافري المؤمنين والمؤمنات

و رحمت و تفضل کن بر مسافرین مردان مومن و زنان مومنه

بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين برحمتك

به برگردانیدن بسوی وطنهاشان سلامت و با غنیمت برحمت خود

يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا

ای رحیم ترین رحم کنندگان و رحمت خدا بر آقای ما

محمد خاتم النبيين وعترته الطاهرين وسلم

محمد خاتم پیغمبران و عترت او که پاکانند و رحمت فرست

تسليما كثيرا [illegible] حضرت امیر علیه السلام [illegible] يا عدتي

رحمت فراوان اینجا دعا می خوانند ای ذخیره من

عند كربتي ويا غياثي عند شدتي ويا

نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من و ای

وليي في نعمتي ويا منجحي في حاجتي ويا مفزعي

دوست من در نعمت من ای برآورنده من در حاجات من و ای پناه گاه

في ورطتي ويا منقذي من هلكتي و

در ورطه من و ای رهاننده از هلاکت من و

يا كالئي في وحدتي صل على محمد وآل محمد

ای مونس من در تنهایی من رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واغفر

واغفر لي خطيئتي ويسر لي امري واجمع لي

و بیامرز برای من گناهان مرا و آسان کن کار مرا و جمع کن برای من

شملي وانجح لي طلبتي واصلح لي شاني و

و برآور برای من حاجت مرا و اصلاح کن برای من و

اكفني ما اهمني واجعل من امري فرجا و

کفایت کن آنچه اهتمام داری مرا و بگردان از امر من گشایش و

مخرجا ولا تفرق بيني وبين العافية ابدا

بیرون شدی و تفرقه مکن میان من و میان عافیت هرگز

ما ابقيتني وعند وفاتي اذا توفيتني يا

آنچه باقی گذاشته ای مرا و نزد وفات من [illegible] ای

ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد

رحیم ترین رحم کنندگان و رحمت خدا بر آقای ما محمد

وآل محمد يا زیارت وارث سید الشهداء رب العالمين

و آل محمد ای پروردگار عالمیان

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله

سلام بر تو ای وارث برنده حضرت آدم برگزیده خدا

السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام

سلام بر تو ای وارث برنده حضرت نوح نبی خدا سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرٰهيمَ خَليلِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

بر تو ای وارث برنده حضرت ابراهیم دوست خدا سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام

عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو ای میراث برنده حضرت عیسی روح خدا سلام بر تو

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

ای میراث برنده محمد حبیب خدا سلام بر تو ای

وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

وارث برنده حضرت امیر المؤمنین ولی خدا سلام بر تو

يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ

ای پسر محمد برگزیده سلام بر تو ای پسر علی

الْمُرْتَضىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ

پسندیده سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری سلام

عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ

بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا و تنهای یگانه شده

اشهد

اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ

گواهی میدهم در اینکه تو بتحقیق بپا داشته نماز را و بدادی زکوة را

وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

و امر کرده بمعروف و نهی کرده از منکر و بدی

وَاَطَعْتَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ حَتّىٰ اَتٰيكَ الْيَقينُ

و طاعت کرده خدا را و رسول خدا را تا اینکه آمد ترا مرگ

فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ

پس لعنت کند خدا امتی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا امتی را که

ظلم کردند ترا

وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ

و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند از آن پس راضی شدند بآن

يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ

ای آقای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم در اینکه تو بودی

نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ

نوری در صلبهای با رفعت و رحمهای پاک

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ

نجس نکرده ترا نادانی بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا

مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ

از جامه های تیره خود و گواهی میدهم در اینکه تو از

ستر نپوشانید

الدين وارکان المؤمنين واشهد انك
دین و رکنهای ایمان مؤمنان و گواهی میدهم بدرستیکه تو
الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي
پیشوای دانایان و نیکوکاران پرهیزکار پاکیزه راهنمای
المهدي واشهد ان الائمة من ولدك
راه یافته و گواهی میدهم بدرستیکه امامان از اولاد تو اند
كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
فرزندان تو کلمه پرهیزگاری اند و نشانهای هدایت و دست آویز
الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
محکم تر و حجه اند بر اهل دنیا و گواهی میدهم
الله وملائكته وانبيائه ورسله اني
خدا را و فرشتگان او را و پیغمبران او را و رسولان او را بدرستیکه من
بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني
بشما گرویده ام و برجعت شما یقین دارم و آداب دین
وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري
را و خاتمه های عمل خود و دل من مر دل شما را پیروی کننده است و امر من
لامركم متبع صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم
مر امر شما را تابع است رحمت خدا بر شما و بر ارواح شما و

وعلى اجسادكم وعلى اجسامكم وعلى شاهدكم
و بر جسدهای شما و بر جسمهای شما و بر دیدنهای شما
وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى باطنكم
و بر غایبان شما و بر ظاهران شما و بر باطنهای شما
پس فصل زيارت علي بن الحسين الشهيد عليهما السلام عليك
سلام بر تو
يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن نبي الله
ای پسر فرستاده خدا سلام بر تو ای پسر پیغمبر خدا
السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام
سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان سلام
عليك يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك
بر تو ای پسر حسین شهید سلام بر تو
ايها الشهيد السلام عليك ايها المظلوم
ای شهید سلام بر تو ای مظلوم
وابن المظلوم لعن الله امة قتلتك ولعن الله
و پسر مظلوم لعنت کند خدا امتی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا
امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك
بر امتی که ظلم کردند ترا و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند این را

فضيت به پس این شهیدان را فضل بگوی السلام علیکم
پس خشنود شده بان سلام بر شما
یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم
ای دوستان خدا و دوستداران او سلام بر شما
یا اصفیاء الله واودّاءه السلام علیکم یا
ای برگزیدگان خدا و محبان او سلام بر شما ای
انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول
یاوران دین خدا سلام بر شما ای یاوران رسول
الله السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین
خدا سلام بر شما ای یاوران امیر المؤمنین ع
السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء
سلام بر شما ای یاوران فاطمه ع بزرگ زنان
العالمین السلام علیکم یا انصار ابی
عالمیان سلام بر شما ای یاوران ابو
محمد الحسن بن علی الزکی الناصح السلام
محمد حسن پسر علی پاکیزه نصیحت کننده سلام
علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی
بر شما ای یاوران ابا عبد الله پدر و مادرم فدای

طبتم

طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم
پاکیزه شدید شما و پاکیزه است زمین که در آن مدفون شده اید و فایز
فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم
رستگاری بزرگ پس ای کاش میبودم با شما پس رستگار میشدم

زیارة امیر المؤمنین علیه السلام مشهور بششم

السلام علیک یا رسول الله السلام علیک
سلام بر تو ای فرستاده خدا سلام بر تو
یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله
ای برگزیده خدا سلام بر تو ای امین خدا
السلام علی من اصطفاه الله واختصه و
سلام بر کسیکه برگزید او را خدا و مخصوص گردانید او را
اختاره من بریته السلام علیک یا خلیل
اختیار کرده او را از مخلوقش سلام بر تو ای دوست
الله ما دجی اللیل وغسق واضاء النهار
خدا مادامیکه تاریکی شب و سیاهی ظلمات و روشن گردد روز
واشرق السلام علیک ما صمت صامت
و نورانی گردد سلام بر تو مادامیکه خاموش شود خاموشی

شده اید شما
با شما
و

ونطق ناطق وذر شارق ورحمة الله و

و گویائی گوینده و پراکنده هر روشنی دهنده و رحمت خدا و

بركاته السلام على مولانا امير المؤمنين

و برکتهای خدا بر تو باد سلام بر آقای ما امیر المؤمنین ع

علي بن ابي طالب صاحب السوابق والمناقب

علی پسر ابو طالب یار پیشی گیرندگان بطاعت

والنجدة ومبيد الكتائب الشديد الباس

و بزرگی و دلیری و پراکنده کننده لشکرهای سخت بدخشم

العظيم المراس المكين الاساس ساقي

بزرگ گرفته شده قرار گرفته صاحب اساس ساقی

المؤمنين بالكاس من حوض الرسول المكين

آب دهنده مؤمنین با کاسه از حوض حضرت رسول مکان گرفته

الامين السلام على صاحب النهى والفضل

امین سلام بر صاحب عقل و خرد و زیادتیها

والطوائل والمكرمات والنوائل السلام

و نعمتها و کرامتها و بزرگواریها و بخششها سلام

على فارس المؤمنين وليث الموحدين وقاتل

بر سوار کردیدگان مؤمنین و شیر یگانه پرستان و کشنده

المشركين

المشركين ووصي رسول رب العالمين

مشرکان و وصی و جانشین فرستاده پروردگار عالمیان

ورحمة الله وبركاته السلام على من ايده الله

و رحمتهای خدا و برکتهای خدا بر تو باد و سلام بر کسیکه امداد کرد

بجبرئيل واعانه بميكائيل وازلفه في

بفرستادن جبرئیل و یاری او را بمیکائیل و قرب و منزلت داده او را

و قوت داده او را خدا

در

الدارين وحباه بكل ما تقر به العين

در هر دو دنیا و عطا کرده او را بهر چه باو روشن شود چشم

وصلى الله عليه وعلى آله الطاهرين و

و درود خدا بر او باد و بر آل او که پاکانند و بر

اولاده المنتجبين وعلى الائمة الراشدين

اولاد او که برگزیدگانند و بر امامان رهنمایان که رستگار رهند

الذين امروا بالمعروف ونهوا عن المنكر و

آنها که امر کردند بمعروف و باز داشتند مردم را از منکر

فرضوا علينا الصلوة وامروا بايتاء الزكوة

و واجب کردند بر ما نماز را و حکم کردند بدادن زکوة

وعرفوا صيام شهر رمضان وقراءة

و شناسا کردند ما را بروزه داشتن ماه رمضان و خواندن

الْقُرْآنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ

قرآن سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان و

يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اَلسَّلَامُ

بزرگ و پیشوای دین و کشاننده سفید دست و پا سفیدان سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللّٰهِ

سلام بر تو ای در رحمت خدا سلام بر تو ای چشم بیننده خدا

النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَاُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ

بیننده و دست گشاده خدا و گوش شنونده نگهدارنده خدا

وَحِكْمَتَهُ الْبَالِغَةَ وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ

و حکمت رساننده خدا و نعمت تمام شده خدا

اَلسَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ اَلسَّلَامُ عَلَى

سلام بر قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام بر

نِعْمَةِ اللّٰهِ عَلَى الْاَبْرَارِ وَنِقْمَتِهِ عَلَى الْفُجَّارِ

نعمت خدا بر بندگان نیکان و غضب و عقاب خدا بر بدکاران

اَلسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْاَخْيَارِ اَلسَّلَامُ

سلام بر سید و آقای پرهیزکاران خوبان سلام

عَلَى اَخِي رَسُولِ اللّٰهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ

بر برادر فرستاده خدا و پسر عم او و شوهر دختر او

والمخلوق

وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَصْلِ

و آفریده شده از نور او سلام بر اصل

الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ اَلسَّلَامُ عَلَى

قدیم و فرع گرامی سلام بر

الثَّمَرِ الْجَنِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَى اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ

میوه چیده شده سلام بر ابوالحسن علی سلام

عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى اَلسَّلَامُ

بر درخت طوبی و سدرة المنتهی سلام

عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ وَنُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ وَاِبْرٰهِيمَ

بر آدم برگزیده خدا و نوح پیغمبر خدا و ابراهیم

خَلِيلِ اللّٰهِ وَمُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ وَعِيسَى رُوحِ

دوست خدا و موسی همسخن خدا و عیسی روح

اللّٰهِ وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

خدا و محمد حبیب خدا و کسانیکه میان ایشان از پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ

و راست گویان و شهیدان و نیکوکاران بود

حَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِيقًا اَلسَّلَامُ عَلَى نُورِ

نیکوان آن جماعت رفیقان بوده سلام بر نور

الأنوار وسليل الأطهار وعناصر الأخيار
روشنیها و فرزند ائمه پاکان و اصل خوبان
السلام على حبل الله المتين وجنبه المكين
سلام بر ریسمان محکم خدا و پهلوی قرار گرفته خدا
ورحمة الله وبركاته السلام على أمين الله
و رحمتهای خدا و برکتهای خدا بر شما باد سلام بر امین خدا
في أرضه وخليفته والحاكم بأمره والقيّم
در زمین خدا و خلیفهٔ خدا و حاکم بحکم خدا و ایستاده
بدينه والمهيمن بحكمته والعامل بكتابه
بدین خدا بحکمت خدا و عمل کننده بکتاب خدا
أخ الرسول وزوج البتول وسيف الله
برادر رسول و شوهر بتول و شمشیر خدا
المسلول السلام على صاحب الدلالات
که کشیده شد سلام بر صاحب دلیلها و
والآيات الباهرات والمعجزات القاهرات
و نشانهای ظاهر هویدا و معجزهٔ غلبه کننده
والمنجي من الهلكات الذي ذكره الله في محكم
و نجات دهنده از مهالک آنکسیکه یاد کرده خدا در محکم

الآيات فقال تعالى وإنه في أم الكتاب لدينا
آیات قرآن پس گفته خدا تعالی و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ماست
لعلي حكيم السلام على اسم الله الرضي
هر آینه بلند مرتبه و درست کردار است سلام بر نام خدای پسندیده
ووجهه المضيء وجنبه العلي ورحمة الله
و روی خدا که روشنی دهنده است و پهلوی او که بلند مرتبه است و رحمت خدا
وبركاته السلام على حجج الله وأوصيائه و
و برکتهای خدا بر شما باد و سلام بر حجتهای خدا و اوصیای او و
خاصة الله وأصفيائه وخالصته وأمنائه
خاصان خدا و برگزیدگان او و خالصان و امینان او
ورحمة الله وبركاته قصدتك يا مولاي
و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد قصد کرده ام ترا ای آقای من
يا أمين الله وحجته زائراً عارفاً بحقك
ای امین خدا و حجة خدا در حالتیکه زیارت کننده ام و شناسندهٔ حق تو
موالياً لأوليائك معادياً لأعدائك متقرباً
دوستم مر دوستان ترا و دشمنم مر دشمنان ترا نزدیکی
بجویم
إلى الله بزيارتك فاشفع لي عند الله ربي
بسوی خدا بزیارت تو پس شفاعت کن مرا نزد خدا پروردگار من

وَرَبِّكَ فِي خَلاصِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَقَضاءِ

پروردگار خود در خلاص کردن گردن من از جهنم و روا کردن

حَوائِجِي حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ [illegible]

حاجات من از حاجتهای دنیا و آخرت

سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ

سلام خدا و سلام فرشتگان نزدیکان و

الْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ

انقیاد کنندگان مر ترا به دلهای ایشان ای امیر مؤمنان و

النّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشّاهِدِينَ عَلى أَنَّكَ

و گویایانند بفضل تو و گواهند بر آنکه تو

صادِقٌ أَمِينٌ صِدِّيقٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ

راست گوئی امینی بسیار راستگوئی بر تو باد و رحمت خدا

بَرَكاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ

و برکتهای او گواهی میدهم بدرستیکه تو پاک و پاکیزه و پاکیزه گی از

طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللهِ

صلب پاک پاکیزه پاکیزه شده گواهی میدهم ترا ای دوست خدا

وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ وَأَشْهَدُ

و دوست رسول خدا بگزاردن و ادا کردی حق را و گواهی میدهم

انک

أَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَبابُهُ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ وَ

بدرستیکه تو خزانه علم خدائی و در علم اوئی و بدرستیکه تو دوست خدائی و

وَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتى مِنْهُ وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللهِ

و روی آن چنان روی که آمده میشود و بدرستیکه تو راهی بسوی خدا

وَأَنَّكَ عَبْدُ اللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و بدرستیکه تو بنده خدائی و برادر پیغمبر اوئی رحمت خدا بر او

وَآلِهِ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ بِزِيارَتِكَ راغِباً

و بر آل او آمدم ترا نزدیکی جوینده بسوی خدا بزیارت تو در حالتیکه

رغبت کننده ام

إِلَيْكَ فِي الشَّفاعَةِ أَبْتَغِي بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ

بسوی تو در شفاعت و بسبب شفاعت و سزاوارم بشفاعت تو نجات

بجتی

رَقَبَتِي مِنَ النّارِ مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ هارِباً

گردن مرا از جهنم در حالتیکه پناه برنده ام بتو از جهنم گریخته ام

مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُها عَلى ظَهْرِي فَزِعاً

از کثرت گناهانم که بار شده آنها بر پشتم پناه برنده ام

إِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ

بسوی تو امیدوار رحمت پروردگارم آمدم ترا طلب شفاعت

میکنم

بِكَ يا مَوْلايَ وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللهِ لِيَقْضِيَ

بسبب تو ای آقای من و نزدیکی میجویم بتو بسوی خدا تا بجه برآوردن

بك حوائجي فاشفع لي يا امير المؤمنين الى الله
بسبب تو حاجتهای من پس شفاعت کن مرا ای پادشاه مؤمنان نزد خدا
فاني عبد الله ومولاك وزائرك ولك عند
پس بدرستیکه من بنده خدا ام و دوستدار تو و زایر تو و تو راست نزد
الله المقام المحمود والجاه العظيم والشأن
خدا جای ستوده و مرتبه بزرگ و حالت
الكبير والشفاعة المقبولة اللهم صل
بزرگ و شفاعت مقبول کرده شده خداوندا رحمت فرست
على محمد وآل محمد وصل على امير المؤمنين
بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن بر امیر مؤمنان
عبدك المرتضى وامينك الاوفى وعروتك
بنده تو برگزیده و امین تو که وفا کننده است و دستاویز
الوثقى ويدك العليا وجنبك الاعلى و
محکم تو است و دست قدرت بلند مرتبه تو است و خزانه علم تو که بلند است برزاد
كلمتك الحسنى وحجتك على الورى و
و کلمه تو که نیکوست و حجت تو است بر بندگان و
صديقك الاكبر وسيد الاوصياء
تصدیق کننده بزرگ تو است و آقای جانشینان

ورکن

وركن الاولياء وعماد الاصفياء امير المؤمنين
و رکن دوستان است و ستون برگزیدگان امیر مؤمنان
ويعسوب الدين وقدوة الصالحين وامام
و بزرگ و پیشوای دین و پیشوای نیکوکاران و امام
المخلصين والمعصوم من الخلل المهذب من
اخلاص کنندگان و نگاه داشته شده از خللها پاک کرده شده از
الزلل المطهر من العيب المنزه من الريب اخي
لغزشها پاکیزه از عیب مبرا از ریب و شک برادر
نبيك ووصي رسولك البائت على فراشه
پیغمبر تو و جانشین فرستاده تو شب روز آورنده بر بستر او
والمواسي له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه
و امداد کننده او بنفس خود و برطرف کننده اندوه از او
الذي جعلته سيفا لنبوته وآية لرسالته
آنکه گردانیده او را شمشیر برای نبوت او و معجزه رسالت او
وشاهدا على امته ودلالة على حجته
و گواهی بر امت او و راهنمای بر حجت او
وحاملا لرايته ووقاية لمهجته وهاديا
و بردارنده علم او و نگهدارنده مکان او و هدایت
کننده

لامته ویدا لباسه وتاجا لراسه وبابا لسره و

برای امت او و دستی از عذاب کفار و تاجی برای سر او و در سر او

مفتاحا لظفره حتى هزم جیوش الشرك

کلیدی برای فتح و فیروزی او تا گریزان شوند لشکر کفار و مشرکین

باذنك وابادعساکر الکفر بامرك و

باذن تو و برهم زد سپاه کفر را بفرمان تو و

بذل نفسه فی مرضات رسولك وجعلها

بخشید جان خود را در خشنودی رسول تو و قرار داد جان خود را

وقفا علی طاعته فصل اللهم علیه صلوة

وقف برفرمانبرداری او پس رحمت فرست خدایا بر او رحمتی

دائمة باقیة پس بگو السلام علیك یا ولی الله

که همیشه باقی باشد سلام بر تو ای دوست خدا

والشهاب الثاقب والنور العاقب یا

و ای تیر سوراخ کننده و ای نور عقب آینده ای

سلیل الاطائب یا سر الله ان بینی وبین الله

فرزند پاکان ای سر خدا بدرستیکه میان من و میان خدا

تعالی ذنوبا قد اثقلت ظهری ولا یاتی

تعالی گناهان بسیار است که سنگین گردانیده پشت مرا و بیرون نمیاید

علیها

علیها الا رضاه فبحق من ائتمنك علی سره و

از آن گناهان مگر رضا و خشنودی خدا پس بحق آنکه امین کرده ترا بر سر خود و

استرعاك امر خلقه کن لی الی الله شفیعا

بتو گذاشته امر خلق خود را باش برای من نزد خدا شفاعت کننده

ومن النار مجیرا وعلی الدهر ظهیرا فانی

و از آتش جهنم نجات دهنده و در دنیا پشت و پناه پس من

عبد الله وولیك وزائرك صلی الله

بنده خدایم و دوستدار تو و زائر توام رحمت خدا

علیك پس شش رکعت نماز زیارت بکن و بخوان السلام

بر تو باد سلام

علیك یا امیر المؤمنین علیك منی سلام

بر تو ای پادشاه مومنان بر تو از من سلام

الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار

خدا همیشه مادامیکه باقیم و باقی باشد شب و روز

زیارت سید الشهداء علیه السلام مخصوص بعاشورا

السلام علیك یا ابا عبد الله السلام علیك

سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو

يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَمِيرِ

ای پسر رسول خدا سلام برتو ای پسر امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ

مؤمنان و پسر آقای جانشینان سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

برتو ای پسر فاطمه زهرا سیده زنان

الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ

عالمیان سلام برتو ای خون خدا و پسر خون خدا

وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَ

و فرد و یکتا شده سلام برتو ای خون خدا

ابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

پسر خون خدا و یکتای یکتا شده سلام برتو و سلام

عَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ

بر جانهایی که فرود آمده بودند گرداگرد تو برشما از

مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

از من همگی سلام خدا مادامیکه باقی هستم و باقی باشد

وَالنَّهَارُ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ

و روز ای اباعبدالله هر آینه بتحقیق بزرگ شده مصیبت

وجلت

وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ

و بزرگ است مصیبت برتو برما و بر همه اهل

الْاِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي

اسلام و بزرگ شده و گران شده مصیبت تو در

السَّمٰوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ

آسمانها بر همه اهل آسمانها پس لعنت کند

اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ

خدا گروهی را که بنا نهادند پای ظلم و ستم را برشما

اَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ

اهل خانواده پیغمبر و لعنت کند خدا گروهی را که دور کردند شما را

مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ

مکان شما و دفع کردند شما را از مرتبه خود شما که قرار داد

از

از مرتبه‌ها برای شما

اللهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ

خدا شما را در میان آنها و لعنت خدا گروهی را که کشتند شما را و لعنت کند

اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ

خدا گروهی که آماده کردند کار ایشان را بدست دادن از کارزار شما

بَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ

بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از پیروان آنها

واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم

و تابعان ایشان و دوستان ایشان ای ابا عبدالله بدرستیکه من مسلمم

لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم

آنرا که صلح کرده با شما و جنگ میکنم هر کسیرا جنگ کند با شما تا روز قیامت

القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان و

قیامت و لعن کند خدا آل زیاد را و آل مروان را و

لعن الله بني امية قاطبة ولعن الله ابن مرجانة

لعنت کند خدا بنی امیه را همگیشانرا و لعن کند خدا پسر مرجانه را

ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا

و لعنت کند خدا عمر پسر سعد را و لعن کند خدا شمر را

ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت

و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند و لجام کردند و پوشیدند

وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد

آلات حرب را و مهیا شدند برای مقاتله تو پدر و مادرم فدای تو هر آینه بتحقیق

عظم مصابي بك فاسئل الله الذي

بزرگ گشته کرده من بسبب مصیبت تو پس سؤال میکنم از خدائی که

اكرم مقامك واكرمني بك ان يرزقني

گرامی داشته مقام ترا و گرامی داشته مرا بسبب تو اینکه روزی کند مرا

طلب

طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت

طلب خون تو با پیشوای نصرت یافته از اهل بیت

محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني

محمد رحمت خدا بر او و بر آل او خدایا قرار ده مرا

عندك وجيها بالحسين في الدنيا و

نزد خود خوش رو ای بر جاه حضرت امام حسین در دنیا و در

الآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله و

آخرت ای ابا عبدالله بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی خدا

الى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة

بسوی فرستاده خدا و بسوی امیرالمؤمنین و بسوی فاطمه

والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة

و بسوی امام حسن و بسوی تو بدوستی تو و به بیزاری

ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة

از کسیکه کارزار نمود با تو و برپای کرد با تو جنگ را و به بیزاری

ممن اسس اساس الظلم والجور عليكم

از کسانیکه بنا کردند بنای ظلم و ستم را بر شما

وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس

و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی رسول خدا از کسانیکه بنا کرد

أساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى

اساس این ظلم را و گذاشت بر ظلم بنای خود را و روان شد

في ظلمه وجوره عليكم وعلى أشياعكم

در ستم خود و طغیان خود بر شما و بر شیعیان شما

برئت إلى الله وإليكم منهم وأتقرب إلى

بیزار گشتم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و نزدیک میجویم بسوی

الله ثم إليكم بموالاتكم وموالاة

خدا پس بسوی شما بسبب دوستی شما و دوستی

وليكم وبالبراءة من أعدائكم والناصبين

دوستان شما و به بیزاری از دشمنان شما و بر پا دارندگان

لكم الحرب وبالبراءة من أشياعهم و

برای شما جنگ را و به بیزاری از تابعان ایشان و

أتباعهم إني سلم لمن سالمكم وحرب

پیروان ایشان بدرستیکه صلحم مرکسانیرا که صلحند با شما و جنگم

لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو

مرآنانرا که جنگ کردند با شما و دوستم مرکسانیرا که دوستند با شما و دشمنم

لمن عاداكم فأسأل الله الذي أكرمني

مرکسانیرا که دشمنند با شما پس سوال میکنم از خدا که گرامی داشت مرا

بمعرفتکم

بمعرفتكم ومعرفة أوليائكم ورزقني

بشناختن شما و بشناسانیدن دوستان شما و روزی کرد مرا

البراءة من أعدائكم أن يجعلني معكم في الدنيا

بیزاری از دشمنان شما اینکه گرداند مرا با شما در دنیا

والآخرة وأن يثبت لي عندكم قدم صدق

و در آخرت و اینکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی

في الدنيا والآخرة وأسأله أن يبلغني

در دنیا و در آخرت و سوال میکنم از او اینکه برساند مرا

المقام المحمود لكم عند الله وأن يرزقني

بمکان ستوده که برای شما نزد خداست و اینکه روزی کند مرا

طلب ثاري مع إمام مهدي ظاهر ناطق

طلب خون شما را با پیشوای راه یافته آشکارای سخنگوی

منكم وأسأل الله بحقكم وبالشأن

از شما و سوال میکنم از خدا بحق شما و بحق شان شما

الذي لكم عنده أن يعطيني بمصابي بكم

که از برای شماست نزد او اینکه ببخشد مرا بسزای گروه من

بمصیبت شما

أفضل ما يعطي مصابا بمصيبته مصيبة

بهتر از آنچه می بخشد مصیبت رسیده را بسبب مصیبت و چنان مصیبتی

مصیبت را

ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام و

که بزرگست این و چه بزرگست آن ناخوشی در اسلام و

فی جمیع اهل السموات والارض اللهم

در جمیع اهل آسمانها و اهل زمین خداوندا

اجعلنی فی مقامی هذا ممن تناله منک

بگردان مرا در مکان من اینمکان از کسانیکه برسد بشان از تو

صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل

درودها و بخششها و آمرزشها خداوندا قرار ده

محیای محیا محمد وآل محمد ومماتی ممات

زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مانند مردن

محمد وآل محمد اللهم ان هذا [غیر عاشورا]

محمد و آل محمد خداوندا بدرستیکه این

[هذا یوم قتل امام الحسین] یوم تبرکت به بنو امیة وابن آکلة

روزیست که برکت جستند باین روز بنی امیه و پسر خورنده

الاکباد اللعین ابن اللعین علی لسان

جگرها لعنت کرده شده پسر لعنت کرده شده بر زبان

نبیک صلی الله علیه وآله فی کل موطن

پیغمبر تو رحمت خدا بر او باد و بر آل او در هر جایگاهی

وموقف

وموقف وقف فیه نبیک صلوات الله علیه

و جای ایستادنی که ایستاد در آن پیغمبر تو رحمت تو بر او

وآله اللهم العن ابا سفیان ومعاویة بن

و بر آل او خداوندا لعنت کن ابوسفیان را و معاویه پسر

ابی سفیان ویزید بن معاویة علیهم منک

ابوسفیان را و یزید پسر معاویه را بر ایشان از تو

اللعنة ابد الابدین وهذا [ایضاً غیر عاشورا]

لعنت در همه نهایت پایندگان و این [بکی و یوم عاشورا]

یوم فرحت به آل زیاد وآل مروان بقتلهم

روزیست که خوشحالی کردند باین آل زیاد و آل مروان بسبب کشتن ایشان

الحسین صلوات الله علیه اللهم فضاعف

امام حسین را رحمت خدا بر او باد خداوندا زیاد کن

علیهم اللعن منک والعذاب اللهم انی

بر ایشان لعن را از خود و عذاب را خداوندا بدرستیکه من

اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی

نزدیکی میجویم بسوی تو در این روز و در جای ایستادنم

هذا وایام حیوتی بالبراءة منهم واللعنة

اینجا و ایام زندگانی ام به بیزاری از ایشان و لعنت

عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوالاةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ
لعنت کردن بر ایشان بدوستی پیغمبر تو و آل پیغمبر تو بر ایشان
السَّلامُ پس صد مرتبه بگو اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ
سلام خداوندا لعنت کن اول کسی که ظالم
ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلى
ستم کرد در حق محمد و آل محمد و آخر کسی را که متابعت کرد او را
ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتي جاهَدَتِ
این ستم خداوندا لعنت کن جماعتی را که کارزار کردند
الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ
با حسین ع بر او باد رحمت و سلام و آنانکه پیروی کردند و بیعت کردند
وَتابَعَتْ عَلى قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً
و متابعت کردند بر کشتن او خداوندا لعنت کن ایشان را همگی
وصد مرتبه بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ وَ
سلام بر تو ای ابا عبد الله و
عَلَى الْاَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ عَلَيْكَ
بر روحهایی که فرود آمدند گرداگرد تو و بر تو
مِنّي سَلامُ اللّٰهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ
از من سلام خدا همیشه مادامی که باقی باشم و باقی باشد شب و

النهار

النَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكُمْ
و روز و قرار ندهد خدا این را آخر دفعه از زیارت من مر زیارت شما را
اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
سلام بر حسین و بر علی پسر حسین
وَعَلى اَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلى اَصْحابِ الْحُسَيْنِ
و بر اولاد حسین ع و بر اصحاب امام حسین ع
پس بگو اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ
خداوندا مخصوص گردان تو اولین ستم کننده را به لعن
مِنّي وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثّانِيَ ثُمَّ الثّالِثَ
از جانب من و ابتدا کن بنخستین پس ثانی را که دومین را پس سومین را
ثُمَّ الرّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ
پس چهارمین را خداوندا لعنت کن یزید پسر معاویه را
خامِساً وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ
پنجم ایشان و لعن کن عبید الله پسر زیاد را و پسر مرجانه را
وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ اَبي سُفْيانَ وَ
و عمر پسر سعد را و شمر را و آل ابو سفیان را و
آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ اِلى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ پس
آل زیاد را و آل مروان را تا روز قیامت پس

بسجده رو و بگو اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك

خداوندا ترا ستایش میکنیم مانند ستایش ستایش کنندگان مر ترا

على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي

بر گروه خود ستایش مر خدا را بر بزرگی مصیبت من

اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام

خداوندا روزی کن مرا شفاعت امام حسین را و باد سلام

يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك

روز وارد شدن بر تو و ثابت کن برای من قدم راست ثابتی نزد تو

مع الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا

با امام حسین و اصحاب و یاران حسین آنانکه نثار کردند

مهجهم دون الحسين عليه السلام پس دو رکعت

خونهای خود را نزد حسین علیه السلام

نماز بکن و هر حاجت [illegible] يا الله يا الله يا

ای خدا ای خدا ای

الله يا مجيب دعوة المضطرين يا كاشف

خدا ای پذیرنده دعاهای درماندگان ای برطرف کننده

كرب المكروبين يا غياث المستغيثين

اندوه اندوهناکان ای فریادرس فریادرس طلبان

ويا

ويا صريخ المستصرخين ويا من هو اقرب

و ای دادرس دادرس طلبان و ای آنکه نزدیکتر است

إليّ من حبل الوريد ويا من يحول بين المرء

بسوی من از رگ گردن و ای آنکه حایل میشود میانه مرد

وقلبه ويا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق

و دل او و ای آنکه اوست در دیدگاه بلند در افق

المبين ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش

در افق روشن آسمان و ای آنکه اوست بخشاینده مهربان بر عرش

استوى ويا من يعلم خائنة الاعين و

مستولی و ای آنکه میداند اشاره چشمان را و

ما تخفي الصدور ويا من لا يخفى عليه خافية

آنچه نهان است در سینه ها و ای آنکه پوشیده نیست بر او پنهانی

ويا من لا تشتبه عليه الاصوات ويا

و ای کسیکه مشتبه نمیشود بر او آوازها و ای

من لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه

کسیکه به غلط نمی اندازد او را حاجتها و ای کسیکه بستوه نمی آورد او را

الحاح الملحين يا مدرك كل فوت ويا

مبالغه مبالغه کنندگان ای دریابنده هر فوت شده و ای

جامع كل شمل و يا بارئ النفوس بعد

فراهم آورنده هر پراکنده و ای پدید آورنده نفسها بعد از

الموت و يا من هو كل يوم في شأن يا قاضي

مردن و ای آنکه اوست هر روز در کاری ای برآورنده

الحاجات يا منفس الكربات يا معطي السؤلات

حاجتها ای زایل کننده کردهها ای عطا کننده خواهشها

يا ولي الرغبات يا كافي المهمات يا من

ای روا کننده حاجتها ای کارگذار کارهای سخت ای کسیکه

يكفي من كل شيء و لا يكفي منه شيء في

بی نیاز میکرداند از هر چیزی و بی نیاز نمیکردد از او هیچ چیز در

السموات و الارض اسئلك بحق محمد

آسمانها و در زمین سؤال میکنم از تو بحق محمد

و علي و بحق فاطمة بنت نبيك و بحق

و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق

الحسن و الحسين فاني بهم اتوجه اليك

حسن و حسین پس بدرستیکه من بایشان رو آورده‌ام بتو

في مقامي هذا و بهم اتوسل و بهم اتشفع

در جای قامت خود اینجا و بایشان متوسل شده‌ام و بایشان شفاعت

میبرم

الیک

اليك و بحقهم اسئلك و اقسم و اعزم

بسوی تو و بحق ایشان سؤال میکنم از تو و سوگند میدهم و تاکید

میکنم

عليك و بالشان الذي لهم عندك و

بر تو و بمرتبه که برای ایشان است نزد تو و

بالقدر الذي لهم عندك و بالذي

بقدر و منزلت که مر ایشانراست نزد تو و بآنچه

فضلتهم على العالمين و باسمك الذي

فضیلت داده ایشانرا بر عالمیان و باسم بزرگوار تو که

جعلته عندهم و به خصصتهم دون العالمين

گردانیده اورا نزد ایشان و بآن مخصوص گردانیده ایشانرا

از تمام جهانیان

و به ابنتهم و ابنت فضلهم من فضل العالمين

و بآن نام ممتاز کرده ایشانرا و جدا کرده فضیلت ایشانرا از فضل جهانیان

حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلي

تا بلند کردید فضل ایشان از فضل جهانیان اینکه رحمت کنی

على محمد و ال محمد و ان تكشف عني غمي و

بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی از من غم مرا

همي و كربي و تكفيني المهم من اموري

و اندوه مرا و حزن مرا و کارگذاری کنی برای من کارهای

سخت از امور

وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي وَتَجْبُرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَ

وادا کنی از من قرض مرا و بدل کنی بجای من بی نیازی

تَجْبُرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى

و تدارک کنی مرا از تنگدستی و بی نیاز کنی مرا از سؤال کردن بسوی

الْمَخْلُوقِينَ وَتَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ

آفریدگان و دفع کنی از من اندوه کسی را که میترسم از اندوه او

وَغَمَّ مَنْ أَخَافُ غَمَّهُ وَحُزُونَةَ مَنْ أَخَافُ

و شدت آنرا که میترسم از شدت او و غم و اندوه کسی که میترسم

حُزُونَتَهُ وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ

از اندوه او و گزند کسی که میترسم از گزند او و حیله کسی که

أَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ وَ

میترسم از حیله او و شومی کسیکه میترسم از شومی او و

جَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ

ستم کسی که میترسم از ستم او و تسلط کسی که میترسم

سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَةَ

از تسلط آن و حیله کسیکه میترسم از حیله او و قدرت

مَنْ أَخَافُ بَلَاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَيَّ وَتَرُدَّ عَنِّي

کسیکه میترسم بلای توانا بودن او بر من و رد کنی از من

کید

كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اَللّٰهُمَّ مَنْ

و مکر دانی مکر مکاران را و حیله حیله ورانرا خداوندا کسیکه

أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

اراده کند بمن بدی پس اراده کن او را بآن کسیکه مکر کند مرا

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ

و بگردان از من مکر او را و حیله او را و سختی او را

وَأَمَانِيَّهُ وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنَّى

و آرزوهای او را و باز دار او را از من بهر روش که خواهی هرگاه

شِئْتَ اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَ

خواهی خدا وندا باز دار او را از من باحتیاجی که تدارک نکنی

بِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ

به بلایی که نپوشانی او را و به تنگدستی که نبندی راه او را

لَا تُعَافِيهِ وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا

شفا نبخشی او را و بخواری که بدل بعزت ننمایی و به بیچارگی که

اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ وَ

خداوندا بزن خواری را برابر دیدهای او و

أَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ

داخل کن بر او احتیاج را در منزل او و ناخوشی

ازنیازی | بسوی | پس بگردان ورا | او را او | و به دردکه | تدارک نکنی آنرا

والسقم في بدنه حتى تشغله عني بشغل
و بیماری را در کالبد او تا بازدارد او را از من بشغل
شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته
باز دارنده که نباشد فراغی برای او و فراموش گردان او را چنانچه فراموش کرد
ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه
از یاد خود و فرا گیر از من گوش او را و چشم او را و زبان او را
ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه و
و دست او را و پای او را و دل او را و همه اعضای او را و
ادخل عليه في جميع ذلك السقم ولا
داخل کن بر او در همه این حالات بیماری را و بده
تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا
شفا او را تا بگرداند این بیماری برای او شغلی که بازدارد او را
به عني وعن ذكري واكفني يا كافي
بسبب آن شغل از من و از یاد کردن من و کفایت کن مرا ای کارگذاری
ما لا يكفي سواك فانك الكافي لا
که کفایت نمیکند مرا بجز تو پس بدرستیکه تو کارگذاری که نیست
كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك
کارگذاری غیر از تو و ای گشاینده که نیست گشاینده غیر تو

ومغيث

ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار
و فریادرسی که نیست فریادرسی غیر از تو و پناه دهنده که نیست پناه دهنده
سواك خاب من كان رجاؤه سواك ومغيثه
غیر از تو و گریزگاه کسی که باشد امید او غیر تو و فریادرس او
سواك ومفزعه الى سواك
غیر از تو و فریادرس او غیر از تو و پناه او غیر از تو
ومهربه وملجاه الى غيرك ومنجاه من
و گریختن او و پناه بردن او بسوی غیر تو و رستن او از
مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي
مخلوق غیر از تو پس تو محل اعتماد منی و امید منی و پناه منی
ومهربي وملجائي ومنجاي فبك استفتح
و گریزگاه منی و گریزگاه منی و پناه منی پس بتو طلب گشایش میکنم
وبك استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه
و بتو رستگاری میجویم و بمحمد و آل محمد رو میآرم
اليك واتوسل واتشفع فاسئلك يا الله
بسوی تو و وسیله میجویم و شفاعت میجویم پس سؤال از تو میکنم ای خدا
يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر و
ای خدا ای خدا پس مر تراست ستایش و مر تراست سپاس و

اليك المشتكى وانت المستعان فاسئلك

بسوی توست شکایت کردن من و تویی مددخواسته پس سؤال میکنم از تو

يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي على

ای خدا بحق محمد وآل [محمد] اینکه رحمت کن بر

محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي

محمد و اینکه زایل گردانی از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا

في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه

در جای اقامت من اینجا همچنانکه زایل کردی از پیغمبر خود اندوه اورا

وغمه وكربه وكفيته هول عدوه

و غم اورا و حزن اورا و دفع کردی از او هول ترس دشمن اورا

فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج

پس زایل کن از من همچنانکه زایل کردی از او و گشایش

عني كما فرجت عنه واكفني كما كفيته

از من چنانکه گشودی از او و کارگزاری کن همچنانکه کارگزاری کردی اورا

واصرف عني هول ما اخاف هوله ومؤنة

و بگردان از من ترس آنچه میترسم ترس اورا و مشقت

ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلا

آنچه میترسم مشقت اورا و اندوه آنچه میترسم اندوه اورا بی

مؤنة

مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء

تعبی بر نفس من از این تعب و روا کن از من قضای

حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر

حاجتهای مرا و دفع نمودن آنچه غمگین دارد مرا هم از کار

آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا

آخرت من و دنیای من ای امیر مومنان و ای ابا

عبد الله عليكما مني سلام الله ابدا ما بقي

عبد الله بر شما باد از من سلام خدا همیشه بادا مادامیکه باقی

الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد

شب و روز و نگرداند این زیارت را خدا آخر زیارت

من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما

از زیارت شما و جدا نکند خدا میانه من و شما

اللهم احيني حيوة محمد وذريته و

خداوندا زنده دار مرا بزندگانی محمد و آل و اولاد او

امتني مماتهم وتوفني على ملتهم و

بمیران مرا بمردن ایشان و بگیر جان مرا بر دین ایشان و

احشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم

و محشور کن مرا در گروه ایشان و جدا مکن میان من و میان

ایشان

طرفة عين ابداً في الدنيا والآخرة يا امير

بقدر بهم زدن چشم هرگز در اینجهان و آنجهان ای امیر

المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما

مؤمنان و ای ابا عبد الله آمدم شمارا

زائراً ومتوسلاً الى الله ربي وربكما ومتوجهاً

زیارت کننده و توسل جوینده بسوی خدا پروردگارم و پروردگار شما

اليه بكما ومستشفعاً بكما الى الله

در حالتیکه روآورنده بودم بشما و شفاعت جوینده بودم بشما بسوی خدا

في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند الله

در حاجت خودم اینحاجت پس شفاعت کنید مرا پس بدرستیکه مر شما راست نزد خدا

المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل

جایگاه ستوده است و بزرگواری بغایت نیکو و منزلت

الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظراً

بلند است و شفاعت بدرستیکه من بر میگردم از نزد شما و منتظرم

لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله

مر حصول حاجت را و قضای او را و روا شدن آنرا از خدا

بشفاعتكما لي الى الله في ذلك فلا اخيب

بشفاعت کردن شما مرا نزد خدا در این حاجتها پس ناامید نگردم

ولا يكون منقلبي منقلباً خائباً خاسراً بل يكون

و نیست بازگشت من بازگشتی زیانکار ناامیدی بلکه میباشد

منقلبي منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً

بازگشت من بازگشتن با زیادتی فیروزی و رستگاری اجابت کرده شده

لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله

برای من خواهش همه حاجتهای من و درخواست کردن نیکی مرا نزد خدا

انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة

بازمیگردم بر آنچه خواست خدا و نیست حرکتی و نه قوتی

الا بالله مفوضاً امري الى الله ملجئاً ظهري

مگر بتوفیق خدا و واگذاشته ام کار خود را بسوی خدا امیدگاه است پشت

الى الله ومتوكلاً على الله واقول حسبي

و تکیه من بسوی خداست در حالتیکه توکل کرده ام بر خدا و میگویم بس است مرا

بسنده است مرا

الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء

خدا و کافیست اجابت کردن خدا مرکسی را که میخواند نیست مرا غیر

الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء

خدا و غیر شما ای آقایان من منتهی مطلبی آنچه خواست

ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول و

پروردگار من شد نیست و آنچه نخواهد نشده و نیست حول و

لا قوة الا بالله استودعکما الله ولا جعله
نیست توانایی مگر بتوفیق خدا بامانت میسپارم شما را بخدا و نگرداند
الله آخر العهد منی الیکما انصرفت
این رسیدن مرا خدا آخر رسیدن من بسوی شما بازگردیدم
یا سیدی یا امیر المؤمنین و مولای
ای آقای من ای امیر المؤمنین و ای صاحب اختیار من
وانت یا ابا عبد الله یا سیدی و سلامی
و تو ای ابا عبد الله ای آقای من و سلام من
علیکما متصل ما اتصل اللیل والنهار واصل
بر شما پیوسته مادامیکه پیوسته باشد شب و روز رسنده
ذلک الیکما غیر محجوب عنکما سلامی
این سلام بسوی شما نیست باز داشته از شما سلام من
ان شاء الله واسئله بحقکما ان یشاء ذلک
اگر خواسته خدا و درخواهم از او بحق شما اینکه بخواهد این را
و یفعل فانه حمید مجید انقلبت یا سیدی
و بکند پس بدرستیکه او ستوده و بزرگوار است بازگردیدم ای آقایان من
عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة
از شما در حالتیکه بازگشت کننده و شاکرم مر خدا را شکر امیدوارم اجابت مرا

غیر آیس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الی
نه ناامید و نه امید رو بعقب نماینده عود کننده بازگردنده
زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما
زیارت شما نه روگردان از شما و نه از زیارت شما
بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة
بلکه رجوع کننده بازگردنده اگر خواهد خدا و نیست قدرتی و توانایی
الا بالله یا سادتی رغبت الیکما والی
مگر بتوفیق خدا ای آقایان من خواهش نمودم بسوی شما و بسوی
زیارتکما بعد ان زهد فیکما وفی
زیارت شما بعد از آنکه رغبتی ننمودند در شما و در
زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما
زیارت شما مردم دنیا پس ناامید نگرداند مرا خدا از آنچه
رجوت وما املت فی زیارتکما انه قریب
امید دارم و از آنچه آرزو دارم در زیارت کردن شما بدرستیکه او است نزدیک
مجیب چون به زیارت مقتل رسیدی پس باید بگوئی اشهد
اجابت کننده گواهی میدهم
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
باینکه نیست خدایی مگر خدایی که یکتاست نیست شریکی مر او را و گواهی

اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

بانکه محمد بنده اوست و فرستاده اوست خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ پس خاشع و خاضع تکبیر بگو و بخوان اَلسَّلامُ

و آل محمد سلام

عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ

بر شما ای اهل بیت پیغمبری و محل

اهل خانه پیغمبر

الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلآئِكَةِ وَمَهْبِطَ

پیغمبری و محل آمدن و رفتن فرشتگان و محل فرود آمدن

الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَ

وحی الهی و قرارگاه رحمت خدا و خزانه علم خدا و

مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ

و صاحبان نهایت بردباری و ریشهای کرمهای خدا و کشندگان امت

بزرگی

وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ

و ولیهای جمیع نعمتها و اصل جمیع نیکوکاران و ستونهای

الْاَخْيارِ وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ

جمیع نیکوکاران و تادیب کنندگان جمیع بندگان و ستونهای شهرها

وَاَبْوابَ الْاِيمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلالَةَ

و درهای ایمان و امینهای خدای رحمن و فرزندان

النبیین

النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ

پیغمبر و برگزیده پیغمبران و خویش برگزیده

رَبِّ الْعالَمِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ

پروردگار عالمیان بر شما باد رحمت خدا و برکتهای او سلام

عَلیٰ اَئِمَّةِ الْهُدىٰ وَمَصابِيحِ الدُّجىٰ وَاَعْلامِ

بر پیشوایان راه هدایت و چراغهای تاریکی و نشانهای

راه

التُّقىٰ وَذَوِي النُّهىٰ وَاُولِي الْحِجىٰ وَكَهْفِ

پرهیزکاری و صاحبان عقل و دارایان زیرکی و پناه

الْوَرىٰ وَوَرَثَةِ الْاَنْبِياءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلىٰ

همه خلایق و وارثان جمیع پیغمبران و مثل بلند خدا

وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنىٰ وَحُجَجِ اللهِ عَلیٰ اَهْلِ

و دعای نیکی و حجتهای خدا بر اهل

الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَالْاُولىٰ وَرَحْمَةُ اللهِ

دنیا و اهل آخرت و جهان گذشته و بر شما باد رحمت خدا

وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَ

و برکتهای او سلام بر آنها که محل معرفت خدااند و

مَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ

جایگاه برکتهای خدا اند و قرارگاه حکمتهای خدا اند

وَحَفَظَةِ سِرِّ اللّٰهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللّٰهِ وَاَوْصِيَاءِ
و نگهدارندگان رازهای خدا و بردارندگان کتاب خدا و اوصیای
نَبِيِّ اللّٰهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
پیغمبران و فرزندان فرستاده خدا رحمت خدا بر او باد
وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
و بر آل او و رحمت خدا بر او باد و برکتهای خدا سلام
عَلَى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ وَالْاَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاتِ
بر خوانندگان بسوی خدا و راهنمایان بر خشنودی
اللّٰهِ وَالْمُسْتَوْفِرِينَ فِي اَمْرِ اللّٰهِ وَالتَّامِّينَ
خدا و بسیار کنندگان جد و جهد در فرمان خدا و تمام کنندگان
فِي مَحَبَّةِ اللّٰهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللّٰهِ
در محبت خدا و خالص گردانندگان خود را در توحید خدا
وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْرِ اللّٰهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ
و ظاهر کنندگان امر خدا و منهیات او و بندگان گرامی خدا
اَلَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ
آنانکه پیشی نگیرند بر خداوند بگفتار و ایشانند که بامر خدا
يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى
عمل مینمایند و رحمت خدا بر ایشان باد و برکتهای او و سلام بر

المستقرین

دعائم

اَلْاَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ
پیشوایان خوانندگان و کشانندگان راه جستن و بزرگان و والیان
وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ
و رفع مضرت کنندگان حمایت کنندگان و اهل ذکر الهی و صاحبان امر خدا
وَبَقِيَّةِ اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ
و امامان اخلاف خدا و برگزیدگان خدا و گروه خدا و صندوق علم خدا
وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةُ
و حجت خدا و راه خدا و نور خدا و رحمت
اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
خدا و برکتهای خدا گواهی میدهم آنکه نیست خدائی مگر
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَ
یگانه نیست شریک مر او را همچنانکه گواهی داد خدا برای خود
شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ
گواهی دادند برای او فرشتگان و صاحبان دانش از
خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ
خلق او نیست خدائی مگر او که غالب است و دانا و
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ
گواهی میدهم آنکه محمد بنده او است و فرستاده او است

دین

خداوند

الْمُرْتَضَى اَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ

برگزیده او که فرستاده او را به راستی و دین درست

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

تا غالب گرداند بر همه دینها و هرچند نخواهند آنرا مشرکان

وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ

و گواهی میدهم که شمائید پیشوایان و رستگاران راه حق یافتگان

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ

نگاه داشته شدگان گرامی داشته شدگان نزدیک یافته شدگان

الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ

پرهیزگاران راستگویان برگزیدگان فرمانبرداران

لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ

خدا را ایستادگان مردان براه رب او خدا عمل کنندگان باراده او

الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ

رستگاران بکرامتهای خدا برگزیده شما را برای علم خود و پسندید شما را

لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ

برای علم غیب خود و اختیار کرده شما را برای راز خود و برگزیده شما را بقدرت خود

وَاَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ

و عزیز کرده شما را بهدایت خود و خاص کرده شما را ببرهان خود و برگزیده شما را

لنوره

لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ

نور خود و قوت بخشید شما را بروح خود و پسندید شما را از خلیفهای خود

فِي اَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصَارًا لِدِينِهِ

در زمین خود و حجتها بر آفریدگان خود و یاری دهندگان دین خود

وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا

و نگاهدارندگان راز خود و خزینه داران علم خود و امانت داران

لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكَانًا

برای حکمت خود و ترجمه کنندگان وحی خود و ستونهای

لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَاَعْلَامًا

یکتا پرستی خود و گواهان بر مخلوقات خود و نشانهای هدایت

لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَاَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ

برای بندگان خود و روشنی بخشندگان در شهرهای خود و راهنمایان بر راه خود

عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ

نگاهداشت شما را خدا از لغزش و ایمن کرد شما را از فتنها و

طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

پاک کرد شما را از شبهه دین و دور کرد از شما رجس را ای

اَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ

اهل خانواده و پاکیزه کرد شما را پاکیزه کردنی پس بزرگ

و او را بزرگ شمردید جلال

وأكبرتم شأنه ومجدتم كرمه وأدمتم ذكره

وبزرگ کرده اید کار او را و عظیم نموده اید بزرگواری او را و دوام کرده اید ذکر او را

ووكدتم ميثاقه وأحكمتم عقد طاعته

و تاکید کرده اید پیمان او را و محکم فرموده اید فرمانبرداری او را

ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم

و خیرخواهی کرده اید برای او در نهانی و آشکارا و خوانده اید مردم را

إلى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة

بسوی راه او بحکمت و پند نیکو

وبذلتم أنفسكم في مرضاته وصبرتم

و در باخته اید جانهای خود را در راه خشنودی او و صبر کرده اید

على ما أصابكم في جنبه وأقمتم الصلوة و

بر آنچه شما را رسیده در راه او و بپا داشته اید نماز را و

آتيتم الزكوة وأمرتم بالمعروف ونهيتم

داده اید شما زکوة را و امر کرده اید شما به نیکی و باز داشته اید

عن المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى

از بدی و جهاد کرده اید در راه خدا آنطور که سزاوار است تا آنکه

أعلنتم دعوته وبينتم فرائضه وأقمتم

آشکار کردید شما دین او را و بیان کردید واجبات او را و بپا داشتید

حدوده

حدوده ونشرتم شرائع أحكامه و

حدهای او را و پهن کرده اید مسائل دین او را و

سننتم سنته وصرتم في ذلك منه إلى الرضا

ظاهر کرده اید دین او را و گردیده اید در این راهها از خدا بسوی خشنودی

وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله

و گردن نهاده اید برای خدا قضاهای او را و تصدیق کرده اید از پیغمبران

من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم

هر که گذشته پس هر که رغبت کند از شما بیرون میشود از دین و هر که ملازم

لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق

شما باشد ملحق میشود بشما و هر که کوتاهی کند در حق شما هلاک است

والحق معكم وفيكم ومنكم وإليكم وأنتم

و حق با شماست و در میان شماست و از شماست و بسوی شماست و شمائید

أهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم و

اهل حق و محل قرار حق و میراث نبوت و پیغمبری نزد شماست و

إياب الخلق إليكم وحسابهم عليكم

بازگشت مردم در قیامت بسوی شماست و حساب خلایق بر شماست

وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم

و فرق میان حق و باطل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست

وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم

و امور لازمه خدا از حق شماست و نور خدا و برهان خدا پیش شماست

وامره اليكم من والاكم فقد والى

و امر خدا بسوی شماست هرکه دوستی کند با شما پس بتحقیق دوست

الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن

خداست و هرکه دشمنی کند با شما پس بتحقیق دشمنی کرده با خدا و هرکه

احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد

دوست شماست پس او دوست خداست و هرکه دشمن شماست پس بتحقیق

ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم

دشمن خداست و هرکه چنگ در محبت شما زند پس چنگ زده است

بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم

بطاعت خدا شمایید راه بزرگ خدا و راه راست خدا

وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء

و گواهان خانه نیستی دنیا و شفیعان خانه آخرت

والرحمة الموصولة والآية المخزونة و

و رحمت پیوسته و علامت بزرگی خدا و

الامانة المحفوظة والباب المبتلى به

امانت خدا که نگهداری او واجب است بر مردم و درگاهی که امتحان کرده شده‌اند

بآن مردم را

الناس

الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم ياتكم

مردمان را هرکه آمد بآن درگاه پس نجات یافت و هرکه بآن نیامد

هلك الى الله تدعون وعليه تدلون و

هلاک شده بسوی خدا میخوانید و بآن ایمان آورده و براه او دلالت میکنید

به تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون

و براه او تسلیم شده‌اید و براو ایمان میاورید و بامر او عمل میکنید

والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون

و بسوی راه او ارشاد میکنید و بگفته او حکم میکنید

سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم

سعادتمند شد قسم بخدا هرکه دوست شماست و هلاک شد هرکه دشمن

شماست

وخاب من جحدكم وضل من فارقكم

و ناامید شد هرکه انکار کرد شما را و گمراه شد هرکه از شما جدا شد

وفاز من تمسك بكم وامن من لجا اليكم

و رستگار شد هرکه چنگ زد بشما و امن شد هرکه پناه آورد بسوی شما

وسلم من صدقكم وهدى من اعتصم

و سلامت یافت هرکه تصدیق کرد شما را و هدایت یافت هرکه چنگ زد

بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن

بشما هرکه متابعت کرد شما را پس بهشت مأوای اوست و هرکه

خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر

مخالفت کند شما را پس آتش جهنم قرارگاه اوست و هر که انکار کند شما را کافر

ومن حاربكم مشرك ومن ردّ عليكم

و هر که جنگ کرد با شما مشرک است و هر که رد کند بر شما

فهو في اسفل درك من الجحيم اشهد انّ

پس او هست در پایین ترین جای از جهنم گواهی میدهم من بدرستیکه

هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم

آنچه گفتم پیش پیش است برای شما در آنچه گذشته و جاریست برای شما

فيما بقي وانّ ارواحكم ونوركم و

در آینده و بدرستیکه روحهای شما و نور شما و

طينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها

طینت شما یکیست و حال آنکه نیکوست و پاکست بعضی از آنها

من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم

از بعضی آفریده است شما را خدا نورها پس گردانید شما را

بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم

بعرش خود احاطه کننده تا آنکه منت نهاد بر ما بشما

فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر

پس گردانید شما را در خانه‌هائی که مقرر فرموده خدا آنکه بلند باشد و ذکر کرده شود

فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم و

در آنها نام خدا و گردانید درودهای ما را بر شما و

ما خصّنا به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة

آنچه مخصوص کرده ما را به آن از دوستی شما نیکوئی برای آفرینش ما و پاکی

لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا

برای جانهای ما و پاکیزه گردیدن برای ما و کفاره برای گناهان ما

فكنّا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين

پس بودیم ما نزد خدا گروندگان بفضیلت شما و شناختگان

بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محلّ

بباور داشتن ما شما را پس رسانید خدا تعالی شما را بهترین محل

المكرّمين واعلى منازل المقرّبين و

گرامی داشتگان و بالاترین منزلهای مقربان و

ارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقه

بلندترین درجه‌های پیغمبران در جائیکه بآنجا نمیرسد ملحق شونده

لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق

ملحق شونده و زیادتی نمیکند بر آن زیادتی کننده و پیشی نمیگیرد او را پیشی گیرنده

ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى

و طمع نمیکند در دریافتن او طمع دارنده تا آنکه باقی نماند

ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق

فرشته مقرب یافته ونه پیغمبری مرسلی ونه بسیار تصدیق کننده

ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني

ونه شهیدی ونه عالمی ونه جاهلی ونه پست مرتبه

ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر

ونه صاحب فضیلتی ونه مؤمن شایسته ونه فاجر بد

طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد

کاری ونه جبر کننده صاحب عنادی ونه دیوی تمرد کننده

ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم

ونه آفریده در مابین این حاضر باشد مگر آنکه شناسانید ایشان را

جلالة امركم وعظم خطركم وكبر

بزرگی مرتبه شما را وعظمت قدر شما را وبزرگی

شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم

ذات شما را وتمام بودن نور شما را وراستی نشستن جای شما را

وثبات مقامكم وشرف محلكم و

وثابت بودن مقام شما را وشرف رتبه شما را و

منزلتكم عنده وكرامتكم عليه و

منزلت شما را نزد خود وگرامی بودن شما را بر خود و

خاصتکم

خاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه

مخصوص بودن شما را نزد خود ونزدیکی منزلت شما را از خود

بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي و

فدای شما باد پدرم ومادرم وجانم واهل وعیالم ومالم و

اسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن

خویشانم گواه میگیرم خدا را وگواه میگیرم شما را که من

ایمان آوردم

بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما

بشما وبآنچه ایمان آورده‌اید شما ومنکرم دشمنان شما را وبآنچه

كفرتم به مستبصر بشانكم وبضلالة

انکار را گذارید دانا وبینایم بفوق شأن شما وگمراه بودن

من خالفكم موال لكم ولاوليائكم

کسیکه مخالفت کرده شما را ودوستم شما را وبر دوستان شما

مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم

دشمنم مر دشمنان شما را واظهار دشمنی ایشان کنم صلحم با کسی

که صلح کرده با شما

وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم

ودر جنگم با هر که در جنگ است با شما باور دارم هر چه را تحقیق

کرده اید شما

مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف

باطل میدانم آنچه باطل میدانید شما اطاعت کننده‌ام شما را شناسا



بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ

حق شما را اقرار کننده ام بفضل شما بردارنده ام علم شما را

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ

پناه آرنده ام بامان شما اقرار کننده ام بشما مومنم

بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ

ببازگشت شما تصدیق کننده ام برگشتن شما را و انتظار کشنده ام

لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ

برای امر شما منتظرم دولت شما را گیرنده ام

بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ

گفته شما را عمل کننده ام بفرمودهٔ شما امان طلبم از شما زیارت کننده ام

لَكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ

شما را پناه آورده ام بشما پناه جسته ام بقبرهای مطهر شما

مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ

شفیع میکنم شما را بسوی خدای عز و جل شما را نزدیکی میجویم

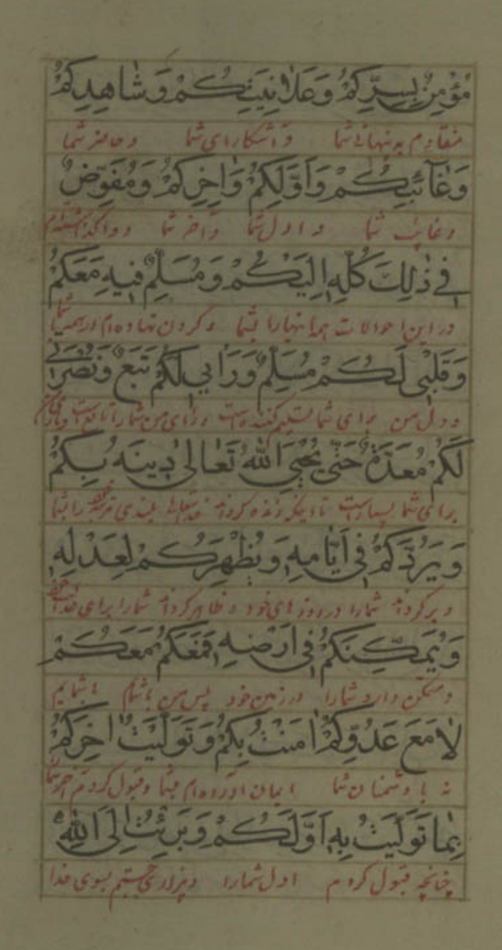
بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي

بوسیلهٔ شما بسوی خدا و مقدم میدارم شما را پیش مطلب خود

وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي

و حاجات خود و خواسته های خود در کارهای خود و حالهای خود

مؤمن



مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ

معتقدم بپنهان شما و آشکارای شما و حاضر شما

وَغَائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ

و غایب شما و اول شما و آخر شما و واگذارنده ام

فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ

در این احوالات همه را بشما و گردن نهاده ام در همه با شما

وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي

و دل من برای شما تسلیم کننده است و رای من شما را تابع است و یاری من

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ

برای شما مهیا است تا زنده گرداند خدای تعالی دین خود را بشما

وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ

و برگرداند شما را در روزهای خود و ظاهر گرداند شما را برای عدل خود

وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ

و مسکن دهد شما را در زمین خود پس من با شمایم با شمایم

لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ

نه با دشمنان شما ایمان آورده ام بشما و قبول کردم آخر شما را

بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ

چنانچه قبول کردم اول شما را و بیزاری جستم بسوی خدا

عز وجل من اعدائكم ومن الجبت و

غالب بزرگ از دشمنان شما و از پیشوایان و

الطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين

باطل و دیوان گمراه و گروه ایشان که ستمکارانند

لكم والجاحدين لحقكم والمارقين من

مر شما را و انکار کنندگان حق شما را و بیرون رفتگان از

ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين

اتباع و امامت شما و غصب کننده بودند میراث شما را و شک کنندگان

فيكم والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة

در حق شما و منحرف شدگان از شما و از هر پیشوایی

دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة

غیر شما و از هر که اطاعت میکنند غیر شما را و از امامانی

الذين يدعون الى النار فثبتني الله ابدا

که مردم را میخوانند بسوی آتش پس ثابت بدارد خدا همیشه

ما حييت على موالاتكم ومحبتكم و

تا زنده ام بر اعتقاد امامت شما و دوستی شما و

دينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني

و دین شما و توفیق دهد مرا برای طاعت شما و روزی کند مرا

شفاعتكم

شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم

شفاعت شما و گرداند مرا از بهترین دوستان شما

التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن

که تابعند هر چه خوانده اید شما بسوی او و گرداند مرا از آنانکه

يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم و

پیروی کنند اثرهای شما را و راه میروند براههای شما و

يهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر

و راه مینمایند براهنمای شما و محشور میشوند در گروه شما و بر میگردد

في رجعتكم ويملك في دولتكم و

در بازگشت شما و پادشاهی مییابند در زمان دولت شما

يشرف في عافيتكم ويمكن في ايامكم

و شرف مییابند در ایام عافیت شما و تمکین مییابند در ایام

وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم و

و روشن میشود چشم شان فردا بدیدن شما فدای شما باد پدرم

امي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله بدا

و مادرم و جانم و اهل عیالم و مالم هر که اراده کرد خدا را ابتدا کرد

بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده

بسوی شما و هر که یکتاپرستی خدا کند قبول میکند از شما و هر که

در دنیا

پادشاهی شما

اول میآید

قصد خدا کند

توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا

متوجه شود بسوی شما آقایان من نمی توانم شمرد ثنای شما را و نه

ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف

میتوانم رسید از ستایش کنه شما و از وصف کردن

قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار

قدر شما و حال که شما ید نور نیکان و رهنمای نیکو

وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم يختم

و صاحب حجت جبروت بشما فتح کرده خدا و بشما ختم کرده

وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان

و بشما میفرستد باران را و بشما نگهدارد آسمان را از اینکه

تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس

بیفتد بر زمین مگر رخصت او و بشما بر طرف میکند

الهم وبكم يكشف الضر وعندكم ما

غم را و بشما زایل میگردد حال بد و در نزد شما است آنچه

نزلت به رسله وهبطت به ملائكته

فرو آورده با آن پیغمبران و بزیر آورده اند فرشتگان

والى جدكم بعث الروح الامين و بزیارة امیر

و بسوی جد شما مبعوث شده روح الامین بجای الی



جدكم والى اخيك بعث الروح الامين آتاكم الله

بگو و بسوی برادر تو مبعوث شده روح الامین داده شما را خدا

ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كل

آنچه نداده احدی را از عالمیان فرود آورده هر

شريف لشرفكم وبخع كل متكبر

صاحب شرف سر خود را نزد شرف شما و اقرار کرده هر صاحب تکبری

لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم

بفرمانبرداری شما و فروتنی کرده هر گردن کش جبری برای فضل شما

وذل كل شيء لكم واشرقت الارض

و ذلیل و منقاد شده هر چیزی برای شما و روشن گردید زمین

بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم

بنور شما و رستگار شدند رستگاران که اعتقاد کردند بولایت شما

بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد

بشما میتوان رفت بسوی بهشت و بر کسی که انکار کرده

ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم و

ولایت شما را خشم پروردگار خدا فدا باد پدرم و

امي ونفسي واهلي ومالي ذكركم في

مادرم و جانم و اهل و عیالم و مالم یاد شما در میان

الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم

ذکر کنندگانست و نامهای شما درمیان نامهاست و بدنهای شما

في الاجساد وارواحكم في الارواح

درمیان بدنهاست و روحهای شما درمیان روحهاست

وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار

و جانهای شما درمیان جانهاست و آثار شما درمیان آثارست

وقبوركم في القبور فما احلى اسمائكم و

و قبرهای شما درمیان قبرهاست و لکن چه شیرین است نامهای شما و

اكرم انفسكم واعظم شأنكم واجل

چه گرامی است جانهای شما و چه بزرگست کار شما و چه بزرگست

خطركم واوفى عهدكم واصدق وعدكم

قدر شما و چه وفا کرده شده است عهد و پیمان شما و چه راست است وعده شما

كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم

کلام شما روشنی بخش است و فرموده شما موجب رستگاری و وصیت شما

التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان

پرهیزکاریست و کار شما نیکیست و عادت شما احسان است

وسجيتكم الكرم وشأنكم الحق و

و طبیعت شما کرم است و کار شما حق است و

الصدق والرفق وقولكم حكم وحتم

و براستی است و مداراست و قول شما حکم است و حتم است

ورايكم علم وحلم وحزم ان ذكر الخير كنتم

و رای شما داناییست و بردباریست و حزم است اگر یاد کرده شود نیکی شمایید

اوله واصله وفرعه ومعدنه وماويه

اول او و اصل او و فرع او و قرارگاه او و جایگاه او

ومنتهاه بابي انتم وامي ونفسي كيف

و منتهای او فدای شما باد پدرم و مادرم و جانم چگونه

اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم

وصف توانم کرد نیکی ثنای شما را و چگونه توانم شمرد بزرگی بلای شما را

وبكم اخرجنا الله من الذل وفرج

و بشما بیرون می آورد خدا از خواری و گشاده کرد

عنا غمرات الكروب وانقذنا بكم من

از ما سختی کربها و غمها و خلاص میکند ما را بشما از

شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم

کناره ای که نزدیکست بهلاکت و دیگر از آتش جهنم فدای شما باد پدرم

وامي ونفسي بموالاتكم علمنا الله معالم

و مادرم و جانم باعتقاد امامت شما تعلیم کرد ما را خدای

و دور میکند

علامتهای

الصدق

دِينِنَا وَاَصْلِحْ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ
دین ما و اصلاح می آورد آنچه فاسد میشود از امور دنیای ما
بِمُوَالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ
و بدوستی و اعتقاد امامت شما تمام میشود کلمه و عظیم شده نعمتها
وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوَالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ
و بهم می آیند جدائیها و باعتقاد امامت شما قبول کرده میشود عبادات
الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالدَّرَجَاتُ
واجبی و شماست مودت و دوستی واجب و درجات
الرَّفِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ
بلند و مقام ستوده شده و محل دانسته شده
عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّاْنُ
نزد خدا تعالی عز و جل و جاه و مرتبه بزرگ و شان
الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا
بزرگ و شفاعت قبول کرده شده خدا وندا ایمان آوردیم بآنچه
اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ
فرستاده و متابعت کرده ایم رسول را پس بنویس ما را با شاهدان
رَبَّنَا لا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ
پروردگارا مگردان دل ما را مایل بسوی باطل بعد از آنکه هدایت کرده ما را و

که عبارت از ایمان

عبادات

ببخش

لن

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
برای ما از نزد خود رحمت بدرستیکه توئی بخشاینده
سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا
منزه است پروردگار ما اگر بود وعده پروردگار ما
لَمَفْعُولاً يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ
کرده شده ای ولی خدا بدرستیکه میان من و میان خدای عز و جل
ذُنُوبًا لا يَاْتِي عَلَيْهَا اِلاَّ رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ
گناهانیست که نمی آید بآن مگر رضای شما پس بحق کسیکه امین
عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ
بر پنهان خود و رعایت کرده شما را از امر خلق خود و نزدیک
طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي
طاعت شما را بطاعت او از برای طلب بخشش کنا هان من
وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَاِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ
و باشید شفیعان من پس بدرستیکه من برای شما فرمانبردارم کسیکه
اَطَاعَكُمْ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ
اطاعت کند شما را پس بتحقیق اطاعت کرده خدا را و کسیکه عصیان کند پس
عَصَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ
عصیان کرده خدا را و کسیکه دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته

گردانیده شمارا

کرده

بتحقیق

خدارا

ومن أبغضكم فقد أبغض الله اللهم

و کسیکه دشمن دارد شما را پس بتحقیق دشمن داشته خدا را بار خدایا

إني لو وجدت شفعاء أقرب إليك من

بدرستیکه من اگر بیابم شفیعان نزدیکتر بسوی تو از

محمد وأهل بيته الأخيار الأئمة الأبرار

محمد و اهل بیت او برگزیدگان پیشوایان نیکوکار

لجعلتهم شفعائي إليك فبحقهم الذي

هر آینه میگردانیدم ایشان را شفیعان خود بسوی تو پس بحق ایشان که

أوجبت لهم عليك أسألك أن تدخلني في

واجب کرده برای ایشان بر خود سؤال میکنم ترا که داخل کنی مرا در

جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة

جملهٔ عارفان شناسایان بایشان و بحق ایشان و در زمرهٔ

المرحومين بشفاعتهم إنك أرحم الراحمين

مرحومین بشفاعت ایشان بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين و

و درود و دستاد خدا بر محمد و آل او پاکان و

سلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم

سلام فرستادن بسیار و بس است ما را خدا و خوب

الوكيل

الوكيل چون ماه را ببیند این دعا صحیفه را بخواند أيها

وکیل است ای

الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في

آفریده شده فرمانبردار شدرفتار تردد کننده در

منازل التقدير المتصرف في فلك التدبير

منزلهای تقدیر تصرف کننده در فلک تدبیر

آمنت بمن نور بك الظلم وأوضح بك البهم

گرویده ام بآنکه روشن ساخت بتو تاریکیها را و واضح کرد بتو امور مشتبه را

وجعلك آية من آيات ملكه وعلامة

و گردانید ترا نشانه از نشانهای پادشاهی خود و علامتی

من علامات سلطانه وامتهنك بالزيادة

از علامتهای سلطنت خود و خوار گردانید ترا بزیاد شدن

والنقصان والطلوع والأفول والإنارة

و کم شدن و برآمدن و فرو رفتن و نور دادن

والكسوف في كل ذلك أنت له مطيع

و سیاه شدن در همه اینها تو مر او را فرمانبرداری

وإلى إرادته سريع سبحانه ما أعجب ما

و بسوی خواستهٔ او شتابنده پاکست او چه عجب است آنچه

دبّر في أمرك والطف ما صنع في شأنك

تدبیر کرده است در امر تو وچه لطیف است آنچه کرده است در کار تو

جعلك مفتاح شهر حادث لأمر حادث

گردانیده ترا کلید ماه تازه برای کار تازه

فأسئل الله ربّي وربّك وخالقي وخالقك

پس مطلبیم از خدای پروردگار تو و آفریننده من و آفریننده تو

ومقدّري ومقدّرك أن يصلّي على محمد و

و اندازه کننده من و اندازه کننده تو اینکه رحمت کند بر محمد و

ومصوّري ومصوّرك

و نگارنده من و نگارنده تو

آله وأن يجعلك هلال بركة لا تمحقها

آل محمد و اینکه گرداند ترا ماه برکه که نیست گرداند آنرا

الأيّام وطهارة لا تدنّسها الآثام هلال

روزها و پاکیزه که چرکین نسازد آنرا گناهان هلال

أمن من الآفات وسلامة من السيّئات

ایمنی از آفتها و سلامتی از بدیها

هلال سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد

هلال سعدی که نحس نباشد در آن و میمنتی که رنج نباشد

معه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا يشوبه

با آن و آسانی که نیامیزد آنرا دشواری و نیکی که آمیخته نشود

شرّ

شرّ هلال أمن وإيمان ونعمة وإحسان و

بدی هلال ایمنی و ایمان و نعمتی و احسان و

سلامة وإسلام اللهمّ صلّ على محمد و

سلامتی و اسلامی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

آله واجعلنا من أرضى من طلع عليه وأزكى

آل محمد و بگردان ما را از راضی ترین کسی که طلوع کرده است بر او و پاکیزه ترین

ترین

من نظر إليه وأسعد من تعبّد لك فيه

کسی که نظر کرده بسوی او و نیکبخت ترین کسیکه پرستش کرده ترا در این ماه

ووفّقنا فيه للتوبة واعصمنا فيه من الحوبة

و توفیق ده ما را در این ماه برای توبه و نگاه دار ما را در این ماه از گناه

واحفظنا فيه من مباشرة معصيتك و

و حفظ کن ما را در این ماه از کردن نافرمانی تو و

أوزعنا فيه شكر نعمتك وألبسنا

در دل انداز ما را در این ماه شکر نعمت تو و بپوشان ما را

فيه جنن العافية وأتمم علينا باستكمال

در این ماه پردهای عافیت و تمام کن بر ما بسبب کامل ساختن

طاعتك فيه المنّة إنّك المنّان الحميد

طاعت خود در این ماه نعمت را بدرستیکه تو بخشنده نعمت و ستوده شده

وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين

ورحمت خدا بر محمد و آل او که پاکان و پاکیزگان

دعا هر شب از شبهای رمضان باید خواند

اللهم إني أفتتح الثناء بحمدك وأنت

خداوندا بدرستیکه من ابتدا میکنم ثنا خواندن بستایش تو و تو

مسدد للصواب بمنك وأيقنت أنك أنت

توفیق دهنده برای صواب به بخشش خود و باور دارم که تو تو

أرحم الراحمين في موضع العفو والرحمة

رحم کننده ترین رحم کنندگان در جایگاه بخشش و رحمت

وأشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة

و سخت ترین عقوبت کنندگانی در جایگاه عقوبت و بازخواست

وأعظم المتجبرين في موضع الكبرياء و

و بزرگتر از بزرگواران در جایگاه بزرگواری

العظمة اللهم أذنت لي في دعائك ومسألتك

عظمت بار خدایا دستوری دادی مرا در خواندن خود و در خواستن

فاسمع يا سميع مدحتي وأجب يا رحيم دعوتي

پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و مستجاب کن ای رحیم مهربان دعای مرا

وأقل يا غفور عثرتي فكم يا إلهي من كربة

و در گذار ای آمرزش کننده لغزشهای مرا پس چه بسیار ای خدای من از اندوهی که

قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد

بگشودی او را و غمها که بتحقیق زایل کردی او را و لغزشی که بتحقیق

أقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد

در گذشتی از آن و رحمتی که پهن کردی او را و حلقه بلائی که بتحقیق

فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة

گشودی از آن ستایش مر خدای را که فرا نگرفته هیچ زنی را

ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك

و نه فرزندی را و نه نباشد مر او را شریک در پادشاهی

ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد

و نه پیدا شده مر او را یاوری از ذلت و بزرگ دار او را بزرگ داشتنی ستایش مر خدای را

بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها

بهمه ستایش او تمام آن بر همه نعمتهای او بتمامی

الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه و

ستایش مر خدای را که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی او و

لا منازع له في أمره الحمد لله الذي لا شريك

نیست خصومت کننده در امر او ستایش مر خدای را که نیست شریک

سپاس خدای را

لَهُ فِی خَلْقِهِ وَلَا شَبِیهَ لَهُ فِی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

مر او را در آفرینش او و نه مانندی است مر او را در بزرگواری او

اَلْفَاشِی فِی الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ اَلظَّاهِرِ

که منتشر است در میان خلقان امر او و حمد او هویداست

بِالْکَرَمِ مَجْدُهُ اَلْبَاسِطِ بِالْجُودِ یَدَهُ اَلَّذِی

بنوازش بزرگی او گشوده است ببخشش دست او خدایی که

لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطَاءِ

که کم نمیشود خزانه های او و زیاد نمیکند او را بسیاری عطا

اِلَّا جُودًا وَکَرَمًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِیزُ الْوَهَّابُ

مگر بخشش و بزرگواری بدرستیکه او ارجمند بسیار بخشنده است

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ قَلِیلًا مِنْ کَثِیرٍ مَعَ

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا اندکی از بسیاری با

حَاجَةٍ بِی اِلَیْهِ عَظِیمَةٍ وَغِنَاکَ عَنْهُ قَدِیمٌ

احتیاج من بسوی او بزرگ و حال آنکه بی نیازی تو از او دیرینه است

وَهُوَ عِنْدِی کَثِیرٌ وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ

و او نزد من بسیار است و او بر تو سهل است

یَسِیرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَکَ عَنْ ذَنْبِی وَ

و آسان بار خدایا بدرستیکه بخشش تو از گناهان من و

تجاوزک

تَجَاوُزَکَ عَنْ خَطِیئَتِی وَصَفْحَکَ عَنْ ظُلْمِی وَ

درگذشتن تو از خطاهای من و درگذشتن تو از ستم من و

سَتْرَکَ عَلَی قَبِیحِ عَمَلِی وَحِلْمَکَ عَنْ کَثِیرِ

پوشیدن تو بر زشتی کردار من و بردباری تو از بسیاری

جُرْمِی عِنْدَ مَا کَانَ مِنْ خَطَائِی وَعَمْدِی

گناه من نزد آنچه بود از خطای من و عمد من

اَطْمَعَنِی فِی اَنْ اَسْئَلَکَ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ

بطمع انداخته مرا در اینکه سؤال کنم ترا آنچه را که نیستم سزاوار آن

مِنْکَ الَّذِی رَزَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَاَرَیْتَنِی

از تو که روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا

مِنْ قُدْرَتِکَ وَعَرَّفْتَنِی مِنْ اِجَابَتِکَ فَصِرْتُ

از توانایی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم

گردیدم

اَدْعُوکَ آمِنًا وَاَسْئَلُکَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا

که میخوانم ترا با ایمنی و درخواهم ترا با انس نه ترسان

وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَیْکَ فِیمَا قَصَدْتُ

و نه بیمناک نازکننده بر تو در آنچه آهنگ کردم

فِیهِ اِلَیْکَ فَاِنْ اَبْطَأَ عَنِّی عَتَبْتُ بِجَهْلِی

در او بسوی تو پس اگر دیر کند از من عتاب نمودم بنادانی

عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي اَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي

بر تو و امید است آنچه درنگ کرده از من او بهتر است برای من

لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْاُمُورِ فَلَمْ اَرَ مَوْلًى كَرِيمًا

بجهة علم تو بآخر کار پس ندیدم آقای بزرگواری

اَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ

دارا کننده بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار

اِنَّكَ تَدْعُونِي فَاُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ اِلَيَّ

بدرستیکه تو میخوانی مرا پس اعراض میکنم از تو و دوستی میکنی بمن

فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلَا اَقْبَلُ

پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم

مِنْكَ كَاَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ

از تو گویا مرا جای منت بر تو پس باز نداشت ترا

ذٰلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْاِحْسَانِ اِلَيَّ وَ

این از مهربانی بمن و احسان کردن بسوی من و

التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ

بخشش بر من بجود خود و کرم خود پس رحم کن

عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسَانِكَ

بنده خود را که نادانست و بخشش کن بر او بفضل احسان خود

اِنَّكَ

اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ

بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری ستایش مر خدا را که پادشاه پادشاهیست

مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ

روان کننده کشتیها تسخیر کننده بادها شکافنده سفیده دم

دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى حِلْمِهِ

دهنده جزا در روز جزا پروردگار جهانیان ستایش مر خدا را بر بردباری او

بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ

پس از علم او و ستایش مر خدا را بر عفو پس از

قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى طُولِ اَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ

توانائی او و ستایش مر خدا را بر طول مدارای او در غضب او

وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خَالِقِ الْخَلْقِ

و او دست توانا بر آنچه اراده کند ستایش مر خدا را آفریننده خلقان

بَاسِطِ الرِّزْقِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ

پهن کننده روزیها شکافنده صبحها صاحب بزرگواری

وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ الَّذِي

و اکرام است و فضل و انعام آنچنان کسیکه

بَعُدَ فَلَا يُرَى وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ

دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس گواهی گرفت نهان را

بارکت

وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع

و بلند مرتبه ستایش مر خدای را که نیست مر او را خصومت کننده

يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير

که برابری کند او را و نه مانندی که بماند او را و نه یاوری که

يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع

مدد کند او را قهر و غلبه کرده بغلبه خود بر غلبه داران و فروتنی کننده

لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء

برای بزرگواری خود بزرگان پس رسید بقدرت خود آنچه را میخواست

الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر

ستایش مر خدای را که اجابت میکند مرا هنگامی که ... و میپوشاند

على كل عورة وانا اعصيه ويعظم

بر من هر زشتی را و من معصیت میکنم او را و بزرگ میکند

النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة

نعمت را بر من پس شکر نمیکنم او را پس چه بسیار از بخششی که

هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد

گوارا است بتحقیق که عطا کردی مرا و بزرگ ترسیده شده بتحقیق

كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني

دفع نموده از من و نیکوئی تعجب آورنده که بتحقیق نموده مرا پس

ستایش میکنم

عليه

عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي

بر او حمد گویان و یاد میکنم او را تسبیح گویان ستایش

مر خدای را

لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله

که دریده نمیشود پرده آن و بسته نمیشود در آن و رد کرده نمیشود

سؤال کننده او

ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين

و نومید نمیشود امیدوار او ستایش مر خدای را که ایمن میسازد ترسندگان را

وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

و نجات میدهد نیکوکاران را و بلند میسازد ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف

و پست میکند گردنکشان را و هلاک میکند پادشاهان را و جانشین میکند

اخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظلمة

دیگران را و ستایش مر خدای را درهم شکننده متکبران را و هلاک کننده

ستمکاران را

مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ

دریابنده گریزندگان را عذاب کننده ستمکاران را فریادرس

المستصرخين موضع حاجات الطالبين

دادخواهان را قرارگاه حاجتهای سؤال کنندگان را

معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته

اعتماد کننده گروندگان را ستایش خدای را که از ترس او

ترعد السماء وسكانها وترجف الأرض

مضطرب شد آسمان وقرارگرفتگان او ومی لرزد زمین

وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في

وساکنان او وآشوب میکند دریاها وهرکه شنا میکند او را در

غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما

گردابها ستایش مر خدا را که هدایت کرد ما را باین ونه

كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله الحمد لله

ونبودیم ما که راه یابیم اگر نه بود آنکه راه نمود ما را خدا ستایش

مر خدا را

الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق

که می آفریند وآفریده نشده وروزی میدهد وروزی داده نشود

ويطعم ولا يطعم ويميت الأحياء ويحيي

ومیخوراند ونخورانیده نمیشود ومیمیراند زندگان را وزنده میکند

الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو

مردگان را واوست زنده که نمی میرد بدست اوست نیکی واو

على كل شيء قدير اللهم صل على محمد

بر همه چیزها توانا بار خدایا درود فرست بر محمد

عبدك ورسولك وأمينك وصفيك و

بنده تو وفرستاده تو وامین تو وبرگزیده تو و

حبيبك

حبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك

ودوست تو واختیار کرده شده تو از آفریده تو ونگهدارنده راز تو

ومبلغ رسالاتك أفضل وأحسن وأجمل

ورساننده پیغامهای تو نیکوتر وبهتر وزیباتر

وأكمل وأزكى وأنمى وأطيب وأطهر

وتمام تر وپاکیزه تر ونامی تر وپاکیزه تر وپاکتر و

أسنى وأكثر ما صليت وباركت وترحمت

بلند پایه تر وبیشتر آنچه رحمت فرستی وبرکت دهی ورحم کنی

وتحننت وسلمت على أحد من عبادك و

ومهربانی کردی وسلام فرستادی بر یکی از بندگان خود و

أنبيائك ورسلك وصفوتك وأهل

پیغمبران خود وفرستادگان خود وبرگزیدگان خود واهل

الكرامة عليك من خلقك اللهم صل

گرامی داشتن بر خود از خلق خود بار خدایا درود فرست

على علي أمير المؤمنين ووصي رسول رب

بر علی پادشاه گروندگان وجانشین فرستاده پروردگار

العالمين عبدك ووليك وأخي رسولك

جهانیان بنده تو ودوست تو وبرادر پیغمبر تو

وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى

وحجت تو بر خلقان تو ونشانه بزرگ تو

والنباء العظيم وصل على الصديقة الطاهرة

وخبر بزرگ ورحمت فرست بر همه راستگوی پاک

فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل

فاطمه پاکیزه بزرگ زنان جهانیان ورحمت فرست

على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن

بر هردو سبط رحمت ودو امام راهنما حسن

والحسين سيدي شباب اهل الجنة

وحسین دو آقایان جوانان اهل بهشت

وصل على ائمة المسلمين على بن الحسين

ورحمت کن بر پیشوای مسلمانان علی پسر حسین

ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى

ومحمد پسر علی وجعفر پسر محمد وموسی

بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي و

پسر جعفر وعلی پسر موسی ومحمد پسر علی و

علي بن محمد والحسن بن علي والخلف

علی پسر محمد وحسن پسر علی وجانشین

الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك

راه نمای راه یافته حجتهای تو بر بندگان تو وامینان تو

في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم و

در شهرهای تو رحمت فراوان همیشه بارخدایا و

صل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل

رحمت فرست بر صاحب حسب شمار امر خود بر پا دارنده امید داشته شده وداد

المنتظر وحفه بملائكتك المقربين

انتظار برده شده وفرو گیرنده بفرشتگان خود که نزدیکانند

وايده بروح القدس يا رب العالمين

وقوت ده اورا بروح القدس ای پروردگار جهانیان

اللهم اجعله الداعي الى كتابك و

بارخدایا قرار ده اورا خواننده بسوی کتاب خود و

القائم بدينك واستخلفه في الارض

بر پا دارنده دین خود وخلیفه گردان اورا در زمین

كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه

همچنان که جانشین کردی آنان را که پیش از او بودند جا ده برای او

دین او را

الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه

که پسندیدی او را برای او وبدل کن از بعد از ترس او

أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً اللهم

ایمنی را که عبادت کنند ترا که شرک نمی آورد بتو چیزی بار خدایا

أعزه وأعزز به وانصره وانتصر به وانصره

عزیز گردان او را و غالب کن بسبب او و یاری کن او را و یاری کن بسبب او و یاری کن او را

نصراً عزيزاً وافتح له فتحاً يسيراً واجعل له

یاری ارجمند و بگشا برای او گشودن آسانی و قرار ده او را

من لدنك سلطاناً نصيراً اللهم أظهر

از نزد خود حجتی یاری نماینده بار خدایا ظاهر گردان

به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي

با او دین خود را و طریقه پیغمبر خود را تا آنکه پنهان نماند

بشيء من الحق مخافة أحد من الخلق اللهم

چیزی از حق بجهة بیم احدی از خلق بار خدایا

إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعز

بدرستی که ما خواهشمندیم بتو در دولت گرامی که عزیز داری

بها الإسلام وأهله وتذل بها النفاق

بسبب آن اسلام و اهل اسلام را و خوار سازی بسبب آن نفاق

وأهله وتجعلنا فيها من الدعاة إلى طاعتك

و اهل او را و قرار دهی ما را در آن از خوانندگان بسوی فرمان خود

والقادة

[illegible]

والقادة إلى سبيلك وترزقنا بها كرامة

و کشندگان بسوی راه خود و روزی کنی ما را بسبب آن کرامت

الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق

دنیا و کرامت آخرت بار خدایا آنچه شناسانیدی ما را از حق

فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم

پس بار کن ما را و آنچه کم داریم ما را از او پس برسان ما را بار خدایا

المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق

فراهم آور بسبب آن پراکندگی ما را و بهم آور بسبب آن شکافتگی ما را و التیام ده

به فتقنا وكثر به قلتنا وأعزز به

بسبب آن گسیختگی ما را و بسیار کن بسبب آن کمی ما را و عزیز کن بسبب آن

ذلتنا وأغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا

خواری ما را و بی نیاز کن بسبب آن نیازمندی ما را و روا کن بسبب آن حاجت

واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر

و تدارک کن بآن احتیاج ما را و ببند بسبب آن خلت ما را و آسان کن

به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به

بسبب آن دشواری ما را و سفید کن بسبب آن رویها را و رها کن بسبب آن

أسرنا وأنجح به طلبتنا وأنجز به مواعيدنا

گرفتاری ما را و برآور بسبب آن مطالب ما را و روا کن بآن وعدهای ما را

وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا
مستجاب کن بسبب آن دعاهای ما را و عطا کن ما را بسبب آن مسئلتهای ما
وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا وَأَعْطِنَا
و برسان ما را بسبب آن از دنیا و آخرت آرزوهای ما و عطا کن ما را
بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ
بسبب آن بالاتر از خواهش ما ای بهترین سؤال کرده شدگان و فراگیرنده‌ترین
الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهِ
عطا کنندگان شفا ده بسبب آن سینه ما را و ببر بسبب آن
غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ
خشم دلهای ما را و راه نما بسبب آن آنچه خلاف کرده شده در آن
مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى
از حق باذن تو بدرستیکه تو هدایت میکنی هر کرا خواهی بسوی
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ
راه راست و یاری کن ما را بسبب آن بر دشمن خود
وَعَدُوِّنَا إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
و دشمن ما ای خدای بحق بپذیر بار خدایا بدرستیکه ما شکایت میکنیم
إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بسوی تو نبودن پیغمبر ما را درود تو بر او و آل او

وغيبة

7

وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ
و پنهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمنان ما و کمی
عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ
شماره ما و شدت آشوبهای ما و ظاهر شدن زمانه
عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى
بر ما پس درود فرست بر محمد و آل او و اعانت کن ما را بر
ذٰلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَ
این بگشایشی از خود زود کنی اورا و گزندی دفع کنی اورا و
نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ
و یاریی که عزیز سازی اورا و پادشاه حقی که ظاهر سازی اورا و رحمتی
از جانب خود
تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ
که فراگیری ما را و عافیتی از خود که بپوشانی ما را برحمت خود
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وليدع بما اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان [illegible] بار خدایا بدرستیکه من سؤال
میکنم از تو
أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ
آنکه قرار دهی در آنچه حکم میکنی و مقدر میسازی از امر
الْمَحْتُومِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ
واجب شده در امر حکیم از [illegible] حکمتی که

الذي لا يردّ ولا يبدّل ان تكتبني من

که بر نمیگردد و بدل نمیشود اینکه بنویسی مرا از

حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور

حاجیان خانه خود که محترم است پذیرفته شده که حج ایشان جزا داده شده

سعيهم المغفور ذنوبهم المكفّر عن

سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان درگذشته از

سيّئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدّر

بدی ایشان و اینکه قرار دهی در آنچه حکم کرده و تقدیر ساخته

ان تطيل عمري في خير وعافية وتوسّع

اینکه طول دهی عمر مرا در نیکوئی و عافیت و وسعت دهی

في رزقي وتجعلني ممّن تنتصر به لدينك

در روزی من و قرار دهی مرا از آنها که انتقام کشی برای دین خود

ولا تستبدل بي غيري فيندای علی العلیّین الصالحین

و بدل مگیر از من غیر مرا در هر شب و ارد است

اللهمّ برحمتك في الصالحين فادخلنا

بار خدایا برحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن مرا

وفي علّيّين فارفعنا وبكأس من معين

و در علیین پس بلند کن ما را و بجامی از شراب شیرین

من

من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور

از چشمه سلسبیل پس سیراب کن ما را و از سیاه

العين برحمتك فزوّجنا ومن الولدان

چشمان برحمت خود پس زن بده ما را و از کودکان

المخلّدين كانّهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا

جاوید ماندگان که گویا ایشان مروارید مکنون اند پس خادم بخش ما را

ومن ثمار الجنّة ولحوم الطير فاطعمنا و

و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس طعام ده ما را و

من ثياب السندس والحرير والاستبرق

از جامه های فاخر و نازک و بسیار نازک

فالبسنا وليلة القدر وحجّ بيتك الحرام

پس بپوشان ما را و شب قدر و حج خانه تو که محترم است

وقتلاً في سبيلك فوفّق لنا وصالح

و کشته شدن در راه تو پس توفیق ده ما را و دعای صالح

الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا

دعا و سؤال کردن پس مستجاب کن برای ما و هرگاه که

الاوّلين والآخرين يوم القيمة فارحمنا

پیشینیان و پسینیان در روز قیامت پس رحم بر ما کن

فراهم شوند



وبراءة من النار فاكتب لنا وفي جهنم

و بیزاری از آتش پس بنویس برای ما و در جهنم

فلا تغلنا وفي عذابك وهوانك فلا تبتلنا

پس غل مکن ما را و در عذاب خود و خواری پس میفکن ما را

ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا ومع

و از میوه درخت زقوم و خار خشک پس مچشان ما را و با

الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على

دیوان پس قرار مده ما را و در آتش بر

وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار

رویهای ما پس میفکن ما را و از جامه‌های آتش

وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل

و پیراهن‌های قطران پس مپوشان ما را و از همه

سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا

بدیها ای که نیست خدایی مگر تو بحق نیست خدایی مگر تو نجات ده ما را

در سحرها این دعا را بخوانند

اللهم اني اسئلك من بهائك بابهاه و

بار خدایا من سؤال میکنم از تو به نیکویی تو به نیکوترین او و



كل بهائك بهي اللهم اني اسئلك ببهائك

همه نیکوییها از تو نیکوست بار خدایا به نیکویی سؤال میکنم به نیکویی

كله اللهم اني اسئلك من جمالك باجمله

همه آن بار خدایا به نیکویی سؤال میکنم ترا از جمال تو به نیکوترین

وكل جمالك جميل اللهم اني اسئلك

و همه جمال تو نیکوست بار خدایا سؤال میکنم ترا

بجمالك كله اللهم اني اسئلك من جلالك

بجمال تو همه آن بار خدایا سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو

باجله وكل جلالك جليل اللهم اني

به بزرگوارترین او و همه بزرگواری تو بزرگوار است بار خدایا من

اسئلك بجلالك كله اللهم اني اسئلك

سؤال میکنم از تو به بزرگواری تو همه او بار خدایا من سؤال

من عظمتك باعظمها وكل عظمتك

از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو

عظيمة اللهم اني اسئلك بعظمتك

بزرگست بار خدایا من سؤال میکنم ترا به بزرگی تو

كلها اللهم اني اسئلك من نورك بانوره

همه آن بار خدایا من سؤال میکنم از نور تو در روشنی تر به

او

میکنم ترا

روشن تر او



وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ
بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي
اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ
كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

وكل



وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
بِاَسْمائِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ
بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي
اسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ
مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

كلها اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه
همه آن بارخدایا من سؤال میکنم از تو از دانایی تو بروانترین
وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك
و همه دانایی تو روانست بارخدایا من سؤال میکنم از تو بدانایی تو
كله اللهم اني اسئلك من قولك
همه آن بارخدایا من سؤال میکنم از تو از گفتار تو
بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني
بپسندیده ترین آنها و همه گفتار تو پسندیده است بارخدایا من
اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك
سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن بارخدایا من سؤال میکنم ترا
من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك
از سؤالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و همه سؤالهای تو
اليك حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك
بسوی تو دوست ترست بارخدایا من سؤال میکنم از تو بسؤالهای تو
كلها اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه
همه آن بارخدایا من سؤال میکنم ترا از رفعت تو برفیع ترین آن
وكل شرفك شريف اللهم اني اسئلك
و همه رفعت تو رفیع است بارخدایا من سؤال میکنم ترا

بشرفك

بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك
برفعت تو همه آن بارخدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا از پادشاهی تو
بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني
که همیشه است و همه پادشاهی تو همیشه است بارخدایا من
اسئلك بسلطانك كله اللهم اني اسئلك
سؤال میکنم ترا بپادشاهی تو همه آن بارخدایا من سؤال میکنم ترا
من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر
از غلبه تو ببزرگترین او و همه غلبه تو بزرگست
اللهم اني اسئلك بملكك كله اللهم
بارخدایا من سؤال میکنم ترا بغلبه تو همه آن بارخدایا
اني اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك
من سؤال میکنم از بلندی مرتبه تو ببلندترین او و همه بلندی تو
عال اللهم اني اسئلك بعلوك كله اللهم
بلند است بارخدایا من سؤال میکنم از تو ببلندی تو همه آن
اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك
من سؤال میکنم ترا از انعام تو بدیرینه ترین آن و همه انعام تو
قديم اللهم اني اسئلك بمنك كله
دیرینه است بارخدایا من سؤال میکنم از تو بانعام تو همه آن

بارخدایا

اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها و

بارخدایا من سؤال میکنم ترا از نشانهای تو بگرامی ترین نشانها

کل آیاتک کریمة اللهم انی اسئلک بآیاتک

همه نشانهای تو گرامیست بارخدایا من سؤال میکنم ترا بنشانهای

کلها اللهم انی اسئلک بما انت فیه من

همه نشانهای تو بارخدایا من سؤال میکنم ترا بانچه تو در آنی از

الشأن والجبروت واسئلک بکل شأن

کار و بزرگواری و سؤال میکنم ترا بهر کاری

وحده وجبروت وحدها اللهم انی اسألک

بتنهائی آن و بزرگواری تو بتنهائی بارخدایا من سؤال میکنم ترا

بما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله

بانچه اجابت میکنی هنگامیکه میخوانم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا [illegible]

و مختصرترین دعا

یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی

[illegible] ای پناه من نزد اندوه من ای فریادرس من

عند شدتی الیک فزعت وبک استغثت

نزد سختی من بسوی تو پناه آوردم و بتو طلب فریادرسی میکنم

وبک لذت لا الوذ بسواک ولا اطلب

و بتو التجا آوردم التجا نمی آرم بغیر تو و طلب نمیکنم

الفرج

الفرج الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من

فرج را مگر از تو پس فریادرس مرا و بگشا اندوه از من ای کسی

یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی

قبول میکند اندک را و می‌بخشد بسیار را قبول کن از من

الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور

اندک را و ببخش از من بسیار را بدرستیکه تو آمرزنده

الرحیم اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر به

و مهربانی بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ایمانی را که مباشر

شود بآن

قلبی ویقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصیبنی

دل من و یقینی راست تا بدانم آنکه نمیرسد مرا

الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما

مگر آنچه نوشته برای من و خشنود گردان مرا از عیش بآنچه

قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدتی فی کربتی

قسمت کردی مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای ذخیره من در

اندوه من

ویا صاحبی فی شدتی ویا ولیی فی نعمتی

و ای صاحب من در سختی من و ای دوست من در نعمت دادن من

ویا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی

و ای منتهای من در خواهش من تو پوشاننده عیب مرا

والآمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي

و ایمن سازنده مرا از وحشت مرا و در گذرنده از لغزش مرا پس بیامرز مرا

خطيئتي يا ارحم الراحمين دعای روز اول

گناهان مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اللهم اجعل صيامي فيه صيام الصائمين

خداوندا بگردان روزه مرا در این روزه روزه داران

وقيامي فيه قيام القائمين ونبهني فيه

و ایستادن مرا در آن ایستادن ایستادگان و آگاه کن مرا در آن

عن نومة الغافلين وهب لي جرمي فيه

از خواب بیخبران و ببخش مرا گناه مرا در اینماه

يا اله العالمين واعف عني يا عافيا عن

ای خداوند جهانیان و بگذر از من ای بخشنده از گناه

المجرمين روز دوم اللهم قربني فيه الى مرضاتك

گناهکاران خداوندا نزدیک کن مرا در اینماه بسوی رضایت خود

وجنبني فيه من سخطك ونقماتك ووفقني

و دور کن مرا در اینماه از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده

فيه لقراءة آياتك برحمتك يا ارحم الراحمين

در اینماه خواندن آیات خود برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

روز

روز سیم اللهم ارزقني فيه الذهن والتنبيه

بار خدایا روزی کن مرا در اینماه ذهن و آگاهی

وباعدني فيه من السفاهة والتمويه

و دور کن مرا در اینماه از بیخردی و پوشانیدن حق

واجعل لي نصيبا من كل خير تنزل فيه

و بگردان برای من بهره از هر خوبی که فرود آید در اینماه

بجودك يا اجود الاجودين روز چهارم اللهم قوني

ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا قوت ده مرا

فيه على اقامة امرك واذقني فيه حلاوة

در اینماه بر پا داشتن امر تو و بچشان مرا در اینماه شیرینی

ذكرك واوزعني فيه لاداء شكرك

ذکر خود و توفیق ده مرا در اینماه برای ادا کردن شکر خود

بكرمك واحفظني فيه بحفظك وسترك

به بزرگواری خود و محافظت مرا در اینماه بحفظ خود و ستر خود

يا ابصر الناظرين روز پنجم اللهم اجعلني فيه

ای بیناترین نگرندگان بارخدایا قرار ده مرا در اینماه

من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك

از طلب آمرزش کنندگان و قرار ده مرا در اینماه از بندگان خود

الصالحين القانتين واجعلني من اوليائك

شايسته خود كه فرمانبردارانند و قرار ده مرا از دوستان خود

المقربين برأفتك يا ارحم الراحمين روز ششم

كه نزديك باشندگانند برحمت خود ارحم كننده ترين رحم كنندگان

اللهم لا تخذلني فيه لتعرض معصيتك

بار خدايا خار مگذار مرا در اينماه از جهت متوجه شدن نا فرمانى تو

ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني

و مزن مرا در اينماه تازيانه غضب خود و دور گردان مرا

فيه من موجبات سخطك بمنك واياديك

در اينماه از آنچه كه سبب غضب تو شود ببخشش خود و نعمتهاى خود

يا منتهى رغبة الراغبين روز هفتم اللهم

اى نهايت خواهش خواهشمندان بار خدايا

اعني فيه على صيامه وقيامه وجنبني فيه

اعانت كن مرا در اينماه بر روزه آن و قيام آن و دور گردان مرا در اينماه

من هفواته وآثامه وارزقني فيه ذكرك

از لغزشهاى آن و گناهان آن و روزى كن مرا در اينماه ياد خود

بدوامه بتوفيقك يا هادي المضلين دعاى

بدوام آن بتوفيق تو اى رهنماى گمراهان

روز هشتم اللهم ارزقني فيه رحمة الايتام

خداوندا روزى كن مرا در اينماه رحمت يتيمان

واطعام الطعام وافشاء السلام وصحبة

و طعام دادن طعام و ظاهر ساختن سلام و صحبت

الكرام بطولك يا ملجأ الآملين روز نهم

كرام باحسان خود اى پناه آرزو داران

اللهم اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك

بار خدايا قرار ده براى من در اينماه بهره از رحمت خود

الواسعة واهدني فيه لبراهينك الساطعة

كه وسيع است و رهنمايى كن مرا در اينماه از براى دلايل بلند تو

وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة

و بگير موى پيش سر مرا بسوى رضامندى جامعه خود

بمحبتك يا امل المشتاقين روز دهم اللهم

بدوستى خود اى آرزوى مشتاقان خدايا

اجعلني فيه من المتوكلين عليك و

قرار ده مرا در اينماه از توكل كنندگان بر تو و

اجعلني فيه من الفائزين لديك واجعلني

قرار ده مرا در اينماه از رستگاران نزد خود و قرار ده مرا

فيه من المقرّبين إليك بإحسانك يا غاية
در اینماه از نزدیک شدگان بسوی خود باحسان خود ای نهایت
الطالبين روز یازدهم اللهم حبّب إليّ فيه
طلب کنندگان بارخدایا دوست گردان مرا در این
الإحسان وكرّه إليّ فيه الفسوق والعصيان
احسان را و دور گردان برای من دراینماه فسقها و نافرمانیها را
وحرّم عليّ فيه السخط والنيران بعونك
و حرام کن بر من دراینماه غضب و آتشها را بیاری خود
يا غياث المستغيثين روز دوازدهم اللهم زيّني
ای فریادرس دادخواهان بارخدایا زینت ده مرا
فيه بالستر والعفاف واسترني فيه
دراینماه بپوشش و عفت و بپوشان مرا دراینماه
بلباس الصبر والقنوع والكفاف و
بپوشش صبر و قناعت و روزی کفاف و
احملني فيه على العدل والإنصاف و
بار کن مرا دراینماه بر عدل و انصاف و
آمنّي فيه من كلّ ما أخاف بعصمتك يا
ایمن ساز مرا دراینماه از هرچه می‌ترسم بنگاهداری تو ای

عصمة

عصمة الخائفين روز سیزدهم اللهم طهّرني فيه
نگاه دار ترسندگان بارخدایا پاک کن مرا در اینماه
من الدنس والأقذار وصبّرني فيه على
از پلیدی و قاذورات و صابر گردان مرا دراینماه بر
كائنات الأقدار ووفّقني فيه للتقى و
تقدیرات ثابت قدم و توفیق ده مرا دراینماه از برای پرهیزگاری
صحبة الأبرار بعونك يا قرّة عين المساكين
صحبت خوبان باعانت تو ای روشنی چشم مسکینان
روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات
خداوندا مؤاخذه مکن مرا دراینماه بلغزشها
وأقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا
و درگذر برای من دراینماه از خطاها و لغزشها و مده
تجعلني فيه غرضاً للبلايا والآفات
قرار مرا دراینماه نشانه برای بلاها و آفتها
بعزّتك يا عزّ المسلمين روز پانزدهم اللهم ارزقني
بعزت خودت ای عزت مسلمانان بارخدایا روزی کن
فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري
دراینماه فرمانبرداری کردن فروتنان و گشاده گردان دراینماه سینه مرا

بإنابة المخبتين بأمانك يا أمان الخائفين

به بازگشت فروتنان به امان دادن تو ای امان دهنده ترسندگان

روز شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة الأبرار

بار خدایا توفیق ده مرا در این ماه به موافقت نیکوکاران

وجنبني فيه مرافقة الأشرار وآوني فيه

و دور گردان مرا در این ماه از همراهی بدکاران و جای ده مرا در این ماه

برحمتك إلى دار القرار بإلهيتك يا إله

به رحمت خود به سوی سرای درنگ به خداوندی خود ای خدای

العالمين روز هفدهم اللهم اهدني فيه

جهانیان بار خدایا راهنما مرا در این ماه

لصالح الأعمال واقض لي فيه الحوائج

به اعمال شایسته و برآور برای من در این ماه حاجتها

والآمال يا من لا يحتاج إلى التفسير و

و آرزوها را ای کسی که محتاج نیست به سوی اظهار کردن و

السؤال يا عالما بما في صدور العالمين صل

سؤال ای دانا به آنچه در سینه‌های جهانیان است رحمت کن

على محمد وآله الطاهرين روز هجدهم اللهم

بر محمد و آل او که پاکانند بار خدایا

نبهني فيه لبركات أسحاره ونور فيه قلبي

آگاه کن مرا در این ماه از برای برکتهای سحرهای آن و نورانی کن در این ماه

بضياء أنواره وخذ بكل أعضائي إلى اتباع

به روشنی نورهای آن و بدار همه اعضای مرا به سوی متابعت کردن

آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين روز

نشانهای آن به نور تو ای روشن کن دلهای شناسندگان

نوزدهم اللهم وفر فيه حظي من بركاته و

بار خدایا بسیار کن در این ماه بهره مرا از برکتهای او و

سهل سبيلي إلى خيراته ولا تحرمني قبول

آسان کن راه مرا به سوی نیکوئیهای آن و محروم مکن مرا از پذیرفتن

حسناته يا هاديا إلى الحق المبين روز بیستم

نیکیهای او ای راهنمای به سوی حق روشن

اللهم افتح لي فيه أبواب الجنان وأغلق

بار خدایا بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند

عني فيه أبواب النيران ووفقني لتلاوة

از برای من در این ماه درهای دوزخ را و توفیق ده مرا به تلاوت

القرآن يا منزل السكينة في قلوب

قرآن ای نازل کننده سکینه در دلهای

دل را

المؤمنين (روز بیست و یکم) اللهم اجعل لي فيه الى

بارخدایا قرار ده برای من در این [ماه] بسوی

مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه

خشنودیهای خود راهنمائی و مگردان برای دیو در این ماه

على سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا

بر من راهی و قرار ده بهشت را برای من محل نزول و آرامگاه

يا قاضي حوائج الطالبين (روز بیست و دوم) اللهم

ای برآورنده حاجتهای طالبان بارخدایا

افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه

بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و نازل کن بر من در این ماه

بركاتك ووفقني فيه لموجبات مرضاتك

برکتهای خود را و توفیق ده مرا در این ماه موجبات خشنودیهای خود

واسكني فيه بحبوحات جناتك يا

و ساکن ساز مرا در این ماه وسط بهشتهای خود را ای

مجيب دعوة المضطرين (روز بیست و سیم) اللهم

اجابت کننده دعای درماندگان بارخدایا

اغسلني فيه من الذنوب وطهرني فيه

بشوی مرا در این ماه از گناهان و پاک کن مرا در این ماه

من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب

يا مقيل عثرات المذنبين (روز بیست و چهارم) اللهم

اني اسئلك فيه ما يرضيك واعوذ بك

مما يؤذيك واسئلك التوفيق فيه لان

اطيعك ولا اعصيك يا جواد السائلين

(روز بیست و پنجم) اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك

مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب

النبيين (روز بیست و ششم) اللهم اجعل سعيي فيه

مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه

مقبولاً وعيبي فيه مستوراً يا اسمع
السامعين [روز بيست و هفتم] اللهم ارزقني فيه فضل
ليلة القدر وصيّر اموري فيه من العسر
الى اليسر واقبل معاذيري وحطّ عنّي
الذنب والوزر يا رؤوفاً بعباده الصالحين
[روز بيست و هشتم] اللهم وفّر حظّي فيه من النوافل
واكرمني فيه باحضار المسائل وقرّب فيه
وسيلتي اليك من بين الوسائل يا من لا
يشغله الحاح الملحّين [روز بيست و نهم] اللهم غشّني

فيه

فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة
وطهّر قلبي من غياهب التهمة يا رحيماً
بعباده المؤمنين [روز سي ام] اللهم اجعل صيامي
فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه و
يرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول
بحق سيدنا محمد واله الطاهرين والحمد لله
رب العالمين



